

۴۸

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

۸۴ صفحه

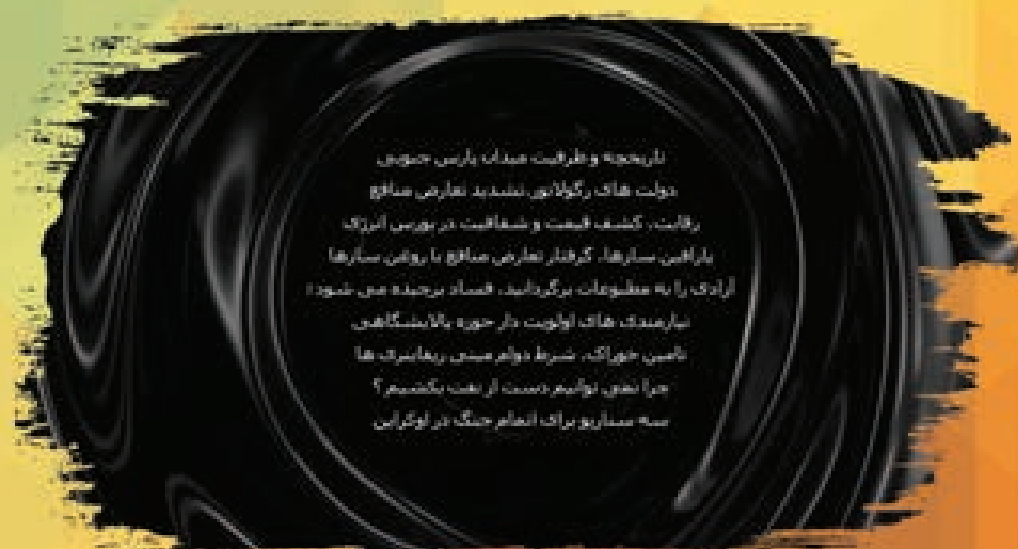
مرداد ۱۴۰۱

قیمت ۵۰/۰۰۰ تومان

The World of Energy Magazine

دنیای انرژی

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران



شرکت تامین روانکار دایان

تامین کننده انواع روغن های پایه و مواد افزودنی روغن

۲۲۵ دایان ۸۸۵۶۴۰۰۰

www.dayanoilco.com

کاری، باری داشتید، بیمه شو از ما بگیرید!

شرکت کارگزاری بیمه آژین با نام تجاری "دیجی بیمه" کارگزار تخصصی بیمه های
باربری صنایع نفتی، مشاور شما با ارائه بهترین نرخ، صدور آلی و جامی شما در دریافت خسارت
digibime.com (خط ویژه: ۰۲۱)۹۱۳۳۲۵۸۰



شرکت روغن موتور پردیس

تولید کننده انواع فرآورده های نفتی، روغن پایه، روغن موتور، روغن شیشه، روغن هیدرولیک، ضد ج

www.pardismotoroil.com

قیران پخش

تولید کننده قیرهای راهسازی با همکاری دانشگاه شریف

GPSI



کارخانه :

تهران، جاده قدیم قم، بعد از کهریزک
بلوار امام حسین، خیابان معدن هفتم
تلفن: ۵۶۵۴۵۸۵۱ - ۲۱

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان ولی عصر، بعد از خیابان
بهشتی بن پست پودیس، شماره ۱، واحد ۴
تلفن: ۹۴۵ - ۸۸۵۵۱ - ۲۱

www.gpsi.ir

« واحد نمونه کیفی در ۹۹،۹۸،۹۷ و ۱۴۰۰ »

« کنترل کیفیت نمونه کشوری در ۱۳۹۸ »

« آزمایشگاه همکار اداره استاندارد »

LIQUI MOLY



پترو پالایش تکران پارس
نماینده انحصاری لیکومولی در ایران



Mehrfam International
Business Development



Global Bitumen Conference & Solvex 2022

JW Marriott Marquis-Business Bay/Dubai-UAE

August 24th & 25th, 2022



حضور اعضا، محترم،

با سلام

باستحضار می‌رساند چهارمین همایش بین المللی قیر،
روغن پایه، هیدروکربن و فرآورده های مرتبط در تاریخ ۲۴ الی ۲۵
شهریورماه ۱۴۰۱ در شهر دبی و هتل برگزار میگردد.

JW Marriot Marquis – Business Bay – Dubai/UAE

این همایش بهترین فرصت برای معرفی دستاوردهای هر مجموعه میباشد که با
ارزیابی و ملاقات تمامی زنجیره تامین این محصولات میتوان به این مهم دست یافت
در این همایش دو روزه، شرکت ملی نفت ایران، پالایشگاههای اصلی، تولید کنندگان
بزرگ و مجموعه های خصوصی، شرکت های حمل و نقل و سراسی ها، و اکثریت بازرگانان
داخلی و مشتریان خارجی حضور دارند که میتواند بهترین بستر برای همکاری و تعامل
و بالابردن توان تولید و فروش را فراهم ساخت.

اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران به همراه
انجمن قیر ایران با حمایت معنوی خود حضور دارند و جهت حضور اعضا،
محترم خود توافقات خوبی انجام گرفته است.

حضور شما میتواند به بالابردن کیفیت این مراسم و ارتقای
جایگاه کشورمان در سطح بین الملل با توجه به شرایط
کنونی کمک شایانی نماید.



Bitumen

Base Oil

Farjam Behrouzi Mobile & WhatsApp: +98 912 - 1072025

Farjam.behrouzi@gmail.com

Delegate Fee: US\$ 750.00 Per Person
Delegate Fee for 2 person: US\$ 1400.00

Associate Sponsor US\$2,500.00

- Display of Logo in all our Media and Publishing's.
- Two Delegates Pass.

Exhibitor/Table Top US\$4,500.00

- Table Size (180cm X 63cm)
- Three Delegates Passes
- Display of Logo in all our Media and Publishing's

Sponsor (Variety of Sponsorships)

- Private Meeting Rooms.
- Prime Location and Customized Stall as exhibitor.
- Speakers slot to speak at our Conference.
- Private Meetings.
- Special Promotion and Interactions with Delegates.
- Total Number of Passes & Guests

Our Sponsorship are customized for your needs and fees calculated the same way.

Bitumen

Base Oil

Farjam Behrouzi Mobile & WhatsApp: **+98 912 - 1072025**

Farjam.behrouzi@gmail.com

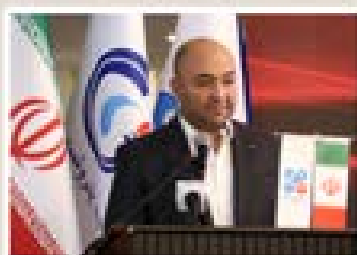


چهارمین سمینار متانول ایران برگزار شد

چهارمین سمینار متانول ایران به میزبانی شرکت پتروشیمی زاگرس با حضور شرکت‌های متانول ایران در تهران برگزار شد. به گزارش روابط عمومی شرکت پتروشیمی زاگرس، چهارمین سمینار متانول ایران در روز یکشنبه مورخ ۲۲ خردادماه سال ۱۴۰۱ با حضور مدیران عامل هلدینگ‌ها، مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها و مدیران و متخصصان صنعت متانول در تهران به منظور ایجاد اتحاد، همگرایی، همکاری و مشارکت هرچه بیشتر شرکت‌های تولیدکننده و طرح‌های متانول با محورهای: نوآوری‌های مطرح در صنعت متانول، تأثیر تحریم‌ها بر شرایط بازارها، فروش و حمل محصول، پیش‌بینی شرایط آینده بازار متانول و عوامل موثر بر آن، بررسی آخرین پیشرفت‌های تکنولوژی، فنی و تولیدی متانول، همکاری‌های مشترک بین تولیدکنندگان در حوزه زنجیره تأمین، بررسی عملکرد رقبای خارجی و تأثیر ورود شرکت‌های تولیدکننده جدید بر بازار، بررسی زمینه‌های همکاری‌های مشترک در حوزه‌های بازاریابی، فروش، حمل و نقل و لجستیک و بررسی شرایط عرضه و تقاضا در بازارهای فروش صادراتی و عوامل تأثیرگذار در تعیین قیمت متانول برگزار شد.

در ابتدای این سمینار دکتر متین دیداری، مدیرعامل شرکت پتروشیمی زاگرس به عنوان میزبان ضمن عرض خیرمقدم و همچنین ارائه گزارشی از وضعیت بازار متانول جهان و ایران در سخنانی بیان کردند با افزایش نرخ جدید یوتیلیتی‌ها و همچنین ارائه خوراک گاز، تولید متانول در ایران دیگر دارای صرفه اقتصادی قابل توجهی نمی‌باشد و با توجه به شرایط فعلی خواستار ورود جدی هیئت دولت و شخص رئیس‌جمهور به موضوع یوتیلیتی‌ها و نرخ گاز شدند. وی در ادامه سخنان خود به همگرایی و همکاری شرکت‌های تولیدی و طرح‌های متانولی اشاره نمودند و ابراز امیدواری کردند که با تشکیل جلسات مستمر گام‌های موثری در رفع موانع در صنعت متانول ایران برداشته شود.

بنابراین گزارش، در این سمینار کشوری از مجموع مقالات دریافت شده، شش مقاله برتر در دو بخش ارائه گردید. در این رویداد بزرگ کشوری از اولین نشریه متانول ایران که یکی از دستاوردهای مهم دوره‌های گذشته همین سمینار بود؛ نیز با دو زبان فارسی و انگلیسی رونمایی گردید. شایان ذکر است یکی از اهداف انتشار این نشریه بسیار مهم، ارائه اطلاعات صحیح و دقیق از صنعت متانول ایران در حوزه‌های تولید و فروش می‌باشد. در بخش سوم این سمینار نیز با تشکیل جلسه کارگروه متانول ایران که با حضور مدیران عامل هلدینگ‌ها، مدیران عامل شرکت‌ها، اعضای هیأت مدیره و مدیران بازرگانی شرکت‌ها ادامه یافت، در پایان مواردی نیز به تصویب حاضرین رسید.



● کاربردهای اصلی سری KEP

- کاپلیمر KEP EPM با پلیمریزاسیون محلول اتیلن و پروپیلن با استفاده از کاتالیست Ziegler-Natta تولید می شود.
- KEP0530 و گریدهای ارتقا یافته ی آن یک کاپلیمر بی نظم (Amorphous) با وزن مولکولی بسیار کم هستند و به عنوان یک افزایش دهنده شاخص ویسکوزیته (گرانیروی) که در فرمولاسیون روغن های موتور مونو گرید و مولتی گرید و همچنین روغن های صنعتی کاربرد دارند، طراحی شده است.
- همانطور که نشان داده شده، قدرت افزایش گرانیروی و شاخص پایداری برشی و همچنین رفتار بسیار عالی در دمای پایین از شاخص های این سری از KEP(VII) است.

	KEP0530	KEP0530T	Remark
Mooney Viscosity (ML1+4@100°C)	30	10	ASTM D1646
Ethylene Content wt%	50.0	50.0	ASTM D3900
MWD	Narrow	Narrow	typical
*Blended 1.0wt% Polymer in 100% Oil(Kinetic Viscosity at 100°C: 5.25cSt)			
Kinetic Viscosity at 100°C,cSt	11.5	9.9	ASTM D445
Thickening Power at 100°C,cSt	6.3	4.5	ASTM D445
SSI after 30 cycle	28.0	21.2	ASTM D4378
Development Status	Commercial	Commercial	

خواص مواد خام

Index	Unit	Typical Properties	Test Method
Mooney Viscosity(ML1+4@100°C)	MU	30.0±5.0	ASTM D1646
Ethylene Content	wt%	50.0±2.0	ASTM D3900
Volatile Content	wt%	1.50max.	ASTM D5668
Molecular Weight Distribution		Narrow	GPC/MS POLYCHROM
Shear Stability Index	%	38.0	ASTM D4378

خواص

توان غلظت دهی بالا (IP) و (Reduce Cold Crank Simulator (CCS))، عملکرد شاخص پایداری برشی مطلوب (SSI)، زمان انحلال عالی در روغن پایه و سازگاری بسیار مناسب با PPD های مختلف.

کاربردها

افزایش دهنده ی شاخص گرانیروی (VII)، تعدیل کننده ی گرانیروی روغن بسته بندی

عدل (Bale): بیل استاندارد (30bale = 25kg/bale)

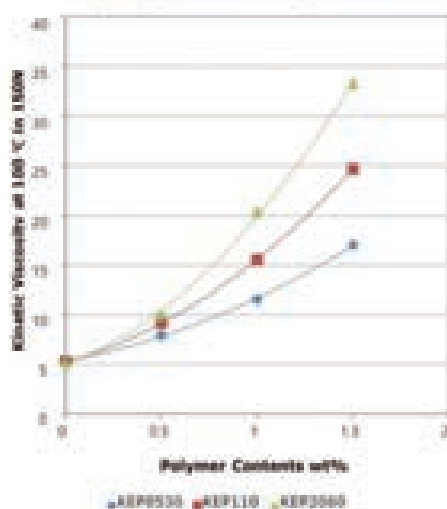


KEP 0530

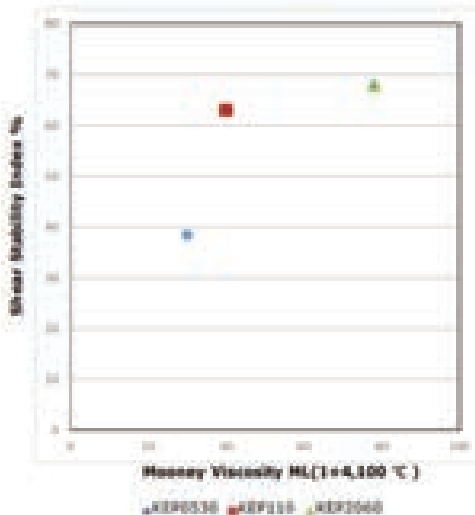
KEP 0530 یک پلیمر EPM هیدروکربنی بی نظم (Amorphous) با مولی ویسکوزیته بسیار کم و حاوی اتیلن 50% است. پراکندگی وزن مولکولی آن بسیار پایین (Narrow) است. KEP 0530 به عنوان یک افزایش دهنده شاخص گرانیروی (VII) و افزایش دهنده گرانیروی روغن در روان کننده ها به دلیل سازگاری بسیار خوب با روغن های پایه ی معدنی و سنتتیک استفاده می شود.

مقایسه ی پارامترها

KV(cSt) at 100 °C vs. Polymer Contents



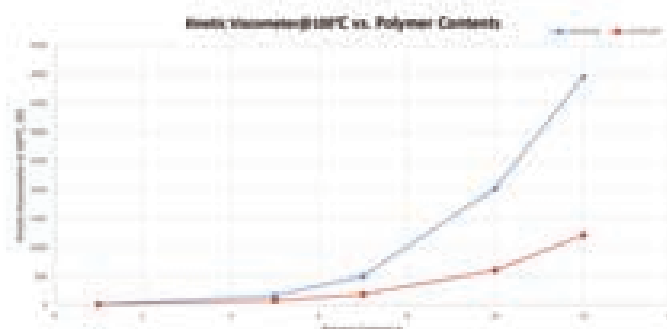
SSI vs. Mooney Viscosity ML(1+4,100 °C)



نتایج آزمایشگاهی برای KEP 0520T

Test	KEP0520T	Test Description
Mooney viscosity (ML1+ML2@150°C)	50	
Ethylene content	50%	
MWD	Narrow	
Shrinkage (ethylene in Group II 150N Oil)		
Shrinkage@150°C, 10h 10	100	100
Shrinkage@150°C, Shrinkage (ethylene)	100	100
Shrinkage@150°C, After 24h 100%	100	100
Shrinkage	7	100
Shrinkage	7	100

Test Results are KUMHO POLYCHEM Lab evaluation data. It shows a very transparent state even in dissolved 10wt% concentration



Polymer Dissolving in Group II 150N Oil. (Ex, Total Viscosity Modifier 100; 90/ 150N + 10/ Polymer

یکی دیگر از مزیت های رفلیتی محلی این پلیمر، نوع بسته بندی آن می باشد و در کارتن های 25 کیلوگرمی با پوشش داخلی Conting انجام شده که از چسبیدن EPM ها به بدنه کارتنی جلوگیری می کند و هیچگونه پوشش تابلونی که در روغن قابل حل نباشد در آن به کار نرفته است بنابراین تمامی کارتن ها به راحتی توسط ایراتور بازمی گردد و پلیمرها بدون هیچ نوع دورریزی داخل روغن ریخته می شوند این کار باعث صرفه جویی زغال برای ایراتور در خط تولید می گردد همچنین در بالای این بسته بندی ها یک فضای خالی وجود دارد که از فشار بیش از حد در زمان حمل و نقل، جابجایی طولانی و لیارش کالا جلوگیری می کند این مزیت باعث ثابت ماندن کیفیت کالا در تمامی ردیف های پالت می شود لازم به ذکر است تمام پالت ها و کالاهایی که تولید شده دارای COA (Certificate Of Analyze) می باشند که نشان دهنده ی جزئیات مواد اولیه ی هر پالت است



KEP 0520T

کاربردهای اصلی

KEP 0520T کوپلیمر بی نظیر (Amorphous) است که دارای موی ویسکوزیته بسیار پایین و حاوی اتیلن 50٪ است همچنین توزیع وزن مولکولی آن بسیار پایین (Narrow) می باشد KEP 0520T به دلیل سازگاری بسیار مناسب با روغن های پایه معدنی و سنتتیک به عنوان افزایش دهنده شاخص گرایی (VII) بسیار باکیفیت و افزایش دهنده گرایی روغن در انواع روان کننده ها استفاده می شود KEP 0520T یک کوپلیمر بی نظیر (Amorphous) با وزن مولکولی بسیار پایین است که به عنوان یک افزایش دهنده شاخص گرایی (VII) در فرمولاسیون روغن های موتور و صنعتی موشی گردید با کیفیت بالا استفاده می شود همانطور که نشان داده شده قدرت افزایش گرایی و شاخص پایداری برشی و همچنین رفتار بسیار عالی در دمای پایین از شاخص های این سری از KEP (VII) است

خواص مواد خام

Index	Unit	Typical Properties	Test Method
Mooney Viscosity (ML1+ML2@150°C)	MPa	10.0	ASTM D2146
Ethylene Content	wt%	50.0	ASTM D2000
Molecular Weight Distribution	-	Narrow	KUMHO POLYCHEM
Shear Stability Index*	%	20x5	ASTM D6278

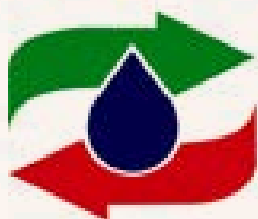
(*Standard) 100% Shrinkage in Group II 150N base oil

کاربردها:

افزایش دهنده ی شاخص گرایی (VII) ، تعدیل کننده ی گرایی روغن بسته بندی؛
عدل (Bale) : بیل استاندارد (25kg/bale × 24bale)



دنیای انرژی



« صاحب امتیاز: اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی ایران

« مدیرمسئول: دکتر سیدحمید حسینی

« سردبیر: امیرعباس امامی

« شورای سیاست‌گذاری: رضا مدیر، سیدحمید حسینی، سعید رفیعی فر، احمد صرامی

مرتضی فیروزی، فریدون اسعدی، امیرحسین نقاشی

« همکاران این شماره: هادی ابراهیمی، مهسا معیری و هیئت تحریریه دنیای انرژی

« سازمان آگهی‌ها: سولماز فرهادی ۵ - ۸۸۵۰۸۲۵۱

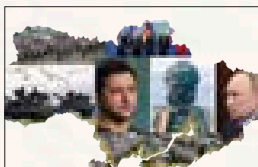
« صفحه آرای: سید محمدسیدی

« چاپ و لیتوگرافی: رنگین گستر

« مقالات، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های ارائه شده در ماهنامه دنیای انرژی لزوماً مورد تایید اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران نیست.

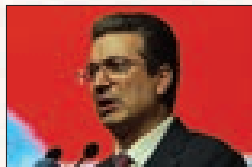
سه سناریو برای اتمام جنگ
در اوکراین توسط آندری کورتونوف

صفحه ۴۸



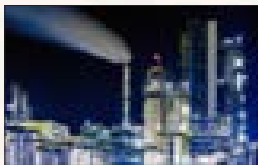
تعارض رانت ز!

صفحه ۱۰



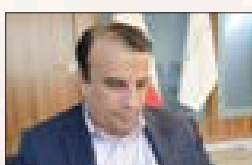
تامین خوراک شرط دوام مینی ریفاینری‌ها

صفحه ۵۴



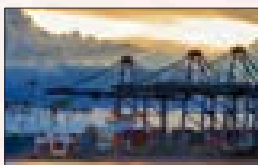
رقابت، کشف قیمت و شفافیت
در بورس انرژی

صفحه ۲۲



تجارت در کما!

صفحه ۶۰



تعرفه گاز صنایع پر مصرف دو برابر می‌شود

صفحه ۲۸



گرما، امید و هیدروژن

صفحه ۶۸



نیازمندی اولویت دار حوزه
پالایشگاهی کدام است؟

صفحه ۳۲



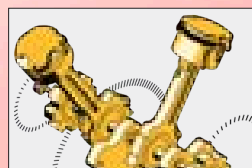
Biden Got the Energy
Market He Wanted

صفحه ۷۸



ناهماهنگی بهای لوبیکات

صفحه ۳۸



تهران - خیابان دکتر بهشتی، خیابان مفتاح شمالی، خیابان نقدی، پلاک ۱۰، طبقه اول

برندگان و بازندگان جنگ روسیه و اوکراین

سید حمید حسینی
مدیر مسئول

بناگاههای اقتصادی ایران خصوصا در بخش خصوصی توان تبدیل کردن چالش به فرصت را ندارند، ولی این قابلیت را دارند که از فرصت هایی که در سایه این تحولات ایجاد میگردد حداکثر بهره برداری را بعمل آورند. قاعدتا شرکت های پیشرو و چابک بهتر میتوانند از این اتفاقات و تحولات سیاسی و اقتصادی استفاده نمایند. جنگ پنج ماهه روسیه و اوکراین نمونه بارزی از این تحولات میباشد که قادر است فرصت های بزرگی را برای شرکت های ایرانی ایجاد نماید و جایگاه ژئوپلیتیک ایران را در جهان ارتقا دهد. ادامه این نبرد می تواند به احیا مسیر جاده ابریشم و کریدور شمال و جنوب از طریق ایران کمک شایانی بنماید، ضمنا با توجه به نقش پر رنگ روسیه در بازار نفت و گاز و وابستگی اروپا و روسیه در این زمینه به یکدیگر و تحریم احتمالی بخش انرژی روسیه باعث شده تا روسیه نسبت به ارسال این محموله ها به بازار آسیا اقدام کند و رقیب جدی برای صادرات ۲۵ میلیارد دلاری فرآورده های نفتی، محصولات پتروشیمی و میعانات گازی ایران گردد. قطعا بازنده اصلی این اتفاقات اتحادیه اروپا خواهد بود که بیش از ۸۱ درصد از کل گاز صادراتی روسیه روانه این بازار میگردد (روزانه حدود ۶۰۰ میلیون متر مکعب) و در نفت نیز روسیه ۵۷/۵٪ از کل صادرات نفت خود را به اروپا ارسال می نماید و پیدا کردن جایگزین برای اروپا کاری سخت و پرهزینه میباشد و اروپا را شدیداً با شروع فصل سرما نگران کرده است. از طرف دیگر آمریکا در دوران اوباما با انقلاب تکنولوژیک به بزرگترین تولید کننده نفت و گاز طبیعی در جهان تبدیل شده و از حدود یک دهه قبل سرعت تولید نفت خود را تقریباً شش و نیم برابر و در حوزه گاز این سرعت را پنج برابر افزایش داده است و لذا ایالات متحده از ظرفیت منحصر به فردی برای استفاده از گاز طبیعی و نفت خود برای تغییر معادله در بازارهای اروپایی برخوردار است که در این صورت در میان مدت قدرت و نفوذ روسیه در اروپا به طور جدی تضعیف خواهد شد. نا این مرحله از جنگ ما توانسته ایم از افزایش قیمت جهانی نفت بهره مند شویم و همزمان به علت وابستگی شدید به واردات غلات، روغن و خوراک دام هزینه بیشتری برای خرید و حمل و نقل آن پرداخت نماییم. یکی از فرصت های بی نظیری که برای کشور فراهم شده بازگشت نفت صادراتی ایران به بازار اروپا میباشد که در سایه توافق برجام امکان پذیر میباشد ولی تعلل

کشور در این زمینه کاملاً مشهود میباشد، از یکطرف آماده تعامل و توافق نیستیم و ۱/۵ سال است که در حال مذاکره هستیم و از طرف دیگر هم آماده خروج از توافق و تقابل نیستیم و تلاش های اروپا و قطر جهت میانجیگری بین ایران و آمریکا بی نتیجه مانده است و آمریکایی ها نیز علیرغم نیاز به توافق و شرایط بهتر ایران بخاطر انتخابات قریب الوقوع کنگره آمادگی دادن امتیاز و تضمین های اقتصادی نمیباشند. اما بایدن در سفر به اسرائیل و عربستان جانب احتیاط را از دست نداد و از لزوم حل و فصل اختلافات از طریق دیپلماسی سخن گفت و هیچیک از اهداف سفر در زمینه "امنیت دسته جمعی" با حضور آمریکا و اسرائیل و "افزایش تولید نفت" دست نیافت و بزودی مذاکرات ادامه خواهد یافت و احتمال اندکی برای موفقیت دارد. همانگونه که در بالا اشاره شد این جنگ باعث شده که کشورهای حوزه قفقاز و آسیای میانه برای استفاده از موقعیت سرزمینی ایران ترغیب شوند و لذا شاهد دیدار سران این کشورها از تهران و توافق های اقتصادی و ترانزیتی هستیم و در این شرایط تعرفه های واردات و صادرات به اوراسیا که تاکنون فقط برای اقلام خاصی بوده گسترش یافته و همه اقلام را در بر گرفته و شرایط برای تجارت و صادرات به بازار ۳۰۰ میلیارد دلاری اوراسیا فراهم خواهد شد. از طرف دیگر چین که از مسیر روسیه روزانه ۱۷ رام قطار کالای صادراتی روانه بازار اروپا می نمود، با قطع این مسیر در حال برنامه ریزی و سرمایه گذاری جهت استفاده از مسیر ریلی سرخس و گرگان به ترکیه میباشد و آماده سرمایه گذاری ۴۰۰ میلیون دلاری برای افزایش ترانزیت از این مسیر میباشد. ضمناً برای اولین بار در این روزها ترانزیت کالا بین هند و روسیه از طریق ایران عملیاتی و ۳۰۰ واگن از روسیه راهی بندرعباس گردید تا از طریق دریا به هند ارسال گردد. نهایتاً اینکه ایران برای گسترش همکاری در حوزه انرژی چند پیشنهاد همکاری با روسیه در زمینه صدور نفت، خرید، ترانزیت و سوآپ گاز از مسیر خط لوله ترکمنستان و همکاری در زمینه خرید، ترانزیت و سوآپ فرآورده های نفتی و پتروشیمی ارائه نموده است و بخش خصوصی ایران نیز به رهبری اتحادیه آمادگی خود در این زمینه اعلام داشته و در صورتی که توافق صورت گیرد و فرآورده های مازاد روسیه به این مسیر هدایت گردد، دیگر شاهد تخریب بازار فرآورده های نفتی و پتروشیمی در کشورهای منطقه توسط روسیه نخواهیم بود و در مجموع ایران نیز برنده این تحولات خواهد شد و فرصت بزرگی برای بخش خصوصی کشور فراهم خواهد شد. انشاءالله

منافع و تصویب نهاد تنظیم گر رگولاتوری، هموارتر از دولت بوده، اما دولت را در تحقق و اجرای این مهم باید همراهی کرد.

«دو دغدغه اصلی در سطح حاکمیت

بخش خصوصی طی سال‌های اخیر بارها بارها در تریبون‌های مختلف نسبت به تعارض منافی که میان بخش دولتی و خصوصی شکل گرفته و به صنعت، تجارت و در مجموع اقتصاد کشور آسیب زده، هشدار داده و خواستار رجوع مسوولان دولتی به اصل ۴۴ قانون اساسی برای تحقق این مهم شده اند. «موضوع حکمرانی خوب و تعارض منافع» را می‌توان دو مساله مهمی دانست که به گفته فعالان بخش خصوصی باید در سطح ملی به یک گفت‌وگو تبدیل شده و بعنوان یک دغدغه اصلی مطرح شود. در همین راستا، موضوع «تعارض منافع؛ مانع تنظیم گری و شفافیت» در پانزدهمین همایش سالانه اتحادیه فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی با حضور بخش خصوصی و متولیان دولتی مورد واکاوی بیشتر قرار گرفت.

سید حمید حسینی که به عنوان نخستین سخنران در این همایش صحبت می‌کرد، با تاکید بر توجه نهادهای بالادستی به ایجاد یک نهاد تنظیم‌گر در صنایع پایین دستی روند صادرات این بخش را تشریح کرد. بنابر آماري که او در این همایش اعلام کرد، صادرات فرآورده‌های نفتی کشور در سال گذشته بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار بوده، که روند افزایشی را نشان می‌دهد. به گفته او، این بخش با توجه به شرایط تحریم و مشکلات اقتصادی تحقق یافته و با این آمار می‌توان به این دیدگاه رسید که به هر میزان به بخش پایین دستی اهمیت بدهیم به همان نسبت منافع ملی را حفظ کرده و ارتقا داده‌ایم. حسینی با بیان اینکه عمده صادرکنندگان کشور، عضو اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی ایران هستند، گفت: این اتحادیه بزرگترین تشکل اقتصادی است،

در همایش سالانه اوپکس با حضور
متولیان دولتی و بخش خصوصی واکاوی شد

تعارض رانت‌زا!

فرشته فریادرس
دنیای انرژی

تعارض منافع چیست و چرا بخش خصوصی نگران آن است؛ تعارض منافع آنجا شکل می‌گیرد که بازیگران دولتی خودشان مسوول نهادهای تنظیم‌گر شده و مانع از شفافیت و تنظیم‌گیری می‌شوند.

به عبارتی دیگر، فعالیت همزمان مدیران تصمیم‌گیر در دولت و سایر نهادها و اداره

خانوادگی کانون‌های حساس اقتصادی، مصداق بارز تعارض منافع است که به وضوح در بدنه حکمرانی کشور جریان دارد. به گفته صاحب‌نظران و ناظران امر، ریشه بسیاری از مشکلات کنونی جامعه، تعارض منافع، عدم شفاف‌سازی و عدم تصویب نهاد تنظیم‌گر است و اگر رگولاتوری در کشور شکل نمی‌گیرد، علت آن به تعارض منافع برمی‌گردد. اما نگران کننده‌تر آنجاست که تعارض منافع در تمامی لایه‌های اقتصاد، صنعت و تجارت کشور رخنه کرده و در پرتو آن عدم شفافیت و تولید رانت ایجاد و فساد نهادینه شده است. از این رو، بخش خصوصی می‌گوید ما متولی نمی‌خواهیم و دولت و نهادهای غیردولتی عمومی باید از تصدی‌گری اقتصاد کشور دست بردارند. بخش خصوصی یک سیاست‌گذار، رگولاتور و داوری می‌خواهد که جلوی انحصار و تخطی از قانون را بگیرد. البته به گفته آنها وزارتخانه، سازمان یا نهادی که خودش ذی‌نفع است، کارخانه، معدن، ارز و... دارد، نمی‌تواند رگولاتور باشد و تنظیم‌گری کند. موضوع تعارض منافع از آنجا اهمیت بیشتری پیدا کرد که تصدی‌گری دولت در اقتصاد شفاف و برجسته‌تر شد و فسادهای ناشی از این تصدی‌گری و تضاد منافع آشکارتر. بنابراین بخش خصوصی نسبت به نوع شیوه اداره کشور در نبود شفافیت و فضای افزایش یافته تعارض منافع، معترض است؛ چراکه آثار آن بر اقتصاد کشور با نرخ رشد منفی، عدم تعامل با کشورها، اقتصادی ایدئولوژیک، خروج سرمایه و... بروز پیدا کرده است. اما اینکه برای ایجاد یک نهاد مستقل تنظیم‌گیر چه باید کرد؟ نسخه بخش خصوصی این است که مسیر مجلس برای طرح مدیریت تعارض



و مادامی که بابت تصمیم‌گیری دولتمردان بازارهایی مثل «ارز، طلا و سکه و...» بهم می‌ریزد به اولین بخشی که تحت فشار قرار می‌گیرد، بخش خصوصی است. این فعال بخش خصوصی یادآور شد: زمانی که در اتاق حضور داشتیم، در نظر داشتیم رفتارهای بخش دولتی و مصوبات را اصلاح کنیم تا بلکه رویه‌ها تغییر کند. اما تا مادامی که از اتاق بازرگانی خارج شدم معتقد بودم تا زمانی که رفتار مدیران ارشد دولتی تغییر نکند، اصلاحات شکل نخواهد گرفت. از نگاه سلطانی، اگر ما به دنبال استقلال و آزادی هستیم باید اولویت را به اقتصاد و برطرف کردن مشکلات پیش روی آن بدهیم. به عبارتی بهتر، برای شفاف‌سازی و تقویت توان اقتصادی کشور، باید مدل گفتمان بخش خصوصی با دولت را تغییر دهیم. این فعال اقتصادی در پایان گفت: اکنون زمان آن رسیده، که مدیران دولتی و حکمرانان بابت سیاست‌های اشتباهی که در این سال‌ها به کار بستند، عذرخواهی کنند.

«استاندارد و تعارض منافع»

پس از ایراد این سخنان، چند پنل با موضوعات مختلف در دستور کار برگزارکنندگان این همایش قرار گرفت. در نخستین پنل، بحث «استاندارد و تعارض منافع» با حضور رئیس سازمان استاندارد و به میزبانی سید حمید حسینی برگزار شد. در این پنل، متولی دولتی، بر لزوم تدوین استراتژی استاندارد از سوی بخش خصوصی و لزوم ارتقاء سطح کیفی تولیدات داخلی تاکید کرد. مهدی اسلام‌پناه، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان استاندارد ایران در جمع تولیدکنندگان و فعالان حوزه انرژی با ایراد سخنانی گفت: در سال‌های ۹۱ تا ۹۴ این سازمان زیر نظر وزارت صمت مدیریت می‌شد، این در حالی است که در سال ۹۶ این سازمان به شکل مستقل و زیر نظر نهاد ریاست جمهوری فعالیت خودش را آغاز کرد. او ادامه داد: در قانون هم آمده است

که مدعی است در جهت توانمندی اعضا قدم بر می‌دارد. از این رو، درصدد است که از مسائل و چالش‌های خود عبور کرده، اما دو مساله جدی که جزو منافع ملی به شمار می‌رود و کمتر کسی به آن پرداخته است، را در دستور کار خود قرار دهد. از نگاه او، بحث «حکمرانی خوب» و «تعارض منافع؛ مانع تنظیم‌گری و شفافیت» دو مساله‌ای است که طی چند ماه گذشته اتحادیه به طور مبسوط به آن پرداخته است، اما باید این موضوعات در سطح ملی به یک گفتمان تبدیل شود و به عنوان یک دغدغه اصلی مطرح شود.

«حرکت در چرخه معیوب!»

در ادامه این همایش، پدram سلطانی، عضو شورای عمومی فدارسیون جهانی اتاق‌های بازرگانی پشت تریبون قرار گرفت و با سخنان انتقادی خود بخش دولتی را به چالش کشید. این فعال بخش خصوصی در ابتدای صحبت‌هایش گفت: چالش‌های کنونی پیش‌روی بخش اقتصاد کشور، مانند همان چالش‌های سال‌های گذشته نیست؛ بلکه در این سال‌ها سطح مشکلات رو به فزونی بوده و ما هم در چرخه معیوب دولت حرکت کردیم. بنابراین در این مسیر دفاع ما هم نوعی خطا است. سلطانی بر این باور است، که اگر در چرخه خطا نمی‌افتادیم، قطعاً در این همایش می‌بایست مدیران ارشد دولتی حضور پیدا می‌کردند. سلطانی بار دیگر با تاکید بر اینکه اکنون مشکل اصلی کشور مدل حکمرانی است؛ اینطور گفت: امروزه مشکلات کشور پیچیده شده و با توجه به تغییر مشکلات دیگر نباید همانند گذشته برخورد کنیم؛ اما ما عادت کردیم بگوییم مشکلات ما همان مشکلات سال‌های گذشته است. غافل از اینکه مشکلات ما مشکلات تازه‌تر و جدیدتری است و ما آدرس اشتباه به دولت و حکمران‌ها می‌دهیم. او در بخش دیگری از اظهارات خود گفت: متأسفانه دولت‌ها در بازارها دخالت دستوری دارند



بخش خصوصی می گوید ما متولی

نمی خواهیم و دولت و نهادهای غیردولتی عمومی باید از تصدی گری اقتصاد کشور دست بردارند. بخش خصوصی یک سیاست گذار، رگولاتور و داوری می خواهد که جلوی انحصار و تخطی از قانون را بگیرد. البته به گفته آنها وزارتخانه، سازمان یا نهادی که خودش ذی نفع است، کارخانه، معدن، ارز و... دارد، نمی تواند رگولاتور باشد و تنظیم گری کند

که این نهاد چهار محور اساسی دارد؛ استانداردسازی، اندازه شناسی و مقیاس ها، تأیید صلاحیت و ارزیابی انطباق ها که از جمله وظایف اصلی سازمان استاندارد است. قانون با صراحت می گوید که این سازمان تنها مرجع نشان حلال است و ضابط دستگاه قضاییه است. اسلام پناه گفت: در صدر این سازمان شورایی عالی استاندارد قرار دارد که این شورا فرا قوه ای است. یعنی قوه قضاییه، مجریه، مقننه و بخش خصوصی نیز باید به این سازمان مشورت دهند. او در ادامه از بخش خصوصی خواستار شد که که استراتژی استاندارد را تدوین کند. رئیس سازمان ملی استاندارد همچنین با اشاره به برنامه این سازمان گفت: ما در این نهاد برای تسهیل امور، اعتماد گشایی بخش خصوصی هستیم. آمده ایم تا انتظار ملی را محقق کنیم. پس بخش خصوصی باید با این نهاد تعامل داشته باشد.

اسلام پناه یادآور شد که سال گذشته برای اولین بار جلسه سازمان استاندارد بعد از ۲۰ سال با حضور رئیس جمهور برگزار شد. در سال های قبل جلساتی در راستای بررسی استاندارد کشور برگزار می شد، اما این جلسات بدون حضور رئیس جمهور بود. او بیان کرد: تأکید رئیس جمهور به موضوع استاندارد است. ما سازمانی هستیم که مستقیماً در زندگی مردم نقش داریم امیدواریم مدیون مردم نباشیم. اسلام پناه، در بخش دیگری از صحبت های خود با انتقاد از رویه های قبلی که سبب انباشت پرونده ها در این سازمان شده اند، گفت: پرونده هایی در سازمان استاندارد انباشت شده که مربوط به ۱۰ سال گذشته است و کسی این موضوعات را جهت رفع موانع دنبال نکرده است. بنابراین در دولت در نظر داریم تا با تدوین برنامه ای تکلیف این پرونده های معطل مانده از قبل را مشخص کنیم. اسلام پناه همچنین تأکید کرد که استانداردسازی و بالابردن کیفیت جزو وظایف ذاتی ماست. از این رو، به دنبال یک برنامه مدون برای ارتقا سطح کیفیت

کالاها و محصولات تولید و داخل نیز هستیم.

سیدحمید حسینی رئیس اتحادیه صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی که این پنل را میزبانی می کرد، به بیان نکاتی مهم پرداخت و گفت: طبق تعاریف، استاندارد مدافع و حقوق مردم در همه ابعاد است. چنانچه استاندارد کار خودش را به درستی انجام دهد، قطعاً مردم در زندگی شان احساس امنیت می کنند. به این معنا که چنانچه مردم بخواهند کالا یا مواد غذایی را بخرند وقتی علامت استاندارد بر روی کالا درج شده باشد، احساس امنیت می کنند. او ادامه داد: در واقع این سازمان ها و نهادهای مردمی هستند که در همه ارکان مدافع حقوق مردم هستند. حسینی با بیان اینکه دو عامل در انقلاب صنعتی نقش



مساله سبب آسیب زدن به بازارهای صادراتی، قیمت و کیفیت کالاهای صادراتی شده است. بنابراین در این زمینه بخش دولتی به عنوان سیاستگذار ناگزیر به مداخله است. نوری در ادامه به برخی از اقدامات سازمان توسعه تجارت در بهبود توسعه صادرات اشاره کرد و گفت: افزایش ریزنان، برگزاری نمایشگاه های تخصصی در پایون های خارج از کشور و شناسایی بازارهای هدف و... از جمله اقدامات مدیریت جدید این سازمان است. او در ادامه از احیای شورای عالی تجارت در ستاد هماهنگی اقتصادی دولت خبر داد و گفت: با احیای این شورا، ناهماهنگی های بین دستگاهی که در بحث تجارت خارجی وجود دارد، از بین خواهد رفت؛ چراکه در حال حاضر دستگاه های زیادی از جمله وزارت اقتصاد، صمت و نیرو، بانک مرکزی، گمرک، معاونت علمی ریاست جمهوری و... در حوزه تجارت دخالت دارند و این باعث می شود که کارها به کندی به پیش رود.

«تجربه شکست تنظیم گیری در ایران»

در ادامه این پنل، دکتر فرشاد فاطمی عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف به تجربه تنظیم گیری در ایران پرداخت. او با اشاره به اینکه موضوع تنظیم گیری به طور عام و نهادهای تنظیم گر بخشی به طور خاص در فصل نهم قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ مورد توجه قرار گرفته است، توضیح داد: فصل نهم این قانون به موضوع تسهیل رقابت و منع انحصار اختصاص دارد و به منظور تحقق این امر «شورای رقابت» را جهت رفع رویه های ضد رقابتی تأسیس کرده است. اما از آنجایی که شورای رقابت به تنهایی نمی تواند به تمامی رویه های ضد رقابتی رسیدگی کند، به موجب ماده ۵۹ این قانون اجازه دارد در حوزه هایی که مصادیق انحصار طبیعی به شمار می روند، پیشنهاد تأسیس نهادهای تنظیم گر بخشی را به هیئت وزیران ارائه و قسمتی

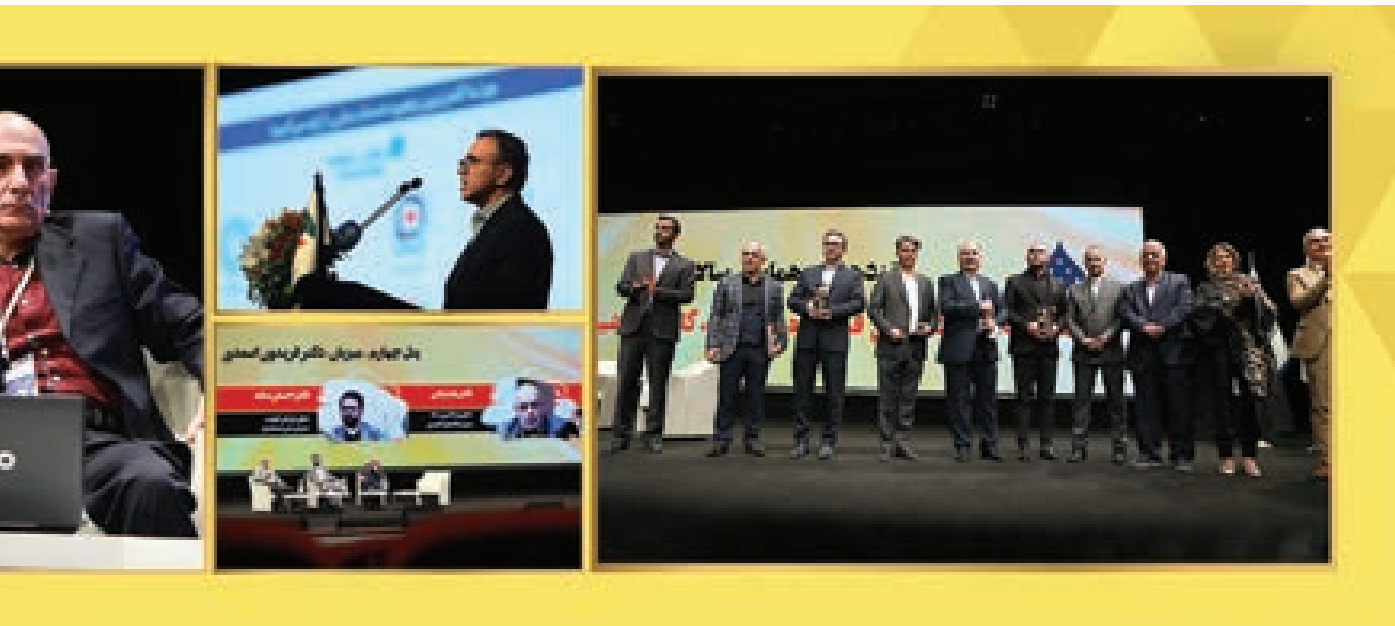
گسترده ای داشته است، گفت: اولین عامل تقسیم کار و دومین عامل استانداردسازی بود. اینکه دنیا یاد گرفته است که کالا را با استاندارد تولید کند؛ چراکه این ایده استانداردسازی بود که تولید انبوه در کشورها و جهان را شکل داد. او با یادآوری اینکه سازمان استاندارد از زیر مجموعه وزارت صمت خارج شده و مستقیماً زیر نظر نهاد ریاست جمهوری فعالیت می کند، تأکید کرد که این جابجایی قطعاً به نفع این نهاد تمام خواهد شد. در پایان این نشست دو جانبه پرسش و پاسخ هایی میان فعالان بخش خصوصی با معاون رئیس جمهور انجام شد.

«وقتی «تعارض منافع» صدای دولتی ها را هم درآورد!»

«تعارض منافع و تنظیم گیری» موضوع دومین پنل این همایش بود که با حضور معاون توسعه صادرات سازمان توسعه تجارت انجام شد. «فرهاد نوری» با بیان اینکه یکی از برنامه های سازمان متبوع ما حرکت به سمت بهبود است، گفت: در سازمان توسعه تجارت ما با بحث تعارض منافع که مدنظر طراحان این همایش است، دچار هستیم؛ به طور نمونه، در بحث کالاهای صادراتی به نوعی دچار تناقض هستیم؛ چراکه صنایع بالادستی به دنبال توسعه صادرات هستند، اما صنایع پایین دستی، خواهان ایجاد محدودیت و وضع عوارض بر کالای صادراتی با ارزش افزوده پایین هستند، چراکه معتقدند موقعیت آنها در زنجیره پایین دستی دچار چالش می شود. تعارض یا تضاد منافی که به گفته این مقام دولتی، باعث می شود که سازمان توسعه تجارت به سمت سیاست گذاری در این بخش رهنمون شود.

همچنین بنابه اظهارات او، یکی دیگر از چالش های که وجود دارد این است که بنگاه های کوچک بیشتر به دنبال منافع کوتاه مدت و سودآوری در بازارهای هدف هستند و چون استراتژی بلندمدتی ندارد؛ همین





تنظیم گر صحبت کنیم، تجربه جهانی نشان می‌دهد، به هیچ وجه نباید نگران انتصاب فرد مسوول در این نهاد باشیم یا اینکه چه نهادی آن فرد را منصوب می‌کند؛ بلکه مهم قدرت عزل است. یعنی قدرت عزل خیلی مهم از قدرت منصوب کردن است. اما چیزی که مهم است اینکه فرد مسوول باید استقلال شخصیتی و سوادکاری لازم را داشته باشد. البته این او این را هم گفت که بیشتر نهادهای تنظیم‌گری که در ایران وجود دارد، از بانک مرکزی و بیمه گرفته تا سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی و غیره هیچ کدام از استقلال کافی برای تنظیم بازار برخوردار نیستند. فاطمی در ادامه تاکید کرد: ایجاد یک نهاد تنظیم گر جدا از استقلال به فاکتورهای دیگری چون تدوین آیین نامه جدید، قدرت عمل بالا (به طور مثال حضور در شورا)، ضمانت اجرایی و شفافیت اطلاعات نیاز دارد. مورد مهم دیگر از نگاه فاطمی، اینکه نهاد تنظیم گر باید قدرت تطبیق سریع با شرایط را داشته باشد. او در نهایت تاکید کرد که تعارض منافع آنجا شکل می‌گیرد که بازیگران دولتی خودشان مسوول نهادهای تنظیم گر می‌شوند، که این رویه باید اصلاح شود.

«ایران بدون استراتژی در صنعت نفت»

درسومین پنل این همایش «آینده نفت و گاز در بستر تحولات جاری جهان» به بحث و بررسی گذاشته شد. « محمدصادق جوکار»، رئیس موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی وزارت نفت سخنان خود را این جمله که در ایران استراتژی برای صنعت نفت، تولید و صادرات وجود ندارد، آغاز کرد و یادآور شد که مقامات مسوول، سند استراتژی انرژی را تدوین کردند اما برنامه‌هایی که در این سند وجود دارد، تمام آمال و آرزوست. جوکار در بخش دیگری از صحبت‌های خود تاکید کرد: چنانچه نگاه

از وظایف و اختیارات تنظیمی خود در حوزه مزبور را به این نهادها واگذار کند.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه شورای رقابت در تمامی این سال‌ها تلاش کرده، نهادهای تنظیم‌کننده بخشی را راه اندازی کند، اما در همه موارد شکست خورده است؛ گفت: با گذشت بیشتر از ۱۰ سال از تصویب این قانون و به رغم خلأ تنظیم‌گری در بخش‌های مختلفی از اقتصاد کشور، حتی یک مورد نهاد تنظیم گر بخشی از طریق سازوکارهای این قانون، به تصویب هیئت وزیران نرسیده است. هرچند در دولت قبل لایحه ایی در این رابطه تنظیم و به مجلس فرستاده شده، اما متأسفانه در دولت جدید این لایحه هم از مجلس بازگشت خورد. فاطمی در بخش بعدی اظهارات خود، یکی از ویژگی‌های نهاد تنظیم گیر را دارابودن استقلال دانست و گفت: نهاد تنظیم گیر باید در وهله اول مستقل باشد؛ چون در برخی موارد بین وظایف سازمانی دولت با اصول تنظیم‌گیری تقابل و تفاوت وجود دارد؛ که نمونه بارز آن را در تنظیم بازار برق در اوایل دهه ۸۰ مشاهده کردیم.

او توضیح داد: به محض شروع هدفمندی یارانه‌ها، صنعت برق به دلیل نوع هدفمندی یارانه‌ها با کمبود منابع روبرو شد. حال تنظیم‌گیر به جای اینکه تنظیم به روابط بین انحصارگر و بنگاه‌های تولیدکننده ادامه بدهد، به دنبال این بود که هزینه خرید برق را کاهش دهد. به طوریکه حالا صنعت برق جزو بزرگترین بدهکاران دولتی است که به کارخانجات برق بدهکار است. دلیل این اتفاق هم این است که نهاد تنظیم‌گر بازار برق از استقلال لازم برخوردار نبود و مسوول تنظیم بازار برق، همزمان معاون برق وزیر نیرو بود. او از یکطرف نگران این بود که هزینه‌های خرید برق را کاهش دهد، اما از سویی دیگر، دنبال این بود که بازار برق را تنظیم کند؛ نتیجه اینکه دو مورد متناقض یکجا جمع نمی‌شوند. از نگاه این استاد دانشگاه، اگر بخواهیم در مورد استقلال نهاد



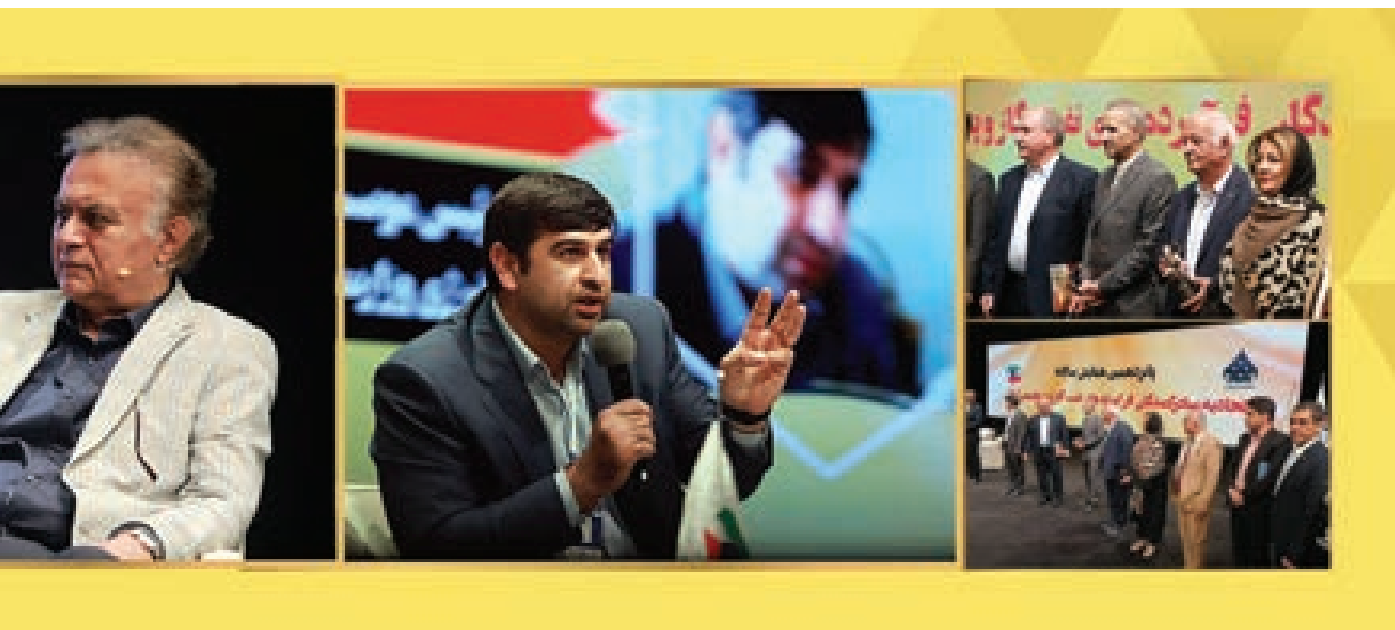
نفت رخ می‌دهد، از اتفاق‌ها شگفت‌انگیزتر از دهه‌های اخیر است. باید دید در این وضعیت جهان ایران چگونه است؟ هرچند او معتقد است که ایران هم برای تولید و صادرات نفت هرگز برنامه عملیاتی نداشته است. براساس اظهارات جوکار، یک نگاه توجه به ظرفیت صادراتی است و به جای برنامه‌های سنتی برای فروختن نفت باید بازسازی کنیم. این در حالی است که به گفته او، صنعت نفت ایران مغفول واقع شده و در شرایط تحریم در حال از دست دادن ظرفیت‌های بازار صادراتی هستیم. جوکار با بیان اینکه در این شرایط باید به الگوی روندها و کلان روندهای شکل دهنده انرژی جهان توجه کنیم، گفت: به عبارتی بهتر باید بازاریابی را کنار بگذاریم و بازاریابی کنیم. جوکار به نقش برجام در فروش نفت نیز گریزی زد و گفت: چنانچه برجام اجرا نشود و مذاکرات صورت نگیرد، سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و به دنبال آن فروش این کالا را تحت تاثیر قرار می‌دهد. رئیس موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی وزارت نفت با اشاره به اینکه در ایران مشکلاتی پیش روی اقتصاد و صنعت نفت قرار دارد، توضیح داد: بخشی از مشکلات داخلی و بخش دیگری بیرونی و مربوط به خارج است. مهمترین مساله اما این است که ما برای عبور از این بحران‌ها هرگز برنامه راهبردی و ساختاری نداشته‌ایم. جوکار در پایان به تولیدکنندگان و تاجران نفت توصیه کرد برای برطرف کردن مشکلات و ساماندهی بازارها، به نظم نوظهور انرژی جهانی، گزینه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در دورنمای بازار جهانی انرژی و وضعیت برجام توجه کنند و براساس آن جهت فروش طلای سیاه قدم بردارند.

«قطر بازیگر اصلی در منطقه!»

در بخش دیگری از این پنل، «عباس ملکی»، عضو هیات مدیره دانشگاه صنعتی شریف سخنرانی کرد و با اشاره به آینده صنعت

سیستماتیک به بازار نفت داشته باشیم در می‌یابیم که اتفاق‌های دیگری که در بازار رخ می‌دهد، اتفاق‌های معناداری نیست؛ چراکه قیمت‌های فعلی نفت در جهان هرگز منطقی نیست. از نگاه او، برای ساماندهی بازار نفت و بدست آوردن بازارها باید به اتفاق‌های روزی که در جهان رخ می‌دهد توجه کنیم. بعنوان مثال اکنون در جهان به مساله فناوری توجه ویژه‌ای دارند. در سال ۲۰۲۲ در کنفرانس امنیت ملی به بحث فناوری پرداخته شد. اکنون فناوری در همه بازارها نفوذ کرده است. جوکار در ادامه با طرح این پرسش که جهان به سمت پیش روی و ارتقا تکنولوژی‌های روز است، باید دید که ما کجا ایستاده‌ایم؟ عنوان کرد: «جو بایدن» رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا می‌گوید: مقصر اصلی نوسان قیمت گاز و نفت روسیه است؛ اما واقعیت این است که در این بازه زمانی اقداماتی و تحولاتی که در بازارها به ویژه بازار جهانی

امروزه مشکلات کشور پیچیده شده و با توجه به تغییر مشکلات دیگر نباید همانند گذشته برخورد کنیم؛ اما ما عادت کردیم بگوئیم مشکلات ما همان مشکلات سال‌های گذشته است. غافل از اینکه مشکلات ما مشکلات تازه‌تر و جدیدتری است و ما آدرس اشتباه به دولت و حکمران‌ها می‌دهیم



زیرساخت حمل و نقل هستند، نمی‌توانند در بخش تجارت موفق عمل کنند. لجستیک هم در اختیار صنعت، معدن و تجارت است و هم خود عامل درآمدزایی است. او با تأکید بر اینکه در صنعت لجستیک دو عامل مهم است؛ گفت: نخستین مساله تامین زیرساخت مناسب است و دومین توجه به نرم‌افزار است. متأسفانه در ایران به جنبه نرم-افزاری توجه نشده و اسناد را یکپارچه نکردیم و ترانزیت در ایران به خصوص در کریدور شمال کشور شکست خورده است. به گفته اسدی، برخی سرمایه‌گذاران خارجی به دلیل ناهماهنگی‌های که در ایران وجود داشت این صنعت را ترک کردند و حالا هم عدم توجه به جنبه نرم افزاری باعث عقب‌ماندگی ما در صنعت حمل و نقل شده، که پیامد آن بالا رفتن هزینه تمام شده کالاها است. به گفته این پژوهشگر، در مرزهای آمریکا و مکزیک این دو کشور در بخش لجستیک در مسیر مرزی یک پارچه قرار دارند، این در حالی است که در ایران ما در داخل کشور هم دچار تنش هستیم. با اتفاق‌های اخیر در منطقه کشور، روسیه صنعت حمل و نقل خودش را از دست داده و این مساله می‌توانست برای ما امتیازاتی داشته باشد اما متأسفانه کشورهایی مانند چین از این فرصت استفاده کردند.

«غیبت نفتی‌ها»

در پنل پایانی این همایش «چالش‌های صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی» مورد واکاوی قرار گرفت. فریدون اسعدی دبیر اتحادیه اوپکس که میزبانی این پنل را بر عهده داشت، در

نفت گفت: یک کشوری مثل قطر اکنون به عنوان بازیگر اصلی منطقه تبدیل شده است. این درحالی است که در ایران هیچ کالایی را نمی‌توانیم پیدا کنیم که با سرمایه‌گذاری گسترده آن را به راحتی به بازارهای خارجی با دلار بفروشیم. او متذکر شد: اینکه فروش کالاها اکنون با فناوری و فضای مجازی شکل می‌گیرد و از طرفی نقش قدرت‌ها و دولت‌ها در قیمت این طلای سیاه تأثیرگذار است، امری بدیهی است. اما بنابه اظهارات ملکی، در اقتصاد تنها چیزی که مهم است، بحث بر سر قیمت تمام شده و قیمت‌هاست. قیمت یعنی هزینه نهایی تولید یک کالا. اگر قیمت تمام شده یک کالا پایین باشد قطعاً در بازارهای جهانی حضور فعال دارد و می‌تواند رقابت کند. او در عین حال معتقد است که ایران با تمام چالش‌ها و تحریم‌ها اما در بازار نفت باز هم حرف اول را می‌زند. آخرین گزارش‌ها حاکی از این است ایران نفت را در آخرین مرحله با قیمت هشت دلار فروخته است. البته که عربستان و عراق هم نفت خودشان را هم قیمت ایران فروختند. این در حالی است که در بریتانیا و آمریکا این نفت بین ۳۸ تا ۴۰ دلار فروخته شده است. مسلم است متقاضیان کالایی را از کشورهایی می‌خرند که قیمت تمام شده کالاهایشان کمتر است.

«چرا در ترانزیت شکست خوردیم؟»

از سوی دیگر، همایون اسدی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه که در این پنل حضور داشت، درباره شرایط لجستیک در شرایط اخیر منطقه سخن گفت. بنابه اظهارات او، کشورهایی که فاقد



داشته باشند و چنانچه در جاهایی نیاز به حمایت است، حتماً به عنوان یک نهاد دخیل و اثرگذار ورود کند. معاون پیشگیری ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در دیگر اظهارات خود گفت: مسالهایی که اکنون وجود دارد اینکه متأسفانه برخی از شرکتها خواسته‌هایی دارند، که اساساً قابل اجرا نیست؛ اما در سال‌های که در ستاد حضور داشتیم، همواره تلاش بر این بوده، که هیچ تصمیمی بدون نظر بخش خصوصی گرفته نشود.

موضوع دیگری که به گفته هندیانی باید مورد توجه قرار گیرد، اینکه اتحادیه‌ها و انجمن‌ها هنوز جایگاه قانونی خود را پیدا نکرده‌اند.

البته بخشی از این جایگاه به نگاه حاکمیت به آنها بر می‌گردد؛ این درحالی است که این نگاه و تعامل باید دوطرفه باشد. وقتی اتحادیه‌ای شکل می‌گیرد، باید حداکثر تلاش خود را انجام دهد تا در چارچوب قوانین حاکمیت آنچه را که قرار است تصویب کند، اتفاق نظر حاصل شده و به مرحله اجرا برساند. او همچنین با تأکید بر اینکه اتحادیه‌ها باید همه اطلاعات اعضا خود در را در اختیار داشته باشند، گفت: مادامی که یک تخلفی از سوی یک عضو از اتحادیه صورت می‌گیرد، قبل از اینکه کارگروه ستاد به موضوع ورود کند، باید این مساله یا تخلف از سوی خود اتحادیه مورد بررسی قرار گرفته، و تذکر، اخطار یا تنبیه لازم از سوی اتحادیه انجام شود تا کار به نهادهای نظارتی از بیرون نرسد که مشکلاتی را برای اعضا به وجود بیاورد. به گفته او، مسئولیت اصلی اتحادیه اشراف کافی بر عملکرد اعضا برای پیشگیری از بروز تخلف است؛ چرا که این روند باعث سلامت مجموعه می‌شود.

اظهاراتی عنوان کرد که مقام معظم رهبری در این سال‌ها بارها بر به کارگیری فرصت‌های موجود در بخش نفت و انرژی برای ایجاد اشتغال و ارزش افزوده تأکید زیادی داشتند، اما علی‌رغم تدوین سیاست‌های کلی نظام انرژی در سال‌های گذشته همچنان این بخش مغفول مانده است. او ابراز امیدواری کرد که دستگاه‌های دخیل در این فرایند از وزارت نفت، نیرو، صمت گرفته تا ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سازمان استاندارد و... با تسهیل‌سازی فرایندها و آسان‌سازی مقررات شرایط را برای عملکرد بهتر حوزه صنایع پایین دستی و بخش انرژی فراهم کنند.

در ادامه این صحبت‌ها، هندیانی معاون پیشگیری ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، با ایراد سخنانی گفت: نکته حائز اهمیت این است که اصل ورودی خوراک این بخش را وزارت نفت می‌دهد و فرایند تأیید این مسیر که آیا از استانداردهای لازم برخوردار است یا خیر نیز از سوی وزارت نفت صورت می‌گیرد؛ بنابراین بهتر این بود که از دوستان وزارت نفت هم در این نشست حضور پیدا می‌کردند؛ چراکه وظیفه ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز سیاستگذاری و نظارت است و در اجرا هیچ نقشی ندارد.

او ادامه داد: برخی شرکت‌ها در ارتباط با مشکلاتشان نامه‌های زیادی برای ما ارسال می‌کنند، این درحالی است که اساساً مربوط به حوزه کاری ما نیست. اما از آنجایی که مقام معظم رهبری چند سال اخیر بر حمایت از تولید تأکید ویژه داشتند، ستاد هم آنرا بعنوان یک اصل مهم پذیرفته است. البته در این بین وزارت صمت که پروانه فعالیت برای شرکت‌ها صادر می‌کند، باید نسبت به ورودی، خروجی و وضعیت تولید حاصل از کارخانجات نظارت لازم را

«در سال‌های گذشته شاهد بودیم که برخی از قوانین به نفع عده‌ای خاص بوده و عموم مردم عملاً از آن بی‌بهره بودند. این سطح از تعارض منافع چه مشکلاتی را برای اقتصاد ایران به همراه داشته است؟»

تعارض منافع به حالتی می‌گویند که یک کارگزار یا یک مسئول و مقام دولتی بتواند تصمیمی در راستای منافع خودش یا یکی از اقوام و اطرافیان بگیرد. متأسفانه این رفتاری است که در اقتصاد ایران بسیار مشاهده می‌شود. این همان منشأ فساد است که توصیه‌های دینی هم ما را از آن بر حذر کرده است. شریعت ما راه حل تأمین منافع مردم را در انتخاب مدیران سالم می‌داند. اما ما توجهی به توصیه‌های آن نکردیم و کم توجهی ما به مسأله‌ای با این سطح از اهمیت، موجب شد که امروز بدهستان‌های فسادآمیز به شدت افزایش یافته و پیگیری منافع صنفی و گروهی که بر خلاف منافع عمومی است به شدت اوج بگیرد.

«یعنی به باور شما در انتخاب مسئولین دقت و حساسیت لازم به خرج داده نشده یا مشکل در جای دیگر است؟»

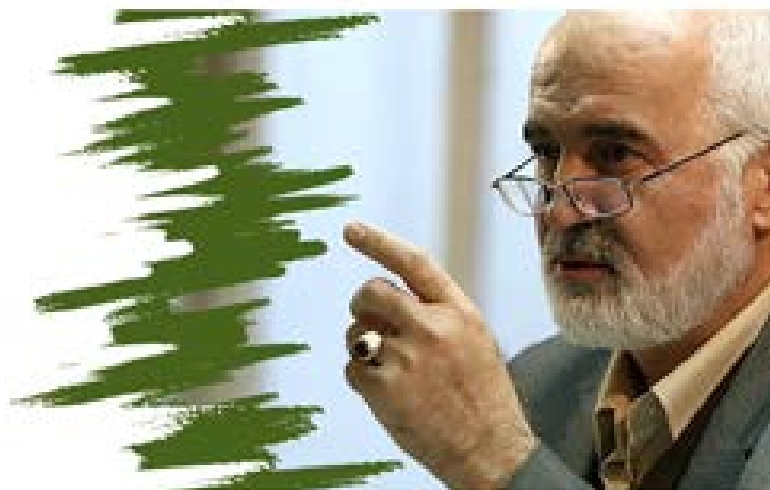
متأسفانه ما امروز با کمبود افراد متخصص و متعهد روبه‌رو هستیم که این موضوع هم به ساختار ضعیف حزبی کشور باز می‌گردد. یعنی اینکه به دنبال تربیت مدیران کارآمد و سالم نبودیم. از طرفی ساختار حکمرانی اقتصادی ما ساختار غلطی است. در این ساختار، افراد شایسته قابلیت انتصاب و در صورت انتصاب، ماندگاری ندارند؛ یعنی اگر افراد شایسته‌ای هم وارد پست‌های کلیدی در کشور شوند، پس زده شده و پس از مدتی کناره می‌گیرند یا کنار گذاشته می‌شوند. جالب است که بدانید در این سیستم وقتی یک مدیر یا حتی یک کارمند را می‌خواهید تغییر بدهید، از ده جا صدا در می‌آید و اعتراض می‌شود. حال آنکه در یک جامعه اسلامی شرایط باید کاملاً برعکس باشد؛ به این معنا که سیستم به صورت خودکار مدیر فاسد را پس بزند. در چنین شرایطی مدیران سالم روی کار می‌ماند و تصمیم‌گیری‌ها در بیشتر مواقع بر اساس منافع ملی خواهد بود. البته این گفته‌ها به این معنی نیست که شرط تخصص و صلاحیت علمی و تجربی مدیران خود را نادیده بگیریم. حال چطور می‌توان سیستم اقتصادی را به گونه‌ای تغییر داد که مدیر فاسدی که به دنبال تأمین منافع فردی است، از طرف سیستم پس زده شود؟ چنین اتفاقی شدنی است یا کار از کار گذشته است؟ در یک مرحله‌ای از فساد که به آن سیستماتیک می‌گویند؛ دستگاه‌های مسئول مبارزه با فساد خودشان به درجاتی از فساد آلوده می‌شوند. به همین دلیل برای مبارزه با تعارض منافع که یکی از شاخصه‌های فساد است صرفاً نمی‌توان به دستگاه‌های رسمی متکی بود. چرا که این دستگاه‌ها به یکدیگر متصل بوده و در برخی موارد به صورت شبکه‌ای در حال فساد هستند. به همین دلیل برای رسیدن به چنین شرایطی چندین پیش شرط وجود دارد که آزادی مطبوعات و شفافیت اصلی‌ترین آنهاست. در سیستمی که این دو شرط وجود داشته باشد، نفوذ مدیران مفسد به کرسی‌های مدیریتی سخت و حتی ناممکن می‌شود. رسانه‌ها باید بر عملکرد مسئولان نظارت داشته و تذکر دهند، البته این نظارت مستلزم

رئیس هیات مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت:

آزادی را به مطبوعات بازگردانید فساد برچیده می‌شود

برخی از صندلی‌های مدیریتی از سال‌ها قبل رزرو می‌شود

حذف مدیران سالم در دستگاه‌های فاسد



«در یک مرحله‌ای از فساد که به آن سیستماتیک می‌گویند؛ دستگاه‌های مسئول مبارزه با فساد خودشان به درجاتی از فساد آلوده می‌شوند.» این بخشی از گفته‌های احمد توکلی رئیس هیات مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت است که معتقد است برای مبارزه با تعارض منافع و فساد باید به دنبال انتخاب مدیران سالم و متخصص و البته آزادی مطبوعات بود. او که معتقد است در برخی از بخش‌ها شاهد قانونی شدن فساد هستیم، ادامه داد: دلیلش هم این است، مفسدین به مجاری تدوین قانون، دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر نفوذ کرده‌اند. او در این باره اینگونه توضیح می‌دهد: اما متأسفانه در برخی موارد شاهد هستیم که قوانین کشور به جای اینکه منافع عموم مردم را تأمین کند، در راستای منافع گروهی خاص است. این همان منشأ فساد است که توصیه‌های دینی هم ما را از آن بر حذر کرده است. توکلی این را هم گفت که به دلیل ساختار غلط حکمرانی اقتصادی، افراد شایسته قابلیت انتصاب را ندارند، یا در صورت انتصاب هم ماندگاری ندارند و بعد از مدتی پس زده می‌شوند. این در حالی است که در یک جامعه اسلامی کاملاً باید عکس این رفتار را شاهد باشیم. او همچنین با انتقاد از تعارض منافع در اقتصاد ایران، گفت: برخی از صندلی‌های مدیریتی از سال‌ها قبل رزرو می‌شود. این نشان می‌دهد که فلان مسئول یا نماینده مجلس در طول دوره خدمت خود به دنبال تأمین منافع بخش خاصی از جامعه بوده که پاداش آن را سال‌ها بعد یا حتی در همان دوران دریافت می‌کرده است. متن کامل گفتگوی ما با احمد توکلی رئیس هیات مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت را درباره تعارض منافع و گسترده شدن فساد را در ادامه می‌خوانید:

این است که خود نیز شفاف باشند.

اما بسیاری از کارشناسان بر این باورند که ناکارآمدی قوانین شرایط برای چنین فسادهایی باز گذاشته است. این ادعا تا چه اندازه درست است؟

در بسیاری مواقع شاهد قانونی شدن فساد هستیم. در این حالت مفسدین به مناصب تصمیم گیری نفوذ کرده و قوانین را طوری وضع کرده اند که در راستای منافع عدهای خاص باشد. در واقع برخی از تخلفهایی که از سوی برخی از مدیران صورت می گیرد غیر قانونی نبوده و هیچ نهاد نظارتی نمی تواند با مدیر متخلف برخورد کنند. دلیل اصلی بروز چنین وضعیتی این است قانون در برخی موارد توسط افراد مفسد نوشته می شود. به همین دلیل است که می گویم برای مبارزه با فساد و تعارض منافع باید به دنبال آزادی مطبوعات باشیم.

در دنیا برای مقابله با تعارض منافع چطور رفتار می کنند؟

در بسیاری از کشورها بخش های مختلف در تلاش برای تامین منافع خود هستند و برای به کرسی نشاندن آن به دنبال چانه زنی با گروه های مختلف هستند. دنبال کردن منافع در چنین شرایطی دو مزیت دارد. نخست اینکه در چنین شرایطی دولت ها تلاش می کنند که این منافع به گونه ای سامان دهی شود که کمترین خسارت را به منافع ملی و عموم جامعه وارد شود. مزیت دوم شفافیت است. اما در ایران لابی ها به صورت پنهانی است. بدون شک باید قوانین به گونه ای باشد که حتی اگر مدیر ناسالمی روی کار بیاید، قدرت و اختیار فساد و لابی و تصمیم گیری بر اساس منافع فردی را نداشته باشد. اما مشکل اینجاست که برخی حتی اجازه تصویب چنین قوانین را نمی دهند، چرا که می خواهند همواره شرایط برای آنها به گونه ای باشد که بتوانند در مسیر منافع فردی، حزبی و گروهی عمل کنند. اما واقعاً اگر می خواهیم بساط فساد از کشور برچیده شود، باید هزینه های آن را پرداخت کنیم. اما راه کار دیگر که در غرب جواب داده و گذاری امور به بخش خصوصی است.

چرا تلاش دولت های مختلف در ایران برای واگذاری امور به بخش خصوصی و کاهش تصدی گری دولت موفق نبوده و عملاً نتوانستیم ریشه های فساد را که دولتی بودن اقتصاد به آن دامن زده است را بخشکانیم؟

مشکل ما اجرای نادرست تصمیمات درست است. چند سال پیش بود که در غرب هزینه های دولت ها افزایش یافت. برای حل این مشکل تصمیم گرفته شد که طرح های نیمه تمام و پروژه های نیمه کاره به بخش خصوصی که هم توان مالی و هم تخصص و دانش لازم را دارند سپرده شود. این تصمیم نتیجه خوبی را هم به همراه داشت. ما هم در ایران تصمیم گرفتیم که طرح های نیمه کاره را واگذار کنیم، اما چه واگذاری؟! دولت مدعی بود که این طرح های نیمه کاره موجب اتلاف منابع می شود به همین دلیل حتی اگر آنها را مفت هم واگذار کنیم، سود کرده ایم. چنین تفکری باعث شد تصمیم گیری در مورد واگذاری ها در یک تیم ۷ نفره در یک شرایط فاجعه باری صورت گیرد. این تیم

شامل وزیر با بالاترین مقام سازمان، معاونش (به انتخاب خودش) و یک نفر هم از بخش خصوصی و یک نفر هم از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و سه نفر هم نماینده دولت (دادگستری، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه) یعنی در واقع یک نفرند چون وقتی وزیر دستور دهد معاونش سرپیچی نمی کند. آن کسی را که از بخش خصوصی انتخاب می کنند به وزیر رای می دهد. کسی هم که از اتاق بازرگانی می آید چون بحث تقویت بخش خصوصی است حتماً به وزیر رای می دهد. یعنی در واقع یک نفر تصمیم می گیرد که چه چیزی بفروشند، چه وقت بفروشند، با چه قراردادی بفروشند، به چه قیمتی بفروشند؟ چقدر به خریدار مورد نظر کمک کنند؟ اگر لازم باشد در بودجه برایش اعتبار بگذارند. خریدار چقدر وام می خواهد؟ کدام بانک موظف است به آنها وام بدهد؟

همچنین در ماده نه این دستورالعمل آمده بود که بخش خصوصی خریدار پروژه ها می توانند از مشوق ها و امتیازاتی همچون یارانه سود، و جوه تکمیلی، کمک غیر نقدی، تعهد دولت مبنی بر خرید محصول، مجوز ایجاد کاربری های چندگانه، مجوز ایجاد تاسیسات جانبی اقتصادی و حمایت های صادراتی بهره مند شوند. یعنی سرمایه گذاری که باید آورده نقدی بیآورند می توانند از دولت پول و منابع هم بگیرند. این همان فاجعه ای است که در روند واگذاری بنگاه ها و طرح ها دولتی شاهد آن هستیم. این همان فساد قانونی است. البته اگر وزیر سالم باشد، اجازه بروز فساد را نمی دهد اما امن از روزی که وزیر اهل زد و بند باشد.

این تعارض منافع در بسیاری از بخش ها مشاهده می شود. با توجه به اقتصاد نفتی ایران، آیا مثال هایی برای تعارض منافع در این صنعت وجود دارد؟

متأسفانه باید گفت که منشأ بسیاری از مفاسد و ظلم هایی که امروز در کشور وجود دارد تعارض منافع است، زیرا برخی انتصابات بر اساس سلاقی شخصی، فامیلی و قومی است. این انتصاب های فامیلی در صنعت نفت خیلی بسیار دیده می شود. کافی است که نگاهی به هلدینگ های بزرگ در این بخش بیندازید تا متوجه حجم بالای انتصاب های فامیلی شوید. این انتصابات بدون توجه به صلاحیت و توانایی فرد بزرگترین مصداق تعارض منافع است. جدای از این بسیاری از شغل و صندلی های مدیریتی از مدت ها قبل برای فلان مدیر و نماینده مجلس رزرو شده است. این در حالی است که در بیشتر کشورهای توسعه یافته مدیران دولت مدت ها بعد از شغل خود اجازه فعالیت را ندارند. به عنوان مثال در آمریکا مدیران فدرال رزرو نمی توانند تا پنج سال هیچ سهمی را بخرند.

اما مصداق دیگر تعارض منافع را می توان در صنعت پتروشیمی جستجو کرد. این صنعت سال هاست که مواد اولیه را با خوراک ارزان، کارگران ارزان و معافیت های کامل مالیاتی تولید کرده و به کشورهای دیگر صادر می کند و طبیعتاً سود هنگفتی هم کسب می کند. در چنین صنعت سودآوری سالها معافیت مالیاتی هم اعمال می شد. این حمایت ها در شرایطی از صنایع بالادستی صورت می گیرد که صنایع پایین دستی این صنعت مجبور هستند بدون هیچ گونه حمایتی به فعالیت خود ادامه بدهند.

حسن فروزان فرد، رئیس کمیسیون قضایی و مبارزه با فساد اتاق تهران

دولتهای رگولاتور تشدید تعارض منافع!

برای شناخت جامع قانون تعارض منافع باید دو گام اساسی انجام دهیم: در گام نخست شناسایی دقیق موقعیت ها در تعارضات منافع بین بالادست و پایین دست صنایع و گام دوم نیز شناسایی تک تک موقعیت های تعارض منافع، مدیریت و ایجاد راهکارهای مناسب جهت رفع این پدیده میباشد. به نظر می رسد کلی گویی در تعیین ماهیت تعارض منافع نتیجه ای برای بهبودی آن حاصل نخواهد کرد و حتی شاید باعث پیچیدگی موضوع نیز گردد. لذا باید با خرد کردن موضوعات این پدیده، زمینه را برای اجرای قانون تعارض منافع بیشتر و بیشتر نماییم. به این ترتیب با استفاده از نظرات گروهی از صاحب نظران و مطلعین از حوزه، درباره موقعیت های تعارض منافع و همفکری و هم اندیشی آنها می توان راهکارهایی برای مدیریت تعارض منافع پیدا نمود.

تشکل های بخش خصوصی می توانند برای همفکری در زمینه شناسایی موقعیت های تعارض منافع پیش قدم باشند و برای مدیریت آن نیز پیشگیری و همفکری نمایند تا قابلیت مدیریت آن قسمت هایی که طرفین بازی از قدرت یکسانی برخوردار هستند فراهم شود. مشکل ما از جایی آغاز می شود که قدرت طرفین بازی با هم هماهنگ نیست، یعنی یک طرف دولت یا بخش های مرتبط با دولت است و یک قسمتی نیز بخش خصوصی است. یکی از بزرگترین گرفتاری های اقتصاد ما این است که دولت ها نقش رگولاتور را در بسیاری از موارد به عهده گرفتند، همین باعث تعارض منافع در بخش های مختلفی مثل برق، انرژی و... شده است و دولت ها خود درخواست کننده، خریدار و مصرف کننده سرویس هایی هستند که قیمت های آن را هم خودشان تعیین می کنند. پیچیدگی این موضوع در حالی اتفاق می افتد که شرکت های دولتی و خود دولت که رگولاتور هستند در به وجود آوردن مکانیسم های تعارض منافع نقش موثری را ایفا می کنند. بنابراین جایی که بازیگران و فعالان بخش خصوصی حضور دارند، زمینه مواجهه با موضوع تعارض منافع راه حل های خود را دارد و زمانی که یکی از طرفین بازی دولت است، کار پیچیده میشود و حرکت به سمت مدیریت تعارض منافع دشوار تر و پر پیچ و خم تر خواهد شد. متأسفانه حاکمیت با ابزار قرار دادن شرایط خاص و موقعیت هایی که اقتصاد ایران را همواره تهدید میکند، علیرغم فرصت های قانونی که برای پرداختن به مدیریت موضوع تعارض منافع، مکانیسم های خصوصی سازی، توسعه رقابت و موارد دیگر به صورت قانونی در کشور فراهم شده، آن را با گرفتاری های بین المللی، سیاسی،

اقتصادی به تعویق می اندازند و هرچند به این موضوعات نزدیک میشویم به مشکلات شرایط خاص، ویژه و حساس کنونی اشاره و تاکید می شود و بر این اساس اجازه گفتگو برای بهره برداری از مکانیسم های قانونی موضوع را نمی دهند. در واقع مکانیسم های قانونی که فرصت گفتگو را به ما می دهد تا اندازه ای در قالب قانون اصل ۴۴ و موضوع شورای رقابت و امکان تاسیس رگولاتوری ها در خارج از دولت فراهم است، اما نتوانستیم به صورت واقعی و عملیاتی بهره ببریم که قسمتی از آن به خاطر مقاومت دولت ها جهت جلوگیری از خدشه دار شدن اقتدار خود می باشد. قسمت دیگر هم به علت دستاویز شدن به شرایط خاص و ویژه و محدودیت هایی که با آن مواجه هستند، زمینه را برای نزدیک شدن به این موضوع از بین برده است. تصدی گری دولت ها و قیمت گذاری های دستوری آنها هم شرایط را برای برهم زدن معادلات و شرایطی که زمینه ساز رقابتی شدن اقتصاد را می دهد از بین برده است، لذا در زمینه اجرا و تصویب رگولاتوری هم، تعارض منافع در شرکت های دولتی و بخش خصوصی فعال چند برابر شده است. در واقع مستمسک قرار دادن حفظ منافع عمومی در شرایط بحرانی از همان ابزارهای حداقلی موجود برای مدیریت تعارض منافع، شکل گیری فرصت های رقابتی بهتر را به عقب رانده و یا از دست داده است.

قدرت اجرایی اتاق های بازرگانی در بحث تعارض منافع متأسفانه ناچیز است و نباید از یاد ببریم مجمعی که اتاق بازرگانی در آنها شرکت می کند، یک رای در مقابل رای های دیگر دارد و در عمل صرفاً ارائه دهنده راهکار و پیشنهاد دهنده و توضیح دهنده و بیان موضوعات در این جلسات به عهده اتاق بازرگانی است و ضمانت اجرایی برای ایده ای که به آن رسیده وجود ندارد. در شرایط بحرانی پیشنهادها و راه حل های اتاق بازرگانی کمتر مورد توجه قرار می گیرد و معمولاً دولت ها به اندیشه اتاق بازرگانی که اندیشه متعادل تر و نگاه بلند مدت تری دارد کمتر توجه می کنند و همین امر زمینه بروز تعارض منافع می باشد. اتاق بازرگانی فعالان اقتصادی را که در زمینه تولید و صنعت سرمایه گذاری می کنند را سرپرستی می کند و اندیشه های برگرفته از این افراد را در قالب پیشنهاد ارائه می کند، ولی به دلایل سیاسی و اقتصادی و نگاه های کوتاه مدت یکساله و دوساله، این اندیشه ها به نتیجه مساعدی نمیرسد. از سویی نحوه تفکر بین اتاق بازرگانی و دولتها یکسان نیست، به ویژه آنکه دولت از اهداف بلند مدت بهره مند نیست و اداره سیاسی کشور که شکل آن باید آینده نگر برای تعامل با بخش خصوصی به صورت جدی باشد نیست. لذا دوره های حکومتی کوتاه مدت که در اختیار مجلس شورای اسلامی و دولت است، در کنار فرصت ها و پیچیدگی های سیاسی و اقتصادی ما، زمینه هایی را برای دیدگاه های عوام گرایانه با الزامات کوتاه مدت را فراهم کرده است.

تکین
پترولیوم
آذربایجان
سهامی خاص



تبریز، ولیعصر، خیابان فروغی
پلاک ۱۱
۰۴۱ ۲۲۲۷۳۸۳

تهران، زعفرانیه، بلوار بهزادی
بن بست بهار، پلاک ۶ طبقه ۱
۰۲۱ ۲۲۴۲۲۹۱۲-۱۴

و یک بازار فعال برای آن شکل بگیرد. سایر موارد تفاوتی ندارد. در حال حاضر، نمونه قراردادهایی که برای بازار آتی متانول و نفتا در بورس انرژی ایران راهاندازی شده مشابه سایر بورس‌های جهانی است. در فاز بعدی، معاملات سایر حامل‌های انرژی در رینگ صادراتی را در دستور کار داریم.

«چه کشورهایی می‌توانند مشتری انرژی ایران محسوب شوند؟»

محدودیتی وجود ندارد. هر سرمایه‌گذار داخلی و خارجی و هر کسی که کد سهامداری داشته باشد می‌تواند اخذ موقعیت کند. سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند متناسب با مقررات کشور از طریق شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه به معاملات بورس انرژی ایران وارد شود و سرمایه‌گذارهای ایرانی نیز هرکدام که کد سجام داشته باشند می‌توانند در این بازارها شرکت کنند.

«در زمان‌های گذشته که بحث فروش نفت در بورس بود، چرا چنین

امکانات لجستیکی ایجاد نشده بود؟

این را باید از مدیران وقت صنعت نفت پرسید. در حوزه نفت خام سابقه‌ای تاریخی و سنتی برای فروش متمرکز توسط شرکت ملی نفت ایران وجود دارد. با این وجود با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و تغییراتی که در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی کشور به‌وجود آمد، در بخش‌های گوناگون صنایع پایین‌دستی و بالادستی نفت

«لطفا درباره تاریخچه و اهداف تشکیل بورس انرژی ایران کمی

توضیح دهید.

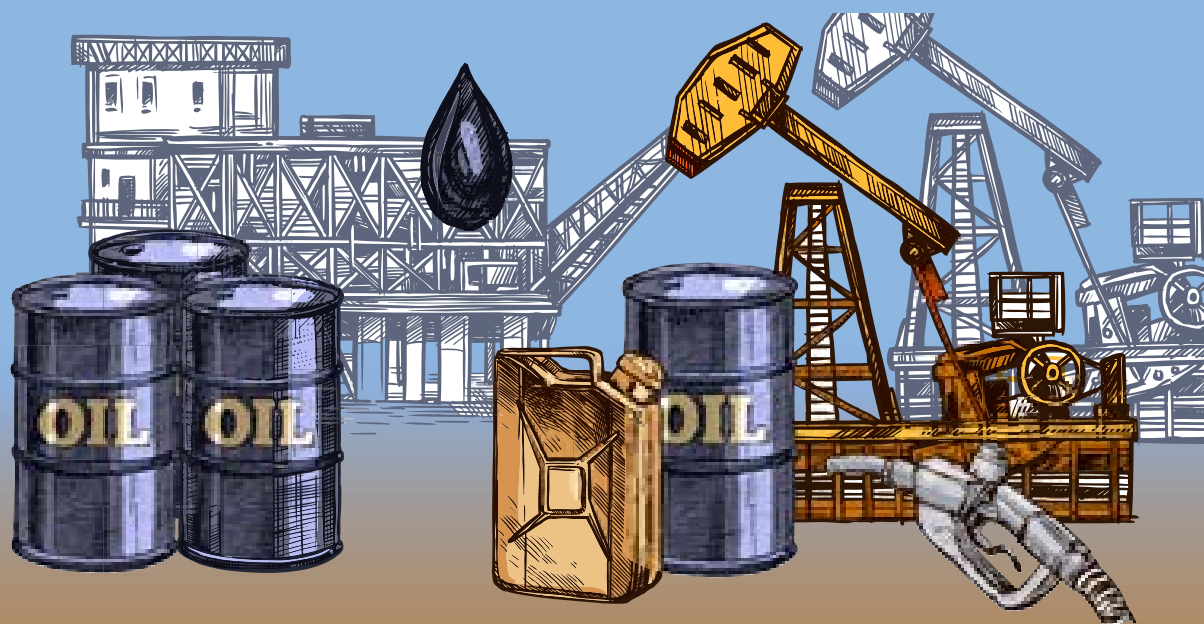
بورس انرژی ایران در سال ۱۳۹۱ تأسیس شد و هدف از ایجاد آن راهاندازی بازار معاملات نفت و گاز، فرآورده‌های نفتی، حامل‌های انرژی، برق و آب بوده است. این بورس از زمان تشکیل پیوسته در حال رشد بوده و می‌توان ادعا کرد که تا امروز در حوزه فرآورده‌های هیدروکربوری عملکرد قابل‌قبولی داشته است. به‌خصوص در سه سال گذشته که به بخش صادرات انرژی کمک شایانی کرد. در اسفندماه سال ۱۴۰۰ بورس انرژی ایران شاهد افتتاح سامانه «معاملات آتی» خود بود. امسال نیز توسعه این ابزار و سایر ابزارهای بازار مشتقه در برنامه ما قرار دارد. همچنین برای امسال برنامه داریم که «گواهی سپرده حامل‌های انرژی» و «گواهی صرفه‌جویی انرژی» را ایجاد کنیم.

«آیا بازار آتی بورس انرژی ایران نمونه‌ای از بازار آتی نیویورک است؟»

قاعداً این بازار نیز نمونه‌ای از بازارهای آتی بین‌المللی و یک ابزار استاندارد در تمام بورس‌های معتبر دنیا است. با این تفاوت که در قراردادهای آتی ایران باید حتماً امکان تحویل محرز باشد، ولی در قراردادهایی که در بورس‌های بین‌المللی دیگر در حال معامله است، تسویه نقدی به‌تنهایی کفایت می‌کند. اینکه در بازار آتی ایران باید حتماً امکان تحویل وجود داشته باشد یکی از تفاوت‌های بنیادین بین بورس ایران و بورس جهانی است. همچنین دارایی پایه معاملات آتی باید قابل معامله در بورس باشد

گفتگوی سردبیر دنیای انرژی با «علی نقوی» رئیس بورس انرژی ایران

رقابت، کشف قیمت و شفافیت در بورس انرژی



حضور بخش دولتی کم‌رنگ‌تر شد. هرچند در حوزه تجارت نفت خام و فراورده‌های نفتی کمتر شاهد حضور بخش‌های خصوصی بوده‌ایم. ما امیدواریم که این بخش نیز به‌زودی توسعه پیدا کند.

« با توجه فراگیری تکنولوژی‌هایی مانند رمزارزها به‌نظر می‌رسد دولت‌ها به‌مرور تصدی‌گری خود را در سطح جهان در حال از دست دادن می‌بینند و بخش خصوصی عملاً به‌سمت بنگاهداری حرکت می‌کند، فکر می‌کنید وضعیت بورسی ما با توجه به این شرایط، شامل دگرگونی‌هایی خواهد شد یا بر اساس همان مبنای دولتی پیش خواهد رفت؟ »

بورس انرژی ایران دولتی نیست و سقف سهامداری آن طبق قانون اوراق بهادار ۲.۵ درصد است. عمده سهام‌داران آن فعالان صنعتی شاغل در صنایع برق و فراورده‌های نفتی و نیز نهادهای مالی شامل کارگزاری‌ها و بانک‌ها هستند. از لحاظ ماهیتی بورس انرژی ایران یک شرکت دولتی نیست، بلکه سهامی عام است و سهم آن در بورس مورد معامله قرار می‌گیرد. از نظر فنی نیز بورس انرژی ایران یک زیرساختی است که در اختیار بخش خصوصی و دولتی قرار می‌گیرد که بتواند سهم خود را در تجارت نفت، گاز، برق و سایر حامل‌های انرژی کشور افزایش دهد. کشور ما پیشتر تجربه سوءاستفاده پدیده‌هایی مثل بایک زنجانی از سازوکارهای میهم مبادلات نفت را از سر گذرانده است. این مبادلات به کمک بورس انرژی ایران می‌تواند شفاف شود. بورس انرژی ایران یک مکانیزم شفاف دارد و بر اساس استانداردهای مشخصی اجازه ورود افراد به معاملات را می‌دهد. این امر به دولت کمک می‌کند که از ظرفیت بخش خصوصی در تجارت انرژی استفاده کند. یعنی صادرکنندگان می‌توانند از مسیر بورس انرژی ایران فراورده یا نفت خام را خریداری کنند و آن را به مشتری‌های خود در تمام جهان عرضه کنند. همچنین بورس زیرساختی را فراهم می‌کند تا بخش خصوصی برای توسعه خود اقدام کند و بتواند دقیق به‌سمت شفافیت و سالم بودن و بدون شبهه بودن را خصوصاً در حوزه تجارت نفت و گاز گام بردارد.

« باتوجه به مکانیزم‌های استاندارد جهانی به‌نظر شما آیا بورس در کشور ما روند مثبت و رو به پیشرفتی را طی می‌کند؟ »

اکوسیستم بازار سرمایه ایران تفاوت معناداری با سایر بازارهای سرمایه دنیا ندارد و عمده فعالیت ما نیز در رینگ بین‌الملل است. به‌دلیل آنکه قیمت‌گذاری و فروش فراورده‌های نفتی در کشور تابع قواعد خاص خود است، شاید همه فروش آن را نتوان در چارچوب بورس انجام داد. با این وجود معاملات نفت می‌تواند با انگیزه افزایش شفافیت از طریق بورس انرژی ایران انجام شود. فروش خوراک به پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها که از وزارت نفت و شرکت‌های تابعه دریافت می‌کنند می‌تواند در یک مکانیزم شفاف در بورس انجام شود. حتی فروش بنزین به جایگاه‌داران نیز می‌تواند در یک چهارچوب در بورس اتفاق بیفتد و مکانیزم شفاف داشته

بخش خصوصی باید اعلام کند که حاضر است به شفافیت برسد، خرید خود را نیز شفاف انجام دهد و شهادت رقابت کردن در بورس را نیز دارد. چنین شرایطی است که باعث می‌شود دولت نیز وادار به شفاف‌سازی شود. اما فعلاً بخش خصوصی درگیر اخذ تخفیف، عرضه انحصاری، مجوز ندادن خوراک به رقبا و گرفتن امتیاز از دولت است

باشد. بورس انرژی ایران می‌تواند این سرویس را در اختیار وزارت نفت قرار دهد.

جا دارد اینجا اضافه کنم که صنایع پایین‌دستی دغدغه‌هایی دارند که به ما در بورس انرژی ایران منتقل می‌کنند. این صنایع مدعی هستند که نرخ و فرمول قیمت‌گذاری وزارت نفت و شرکت‌های تابعه مناسب نیست و با این شرایط، تولید فراورده‌های نفتی برای تولیدکنندگان توجیه اقتصادی ندارد. صنایع پایین‌دستی معتقدند که این شرایط آنها را از رقابت با سایر رقبای جهانی باز می‌دارد. رسیدگی به این امر مستلزم یک همکاری نزدیک میان ذی‌نفعان برای رسیدن به چارچوب‌های بهتر و مشخص‌تر است. به‌نظر می‌رسد که بازار آتی در بورس انرژی ایران یکی از ظرفیتهایی است که می‌تواند این موضوع را مدیریت ریسک کند. سازوکار بورس انرژی ایران می‌تواند فرمول‌های قیمت‌گذاری را که در حال حاضر تابع قیمت‌های بورس‌های خارج از کشور است اصلاح کند. البته مکانیسم‌های دیگری نیز وجود دارند تا هم حق صنایع پایین‌دستی حفظ شود و هم منافع دولت و اقتصاد عمومی تضییع نشود.

« سهم بورس انرژی در توجه به عدم شفافیت و تعارض منافع میان صنایع میان‌دستی و پایین‌دستی نفت و فراورده‌ها و برق چه اندازه می‌تواند باشد؟ »

بورس انرژی ایران به‌لحاظ زیرساخت‌های قانونی و استقلال نهادی خود قطعاً می‌تواند یکی از ظرفیتهایی باشد که شفاف و بدون شبهه امکان تبادل میان صنایع بالادستی، میان‌دستی و پایین‌دستی را فراهم کند. در فضای بورس که رقابت وجود دارد و کشف قیمت اتفاق می‌افتد، صنایع می‌توانند به‌شکلی عادلانه نسبت به خرید خوراک و فروش محصولات خود اقدام کنند. بورس انرژی ایران وامدار هیچ‌یک از صنایع نیست. باید اضافه کنم که قانون‌گذاری و اجرای سیاست‌های تنظیم بازار در يد اختیار بورس نیست، اما صنایع پایین‌دستی و بالادستی اگر به‌جای

یک تشکل یا اتحادیه سپرده شود، باز هم بروز اختلاف گریزناپذیر است. اعضای اتحادیه‌ها نمی‌توانند بین خودشان توافق کنند و تضاد منافع دارند. از همین رو فروش خوراک از بالادستی‌ها به پایین‌دستی‌ها نیز دچار تضاد منافع می‌شود و احتمالاً فروشندگان ترجیح خواهند داد که خوراک را به مصرف‌کنندگان عمده بفروشند تا با مشکلات کمتری مواجه شوند. در نتیجه، مصرف‌کنندگان خرد متضرر می‌شوند. در بورس انرژی ایران این ظرفیت وجود دارد که متناسب با نیازها، ظرفیت‌ها و پروانه‌های بهره‌برداری، یک چارچوب بسیار شفاف و رصدپذیر برای تمامی نهادهای نظارتی ایجاد شود و کل معاملات زنجیره در بورس انجام شود.

« بورس انرژی برای به‌روز شدن منطبق با استاندارد بورس‌های جهان از کدام الگوی برتر بورس بین‌الملل توانسته تبعیت می‌کند؟ مشاهده می‌کنیم در بورس‌های جهانی آزمون و خطاهای متعددی سپری شده و رقابت‌های ناسالم، مدیریت عرضه و عرضه‌های قطره‌چکانی و دامپینگ از بین رفته است.

بورس‌های جهانی سابقه بسیار طولانی دارند و بسیار فعال و قوی هستند. بخش خصوصی نیز نقش پررنگی در اقتصاد آن کشورها دارد. ولی عمر بورس انرژی ایران ۱۰ سال است. در واقع ساختار بازار سرمایه در ایران باید از سال ۱۳۸۴ به بعد مورد بررسی قرار بگیرد. این ساختار بسیار جوان است و قابل‌مقایسه با بازارهای سرمایه جهانی نیست. موضوع بعدی سیاست‌های بخش کلان کشور است که بر توسعه ابزارها برای تجارت نفت و گاز تاکید می‌کند. ما به‌لحاظ مقرراتی در سطح کلان مشکلی نداریم، ولی در سطح اجرا بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم که اختیار آن نیز با خود بورس نیست. برخی می‌گویند که زیرساخت‌های معاملاتی بورس پاسخگوی نیاز ذی‌نفعان نیست و یا منطبق با استانداردهای جهانی نیست. اما آیا همان مکانیسم‌های معاملاتی قدیمی که فعالان صنعت می‌خواهند به آن پایبند باشند مطابق با تکنولوژی‌های روز دنیا هست؟ سامانه‌های معاملاتی مورد استفاده در بازارهای سرمایه‌ای دنیا بیش از ۷ الی ۸ نوع نیست که ما نیز از یکی از همین سامانه‌ها استفاده می‌کنیم. همچنین به‌لحاظ دستورالعمل‌های مقرراتی و معاملاتی سعی کرده‌ایم که با برقراری ارتباط مستمر با ذی‌نفعان مختلف، خود را متناسب با نیازها و مقررات بالادستی به‌روزرسانی کنیم. شفافیت در اقتصاد هزینه دارد. باید همه ما در این اکوسیستم قائل به شفافیت باشیم و آن را مطالبه کنیم و تن به مکانیسم‌های غیرشفاف ندهیم.

برخی تولیدکنندگان از دریافت وجه تضمین توسط بورس گلایه دارند. در این خصوص باید گفت که وجه تضمین در تمام بورس‌های جهانی وجود دارد. همچنین در تمامی بورس‌های دنیا رتبه‌بندی وجود دارد و بر اساس رتبه‌بندی مشتری وجه تضمین متغیر است. در بورس انرژی ایران نیز به این موضوع توجه شده، اما رتبه‌بندی در کشور ما عمر کوتاهی دارد و باید به‌مرور جا بیفتد. فعلاً پیاده‌سازی آن با مذاکره و تعامل با ذی‌نفعان انجام شده است. بورس در ایران از نظر ساختارهای معاملاتی عقب‌تر از سایر بورس‌های دنیا نیست و می‌توان روی توسعه



تاکید روی فرایندهای غیرشفاف و انجام معاملات خود خارج از بورس، به معاملات در بورس توجه کنند، منافع آنها در بلندمدت تضمین می‌شود. متأسفانه شاهدیم که در برخی مواقع خریداران یا تولیدکنندگان به مکانیسم‌های غیرشفاف روی می‌آورند و یا وارد قراردادهای گروه‌های غیررسمی می‌شوند. باتوجه به تجربیاتی که تاکنون کسب کرده‌ایم، این گونه اقدامات به موفقیت ختم نخواهد شد. حتی اگر توزیع خوراک به

بورس انرژی ایران آمادگی دارد هر لحظه که عرضه‌کنندگان و خریداران اراده کنند در کمترین زمان ممکن مکانیسم‌های پذیرش و معاملات آنها را فراهم کند. باتوجه به آنکه اکثر فرآورده‌ها در رینگ بین‌المللی معامله می‌شوند و برخی از فرآورده‌ها نیز در رینگ داخلی مورد معامله قرار می‌گیرند، تجربه میزبانی معاملات در بورس انرژی ایران به اندازه کافی وجود دارد

تکنولوژی سامانه معاملاتی نیز کار کرد و آن را ارتقا ببخشید.

«نظر شما در خصوص عرضه کامل فرآورده‌های نفتی در بورس انرژی چیست؟ آیا وجود یک نهاد تنظیم‌گر در عرضه خوراک در بورس انرژی می‌تواند به مشکلات این صنف پایان دهد؟»

در خصوص عرضه کامل فرآورده‌ها در بورس انرژی ایران نیز باید یادآور شد که برای ورود هر یک از کالاها به بورس باید متناسب با نوع کالا و پیچیدگی‌های آن با ذی‌نفعان وارد مذاکره شد. ما یک عرضه‌کننده بزرگ داریم که شرکت تابعه وزارت نفت است. بنابراین تعداد عرضه‌کنندگان در بورس انرژی ایران محدود است و این محدودیت می‌تواند کنترل و هماهنگی بیشتری را برای آن به ارمغان آورد. پس در حوزه حامل‌های انرژی امکان عرضه کامل فرآورده‌ها در بورس انرژی ایران میسر است و کار پیچیده‌ای هم نیست. بورس انرژی ایران آمادگی دارد هر لحظه که عرضه‌کنندگان و خریداران اراده کنند در کمترین زمان ممکن مکانیسم‌های پذیرش و معاملات آنها را فراهم کند. باتوجه به آنکه اکثر فرآورده‌ها در رینگ بین‌المللی معامله می‌شوند و برخی از فرآورده‌ها نیز در رینگ داخلی مورد معامله قرار می‌گیرند، تجربه میزبانی معاملات در بورس انرژی ایران به اندازه کافی وجود دارد. بورس انرژی ایران همچنین تجربه کنترل‌های بالادستی نسبت به پروانه بهره‌برداری و سقف خرید معامله‌گران را دارد. نمونه بارز آن محصولی مثل متانول است که عرضه آن در بورس انرژی ایران انجام می‌شود و باتوجه به مکانیسم‌های عرضه و نظارت بورس انرژی ایران، تاکنون به‌صورت رسمی شکایتی از سمت پایین‌دست نسبت به بورس مطرح نشده است. □ مکانیزم معاملاتی بورس انرژی ایران آماده است تا ظرفیت گواهی سپرده حامل‌های انرژی را متناسب با حجم مورد تقاضای صنایع پایین‌دستی از بازار به‌خدمت بگیرد تا این صنایع بتوانند به کمک گواهی سپرده برای خود خوراک بخرند و قادر باشند در تأمین خوراک مدیریت ریسک کنند.

«بورس انرژی در مبحث فروش میعانات گازی و فروش مستقیم نفت به چین چه سهمی ایفا کرده است؟»

هرگاه وزارت نفت بخواهد برای فرآورده‌ای عرضه‌های بین‌المللی داشته باشد، بورس انرژی ایران ظرفیت پذیرش و عرضه آن را دارد. در دنیا معاملاتی که بین دو دولت و در چارچوب قراردادهای بزرگ صورت می‌گیرد، هرگز به‌صورت نقدی در بورس انجام نمی‌شود، ولی دولت‌ها از ظرفیت قراردادهای آتی بورس‌ها به‌عنوان شاخصی برای قیمت‌گذاری استفاده می‌کنند. چین بورس نفتی شانگهای را راه انداخته است، چون بزرگترین مصرف‌کننده انرژی دنیا است. این کشور قراردادهای آتی را نیز رونق داده که بتواند بر قیمت‌های جهانی نفت اثرگذار باشد. ایران نیز متناسب با این وضعیت باید به‌مرور به‌سمتی پیش برود که از قراردادهای آتی مورد معامله در بورس انرژی ایران به‌عنوان شاخص قیمتی در مذاکرات خود استفاده کند.

«این گزاره درست است که مراودات بورس انرژی با بخش خصوصی تقریباً به همکاری و فعالیت با بخش خصوصی کشور بوده است و به‌نوعی بخش خصوصی نفعی از این مراودات نمی‌برد و مورد حمایت بورس انرژی نیز قرار نمی‌گیرد؟»

بورس انرژی ایران قرار نیست از کسی حمایت کند. بورس یک زیرساخت برای انجام معاملات است. البته این گزاره صحیح است که در سال‌های گذشته عمده حجم معاملات توسط شرکت‌های دولتی انجام شده است. آنها بیشتر از خصوصی‌ها از ظرفیت بورس استقبال کردند و عرضه‌های خود را در بورس انجام دادند. لازم به ذکر است که ظرفیت و زیرساخت بورس انرژی ایران در اختیار همه است و صرفاً در اختیار بخش دولتی نیست. ولی نباید فراموش کرد که در ایران، عرضه‌کننده بزرگ کشور وزارت نفت است و قاعدتاً سهم بیشتری در عرضه‌ها دارد. با همه این اوصاف، سال گذشته بزرگ‌ترین حجم عرضه و معامله در بورس انرژی ایران توسط شرکت نفت ستاره خلیج فارس که نیمی از سهام آن متعلق به صندوق‌های بازنشستگی است، انجام شد. این شرکت که متعلق به دولت نیست. در خصوص تولیدکنندگان خصوصی کوچک باید عرض کنم که پیش آمده است که گاهی تولیدکنندگان کوچک دچار مشکلاتی در عرضه شدند و ما پیشنهاداتی به آنها دادیم و در مکانیسم‌های معاملاتی بورس انرژی نیز به آنها یاری رساندیم تا فروش آنها در رینگ صادراتی بهتر شود. پس بخش خصوصی نیز از ظرفیت بورس انرژی ایران استفاده کرده است و قطعاً می‌تواند با برقراری ارتباط بیشتر با بورس انرژی ایران، به‌نحو قوی‌تری از این ظرفیت بهره‌برد. خوشبختانه در چند ماه اخیر ارتباطات خوب و مؤثری بین بورس انرژی ایران و اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی برقرار شد. ما نظرات اعضای این اتحادیه را شنیدیم و این نظرات را در اقدامات بعدی خود نیز مد نظر قرار خواهیم داد.

«عرضه خوراک به‌طور قطره‌چکانی باعث رقابت ناسالم می‌شود. در خصوص تأمین خوراک صنایع پایین‌دستی جایگاه بورس چیست؟»

وظیفه بورس انرژی ایران ایجاد بازار شفاف و کارا با امکان رقابت منصفانه است. دولت نیز در دو سال اخیر در قانون بودجه و مقررات مربوط به عوارض صادراتی بر محصولات خام و نیمه‌خام تلاش کرده است که از خام‌فروشی جلوگیری کند. ولی مشکل آن است که امکان نظارت در خارج از بورس پایین است و گزارشی وجود ندارد که چه مقدار از خام‌فروشی‌ها از مسیرهایی غیر از بورس انرژی ایران انجام می‌شود. به‌عبارت دیگر، همه فرایندهای بورس شفاف است و اگر بخشی از خوراک در بورس انرژی ایران و بخشی از آن در خارج از بورس عرضه شود، امکان قضاوت و ارزیابی درباره وضعیت آن محصول وجود نخواهد داشت. همچنین در بستر بورس این امکان وجود دارد که یک تولیدکننده پایین‌دستی بتواند قرارداد بلندمدت با عرضه‌کننده ببندد و خوراک مورد نیازش را



دریافت کند، اگر همه تولیدکنندگان پایین‌دستی تقاضای خود را در بورس قرار دهند، بورس می‌تواند از وزارت نفت درخواست عرضه بیشتر کند. عمده این تقاضاها در قالب قراردادهایی خارج از بورس دنبال می‌شود و توافقی‌ها نامعلوم و غیرشفاف هستند. در عرضه‌های صادراتی بورس انرژی ایران، انواع عرضه‌های با حجم بالا و پایین و نیز عرضه‌های زمینی و دریایی وجود داشته است. در عرضه‌های زمینی کالاهایی نظیر نفت و بنزین با احجام هزار تن و پنج هزار تن داشته‌ایم که مشتری‌ها متناسب با حجم مورد تقاضایشان بتوانند اجازه رقابت پیدا کنند. قیمت کالاها نیز متناسب با بازارهای جهانی بوده است. پس نگرانی‌ها درباره اینکه اگر متقاضیان پایین‌دستی وارد بورس شوند، تامین‌کنندگان خوراک تولیدی خود را خارج از بورس صادر می‌کنند و به آنها ارائه نمی‌دهند بی‌مورد است و شاید بهانه‌ای از طرف بخشی از تولیدکنندگان پایین‌دستی برای فرار از شفافیت باشد.

« برای اینکه تولیدکنندگان مکلف به عرضه کامل خوراک خود در بورس باشند و خام‌فروشی نکنند، بورس انرژی چه راهکاری را می‌تواند ارائه دهد؟ »

در فضای بورس کشف و رقابت اتفاق می‌افتد. حتی خوراک وارداتی می‌تواند در بورس عرضه شود. اگر اصل شفافیت را بپذیریم بسیاری از این مسائل رفع خواهد شد. بورس فقط محیطی برای رقابت نیست، بلکه محل کشف قیمت و شفافیت نیز هست.

« اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی اگر بتوانند شرکتی به‌صورت هلدینگ ایجاد کند، آیا می‌توانند در خصوص خرید خوراک از بورس انرژی امتیازاتی داشته باشند؟ »

مکانیزم بورس مبتنی بر حراج است و نمیتوان برای یک خریدار امتیاز ویژه‌ای قائل شد. ضمن آنکه وقتی همه اعضای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی کدبورسی دارند و همه آنها پروانه بهره‌برداری دارند و اطلاعات در یک سامانه ثبت می‌شود، چرا به‌صورت مجزا خرید نکنند؟ در بورس انرژی ایران سازوکار کف عرضه، سقف عرضه و زیرساخت‌ها وجود دارد و قراردادهای آتی طراحی شده‌اند تا پیش‌بینی‌های خرید متقاضیان را در سررسیدهای مختلف به عرضه‌کنندگان ارائه دهند. این قراردادها می‌توانند منشأ کمک‌های بسیاری به طرف‌های تقاضای خوراک باشند.

« در خصوص خوراک گازی واحدهای پتروشیمی چه نظری دارید؟ »

بورس انرژی ایران مطالعات راه‌اندازی بازار گاز را از سه سال پیش انجام داده و گزارش‌های آن به وزارت نفت و شرکت ملی گاز ایران ارائه شده است. مطالعات گواهی صرفه‌جویی انرژی نیز انجام شده و شرکت ملی گاز ایران مکلف شده است که عرضه گاز طبیعی را در بورس انرژی ایران داشته باشد. این امکان در بورس انرژی ایران فراهم است که عرضه به مصرف‌کنندگان بزرگ

گاز به‌طور شفاف انجام شود. واحدهای پتروشیمی می‌توانند در مقاطع مختلف سال با قیمت‌های مختلف خرید خود را انجام دهند و خریدشان شفاف باشد. اصل شفافیت از جمله مباحثی است که تاکید زیادی بر روی آن در بخش‌های مختلف حاکمیت شده است. شفافیت مزیت است و نباید از اصل شفافیت فرار کرد. گاهی در بخش خصوصی شنیده می‌شود که هر زمان دولت شفاف شد، آنها نیز شفاف خواهند شد. ولی به‌نظر من بخش خصوصی باید اعلام کند که حاضر است به شفافیت برسد، خرید خود را نیز شفاف انجام دهد و شهادت رقابت‌کردن در بورس را نیز دارد. چنین شرایطی است که باعث می‌شود دولت نیز وادار به شفاف‌سازی شود. اما فعلاً بخش خصوصی درگیر اخذ تخفیف، عرضه انحصاری، مجوز ندادن خوراک به رقبا و گرفتن امتیاز از دولت است.

بخش خصوصی واقعی باید خواهان مکانیزم خرید شفاف باشد که در آن مکانیزم شفاف، اطلاعات خریدار موجود است. اتفاقاً همین مکانیزم شفاف در حوزه فرآورده‌ها باعث شد که میزان قاچاق کاهش پیدا کند و آمارها نشان دادند که چون در سازوکار رسمی، عرضه و فروش مناسبی وجود داشت، دلیلی نداشت که در مکانیسم‌های غیرشفاف و غیررسمی هزینه شود. برای نمونه، در دوره‌ای که بازار میعانات گازی به‌خوبی شکل گرفت، تقریباً بسیاری از مشکلات مینی‌ریفاینری‌ها برطرف شد. اما بخشی از خود آنها بعداً باعث شدند بازار دچار مشکل شود.

درسی بزرگ

برای تشکلهای

خصوصی!



امیرعباس امامی
سردبیر

فیلم درام "رستگاری در شائوشنگ" محصول ۱۹۹۴ آمریکا، حاوی نکات جذاب و دیدنی بسیاری است. اما نکته عبرت آموزی برای تشکلهای خصوصی و اتاق های بازرگانی که پارلمان پیگیر و مطالبه گر صنایع خصوصی کشور هستند، دارد. در سکانش از فیلم

"اندی دوفرین" قهرمان فیلم که یک بانکدار متهم به قتل در این زندان است، متصدی کتابخانه قدیمی زندان می شود و با موافقت رئیس زندان مرتباً به کنگره نامه ارسال میکند و درخواست کمک به کتابخانه را دارد. در حالی که همگان رفتاری طعنه آمیز به رفتار وی دارند، اما پس از شش سال نامه نگاری های هفتگی و مداوم، کنگره حجم بزرگی کتاب و مبلغ دویست دلار برای وی می فرستد و در نامه ضمیمه درخواست می کند که دیگر به هیچ نامه ای پاسخ نخواهد داد و وقتی زندانبان به او بابت سخت کوشی تبریک میگوید، دوفرین با لبخند از عزم خود برای مکاتبه دو برابری در هفته و درخواست کمک های بیشتر سخن می گوید.

بخش خصوصی واقعی کشور که به موازات دولتهایی که بدنه

بزرگی از اقتصاد را همیشه تصاحب کرده اند، همواره در تامین منافع ملی، اشتغال زایی، بومی سازی، خلق ثروت و ادای دین کوشا و موفق بوده است و صرف نظر از تحریم های بین المللی که می توانست با حمایت دولت های دو دهه گذشته در جهت بهبود فضای کسب و کار و قوانین متقن و کارگشا، فضای اقتصادی کشور را شاداب و دارای ارزش افزوده نماید، متأسفانه با عملکردهای رقابتی دولتها مواجه شد و خود تحریمی های حاکمیتی نوعی انفعال، مهجوریت و ناامیدی را به تشکلهای خصوصی تزریق نمود. به نظر می رسد یکی از روزنه هایی که بتوان مطالبات بخش خصوصی کشور مورد توجه دولتمردان و حاکمیت قرار گرفته و آنها را پاسخگو نماید، دور تسلسل نامه نگاری، درخواست جلسه، پیگیری های ممتد و ارائه طرح ها و راه حل های عبور از بن بست اقتصادی است که همانند داستان فیلم رستگاری در شائوشنگ می تواند در یک بازه زمانی حال و یا آینده به نتیجه رسیده و حجم هژمونی دولتها را تقلیل دهد. متأسفانه تمامیت خواهی دولتها پایانی نداشته و تشکلهای خصوصی، انجمن ها و اتحادیه ها باید بتوانند با عبور از تضاد منافع بین خود و همگرایی بیشتر، روند پیگیری ها را وسعت داده و با حصول هریک از مطالبات به حق خود، بر شدت و حدت آن پیگیری ها بیفزایند.

یک مقام مسئول در شرکت ملی گاز جزئیات افزایش قیمت تعرفه گاز را تشریح کرد

تعرفه گاز صنایع پر مصرف دو برابر می شود



ادامه کسری گاز در زمستان ۱۴۰۱

نگران قطعی های زمستانه هستیم

به صنایع اعلام کردیم آماده قطع گاز باشند

حداکثر قیمت هر مترمکعب گاز فولادی ها ۲ هزار تومان

سهیلاروزبان
دنیای انرژی

تولید گاز در ایران چند سالی است که به دست انداز خورده است. آنگونه که جواد اوجی، وزیر نفت سال گذشته اعلام کرده بود، ایران با ۲۰۰ میلیون مترمکعب کسری گازی مواجه است. برای درک بزرگی این رقم کافی است که بدانید این میزان کسری معادل یک پنجم تولید گاز کشور است. برخلاف تمامی وعده و وعیدهای دولت درباره افزایش ظرفیت تولید و افزایش سرمایه گذاری در این حوزه ناترازی گاز در زمستان امسال هم ادامه خواهد داشت. این خبر را یکی از مسئولین شرکت ملی گاز ایران هم تایید می کند. آنگونه که از صحبت های سیدجلال نورموسوی، مدیر هماهنگی امور گازرسانی شرکت ملی گاز ایران برمی آید دولت سیزدهم سعی دارد که با اعمال جرایم سختی و مدیریت مصرف در بخش صنایع زمستان امسال را سر کند. به گفته او، جرایم مشترکان پر مصرف به صورت پلکانی تعیین شده است. بر اساس فرمول جدید شرکت ملی گاز صنایعی که در پله آخر مصرفی قرار بگیرند، مجبور هستند معادل ۱۰۰ درصد تعرفه گاز خود را به عنوان جریمه پرداخت کنند. او همچنین می گوید که از ابتدای سال به صنایع اعلام کردیم که آماده قطع گاز باشند و فکری برای ذخیره سوخت های جایگزین نکنند. متن کامل گفتگوی خبرنگار ما با سیدجلال نورموسوی، مدیر هماهنگی امور گازرسانی شرکت ملی گاز ایران را در ادامه می خوانید.

شده است. انتظار ما این است که نیروگاه های جدید با راندمان بالا و تغییر سوخت نیروگاه های با راندمان پایین موجب کاهش مصرف در پیک مصرف شود. ضمن اینکه صنایع با اجرای ماده ۲۶ اصلاح الگوی مصرف موظف به رعایت الگوی مصرف هستند در غیر این صورت جریمه خواهند شد. به همین دلیل پیش بینی می کنیم که مدیریت مصرف در بخش صنعت هم امسال نمود بیشتری داشته باشد.

«پیش بینی می کنید امسال چه مقدار کسری و البته قطعی گاز داشته باشیم؟»

عدد کسری امسال تغییر محسوسی نسبت به سال گذشته نخواهد داشت. اما مساله مهم این است که مدیریت مصرف در زمان ناترازی به گونه ای باشد که در پیک مصرف قطع گاز نداشته باشیم. سال گذشته بیشترین اعمال محدودیت در گاز رسانی مربوط به حوزه سیمان بود. اما به دلیل برنامه ریزی هایی که از قبل انجام شده بود، با تکیه بر سوخت مایع به اندازه ای سیمان تولید شد که هیچ خلل و مشکلی در بازار ایجاد نشد.

«آیا جرایمی که برای مشتریان پر مصرف در نظر گرفته شده به قدری هست که موجب کنترل مصرف شود؟»

اجرای ماده ۲۶ از سال ۹۵ به بعد تعطیل شده بود؛ اما حالا دوباره اجرای آن از سر گرفته شده است. بر اساس این قانون تعرفه گاز مشترکین به صورت پلکانی است. در پله اول ۱۰ درصد، در پله دوم ۲۵ درصد، در پله سوم ۵۰ درصد و در پله چهارم ۱۰۰ درصد به تعرفه گاز هر گروه افزوده خواهد شد.

«حداکثر مقدار گاز بها برای صنایع در امسال چقدر خواهد بود؟»

این رقم برای صنایع مختلف متفاوت است. اما در حال حاضر تعرفه هر مترمکعب گاز در ردیف سایر صنایع حدود ۵۰۰ تومان است. با توجه به توضیحاتی که به آن اشاره کردم حداکثر تعرفه گاز برای واحدی که در این گروه قرار دارد، هزار تومان خواهد شد. حداکثر تعرفه گروه فولادی هم از ۲ هزار تومان به ۴ هزار تومان افزایش می یابد

«در بخش خانگی چطور؟»

قیمت گاز در ایران بسیار ارزان است. باید بپذیریم که قیمت گاز در اروپا مترمکعبی بالای ۲ دلار است و حتی در زمانهایی که بالای ۴ دلار نیز رسید در حالی که قیمت گاز در ایران در بخش خانگی حدود ۷۰ تومان است. امسال تعرفه گاز تا حدودی اصلاح شده و مشترکین پر مصرف بهای بیشتری را پرداخت می کنند با این وجود بازهم قیمت گاز در ایران خیلی ارزان تر از قیمت های جهانی است.

«بازار مصرف و تولید گاز با کسری بزرگی مواجه است. پیش بینی می کنید که این کسری در امسال هم ادامه داشته باشد؟»

ناترازی گازی امسال هم وجود دارد. مقدار آن اتفاقا در فصل های سرد سال هم قابل توجه خواهد بود. البته قراردادهایی را برای حل مشکل قطعی گاز با صنایع امضا کردیم. از ابتدای سال به فعالان صنعتی اعلام کردیم که با ذخیره سازی سوخت مکمل آماده قطعی های گاز باشند. به هر حال اولویت اصلی ما بخش خانگی است اما تمام تلاش خود را می کنیم که با مدیریت بیشتر بخش خانگی، میزان ناترازی را به نفع صنعت به پیش ببریم.

«با این اوصاف در صورت افزایش برودت هوا و کاهش سطح دما؛ قطعی گاز در بخش خانگی هم خیلی دور از انتظار نیست؟»

در سال گذشته ۲۳۲ میلیارد مترمکعب گاز تولید کردیم اما این مقدار تولید کافی نیست، چرا که مقدار مصرف در ایران خیلی بالاتر از استانداردهای جهانی است. با این وجود همواره تمام سعی ما بر این بوده که در بخش خانگی قطعی گاز نداشته باشیم. البته در بخش صنعت هم همانطور که اشاره کردم به دنبال کاهش ناترازی ها هستیم. جالب است که بدانید میزان محدودیت های اعمالی در صنایع همواره کمتر از سقف ابلاغیه بالادستی بوده است.

«یعنی مقدار قطعی گاز هر یک از صنایع به شما ابلاغ شده است؟»

شورای عالی امنیت ملی دستورالعملی را به وزارت نفت ابلاغ کرده که بر اساس آن مکلف به مدیریت سوخت های فسیلی بودیم. آمارهای موجودی نشان می دهد که میزان مصرف در بخش خانگی از ۶۱ میلیارد مترمکعب در سال ۹۹ به ۵۷ میلیارد در سال ۱۴۰۰ رسید. کاهش ۴ میلیارد مترمکعبی در بخش خانگی به صنایع و نیروگاه ها منتقل شد. برخلاف کاهش مصرف در بخش خانگی میزان مصرف در صنایع و نیروگاه ها افزایش هم یافته است.

«بر اساس ابلاغیه شورای عالی امنیت ملی تا چه اندازه باید گاز صنایع تامین می شد؟»

سقف تحویل ما به واحدهای پتروشیمی در این ابلاغیه حدود ۵۰ میلیون مترمکعب در روز، فولادی ها ۱۵ الی ۲۰ میلیون مترمکعب بود. اما مقدارگازی که به این بخش ها تحویل داده شده، خیلی بیشتر از این حرف هاست. جالب است که بدانید در مجموع به صنایع ۷۵ میلیارد مترمکعب گاز تحویل داده شده که نسبت به سال ۹۹ حدود یک میلیارد مترمکعب افزایش را نشان می دهد.

«صنایع تا چه اندازه در کاهش مصرف همراهی می کنند؟»

همانطور که مردم را به صرفه جویی توصیه می کنیم این انتظار را از صنایع هم دارد. ضمن اینکه مزیت های قانونی برای صنایع ایجاد

صادرات نفت در وضعیت خوبی است!

افزایش ۴ فروند یدک کش به ظرفیت پایانه های نفتی
در دوره ای مجبور به ذخیره میعانات گازی در خارک شدیم

مقدار ذخیره نفت ایران روی نفت کش ها در حال افزایش است. برخی منابع خبری مدعی اند که به دلیل افزایش صادرات روسیه به چین، ذخایر نفتی ایران روی آب های بین المللی بیشتر شده و به ۱۰۴ میلیون بشکه رسیده است. اما مدیرعامل پایانه های نفتی این ادعا را قبول نداشته و می گوید که صادرات نفت ایران در وضعیت مناسبی قرار داشته و حجم بالایی از تولیدات ایران به سرعت راهی بازارهای صادراتی می شود. او همچنین در بخش دیگری از سخنان خود از برنامه ریزی برای افزایش ۴.۲ میلیون بشکه ای ظرفیت ذخیره سازی سخن می گوید. متن کامل گفتگوی ما با عباس اسد روز مدیرعامل شرکت پایانه های نفتی را در ادامه می خوانید:

«برخی منابع خبری اعلام کردند که شرکت پایانه های نفتی قصد دارد تعمیر و نگهداری یدک کش های خود را به بخش خصوصی واگذار کند. با توجه به اینکه شرکت پایانه های نفتی یک شرکت حاکمیتی بوده، آیا چنین تصمیمی مغایر با اهداف این شرکت نیست؟»



قرار است که ظرفیت صادرات نفت هم به مقدار قبل از تحریم باز گردد. بر همین تمامی زیرساخت های لازم برای تحقق این وعده را فراهم کردیم؛ به طوری که هم اکنون این آمادگی در شرکت پایانه های نفتی وجود دارد که تمامی نفت های موجود در مخازن نفتی را از پایانه نفتی خارک صادر شود. به عبارت دیگر شرکت نفت هر چقدر اراده کند را می توانیم ما صادر کنیم و مشکلی از این جهت وجود ندارد. هم اکنون ما دو تا اسکله شرقی و غربی داریم. مدیرعامل شرکت نفت دستور داده که به سرعت نیازهای خود را از طریق شرکت های دانش بنیان رفع کنیم. به روز رسانی تجهیزات به ویژه سیستم های اندازه گیری نفت خام باید به جدیدترین تکنولوژی روز تجهیز شوند.

« آیا برای ذخیره سازی نفت های صادراتی محدودیتی وجود ندارد؟ »

از آنجایی که فضای ذخیره سازی مقدار تولید و صادرات را تحت تاثیر قرار می دهد، طبق دستور خجسته مهر مدیرعامل شرکت ملی نفت قرار شده که ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه به ظرفیت ذخیره سازی افزوده شود.

« در حال حاضر ظرفیت ذخیره سازی در پایانه های نفتی چقدر است؟ »

البته میزان افزایش ظرفیت ذخیره سازی به مقدار خروجی نفت بستگی دارد. متناسب با رشد صادرات، به ظرفیت ذخیره سازی افزوده خواهد شد. البته اینطور نیست که یکباره بخواهیم مقدار صادرات را ۳ برابر کنیم. اما طبق برنامه ریزی های صورت گرفته قرار است که ظرفیت ذخیره سازی نفت خام پایانه نفتی خارک ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه افزایش می یابد.

« برخی اخبار منتشر شده حاکی از این است که ذخیره سازی میعانات گازی و نفت روی دریا افزایش یافته است. الان اوضاع چطور است؟ آیا ارزان فروشی نفت روسیه بازارهای صادراتی ایران را تحت شعاع قرار داده است؟ »

شرایط ما در گذشته بسیار سخت بود. حتی در دوره ای مجبور شدیم برای جلوگیری از هر گونه خلل در گازرسانی، میعانات گازی را در مخازن ذخیره سازی خارک، ذخیره کنیم. ذخیره سازی میعانات گازی در مخازن خارک کار پر ریسکی بود که ناچار به انجام آن شدیم. شرایط طوری بود که میعانات گازی را از عسلویه به پایانه های خارک بیاوریم. اما حالا خوشبختانه آن میعانات گازی فروخته شده و تقریباً شرایط خوبی را داریم. فضای ذخیره سازی مازاد صادرات ما هست. طبق آمار اعلامی از سوی اوپک صادرات ما هم افزایش قابل توجهی داشته و مازاد تولید خود را به بازارهای صادراتی ارسال می کنیم. اینکه صادرات نفت ایران به چالش خورده ادعای درستی نبوده و تقریباً متناسب با مازاد تولید صادرات هم داریم. اینطور نیست که نفت ایران به دلیل نبود مشتری روی دریا بلا تکلیف باشند.

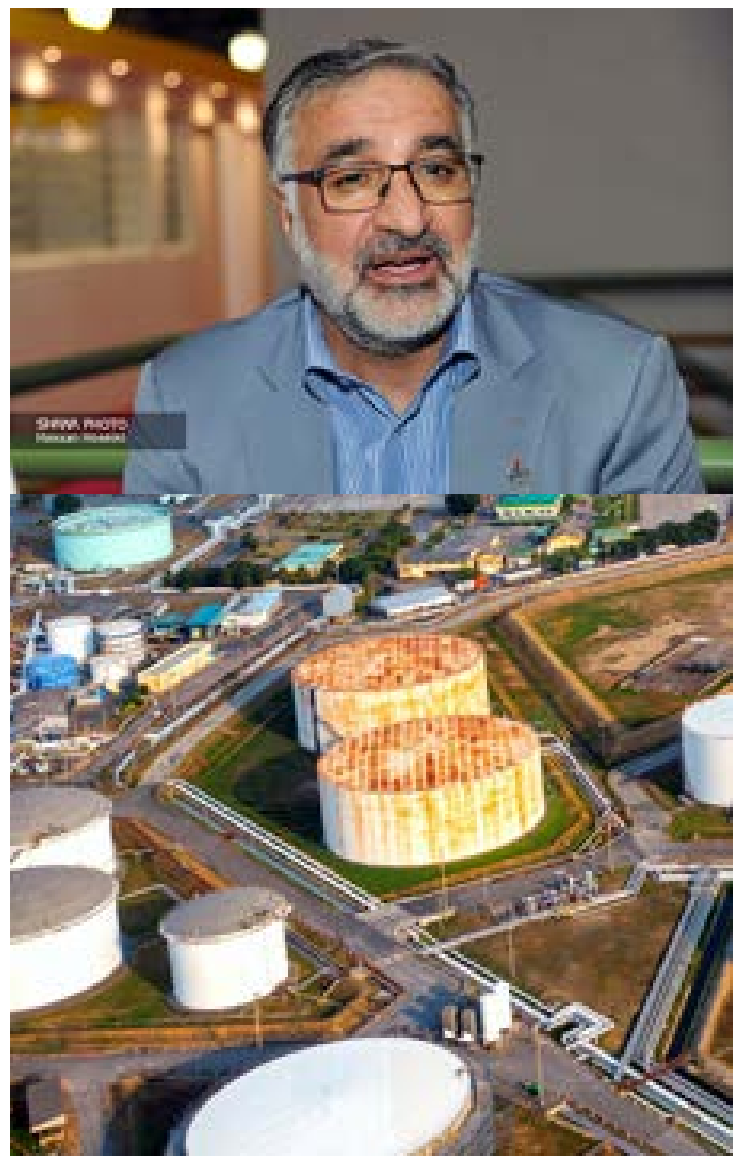
ما برنامه ای برای اجاره دادن یدک کش های خود نداریم؛ حتی با توجه به اینکه ممکن است بخواهیم در آب های آزاد صادراتی داشته باشیم قرار بر افزایش ظرفیت ما در این حوزه است. به طوری که موافقت شده که ۴ فروند یدک کش را به ناوگان افزوده شود تا چابکی ما در آب های آزاد افزایش یابد.

« در حال حاضر چه تعداد یدک کش ملکی و اجاره ای در اختیار شما بوده و چه مبلغی برای اجاره یدک کش ها پرداخت می شود؟ »

ده فروند یدک کش ملکی داریم دو فروند هم اجاره شده است. کرایه یدک کش هم تقریباً روزانه ۵ الی ۸ هزار دلار است.

« بر اساس آنچه وعده شده قرار است که ظرفیت تولید ایران به ۵.۶ میلیون بشکه افزایش یابد. آمادگی و زیرساخت های لازم برای تحقق این هدف تا چه اندازه در شرکت پایانه های نفتی وجود دارد؟ »

شرکت پایانه های نفتی یک شرکت فنی و تخصصی است. مأموریت اصلی این شرکت کمک و پشتیبانی از تولید پایدار نفت و گاز و تکمیل زنجیره ارزش است. بر اساس هدف گذاری صورت گرفته در وزارت نفت



مدیر پژوهش و فناوری
شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی تشریح کرد :

نیازمندی اولویت دار

حوزه پالایشگاهی

کدام است؟



می کنیم. یعنی اگر ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه نفت تولید روزانه را ضربدر ۳ درصد کنید عدد درشتی به دست می آید که این موضوع برای صنعت پالایشی کشور بسیار مهم و جز اولویت هایی است که باید در جهت رفع و کنترل آن تلاش کنیم.

کاظم نژاد به موضوع سوم یعنی ارتقا فرایندهای پالایشی پرداخت و گفت: موضوع دیگر ارتقا فرایندهای پالایشی است. این فرایندها متعلق به حداقل ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته است و اگر حتی یک دهم درصد بتوانیم فرایندهای پالایشی را ارتقا دهیم از این میزان اندک هم می توانیم منافع بسیاری به دست آوریم و هر چه سعی کنیم این درصد را بیشتر کنیم به نفع ماست؛ توضیح دیگر اینکه دنیا هم در حال ارتقا فرایندهای پالایشی است. وی ادامه داد: توجه به پتروپالایشگاه ها یکی دیگر از اولویت های ماست. فعالیت پالایشگاه های ایران عمدتاً بر مبنای تولید سوخت است در حالیکه در پالایشگاه های دنیا علاوه بر سوخت، محصولات دیگری را هم تولید می کنند و بیشتر پتروپالایشگاه هستند. البته در ایران خوشبختانه توجه به سمت احداث پتروپالایشگاه تقویت شده و در میان مسئولین به عنوان یک اصل پذیرفته شده است.

این مدیر پژوهش و فناوری پالایش و پخش به موضوع دیگری در حوزه نیازمندی های پالایش و پخش که توجه بیشتر به مصرف بالای آب در پالایشگاه ها و چگونگی مدیریت آن است اشاره کرد و با تاکید بر این که کشور به سمت خشکسالی می رود و این مدیریت مصرف از ضروریات دانست تاکید کرد که باید با مصرف آب کمتر تولیدات پالایشگاهی را به انجام برسانیم. هوشمند سازی پالایشگاه ها از دیگر اولویت های توسعه پالایشگاهی بود که کاظم نژاد در این زمینه گفت: ما با استفاده از هوش مصنوعی می توانیم ارزش افزوده بیشتری برای پالایش فرآورده

رضا کاظم نژاد مدیر پژوهش و فناوری شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران در خصوص نیازهای صنعت پالایش به چند موضوع اساسی و بنیادین اشاره کرد. وی به اولین نیاز اولویت دار پالایشگاه ها یعنی ارتقا نفت کوره و تبدیل آن به برش های سبک اشاره کرد و گفت: از تولید ۲ میلیون ۴۰۰ هزار نفت خام در حدود ۲۶ تا ۲۷ درصد نفت کوره به دست می آید و یک عدد بسیار بزرگی است و به عنوان یک ماده کم مشتری تلقی می شود و از سوی دیگر گوگرد این فرآورده حدود ۵ درصد نفت خامی است که در پالایشگاه ها استفاده می شود و مضافاً اینکه ترکیباتی وجود دارد که باید اینها در مراحل بعدی حذف و یا به مواد دیگری تبدیل شوند تا قابل استفاده در سوخت شناورهای دریایی باشد و با برای تولید مواد با ارزش افزوده بالاتر مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین یکی از نیازهای اولیه ما ارتقا نفت کوره و تبدیل آن به برش های سبک است که این برش ها بتواند قابلیت استفاده در تولید دیگر فرآورده مانند بنزین، گازوئیل، نفتا و ... داشته باشد.

وی در ادامه به بالا بودن مقیاس مصرف انرژی در پالایشگاه ها پرداخت و گفت: یکی دیگر از نیازهای ما کم کردن مصرف انرژی در پالایشگاه هاست. مقیاس مصرف انرژی در دنیا حدود ۳ درصد است و این بدان معناست که ۳ درصد از نفت خام ورودی به پالایشگاه هابه مصرف انرژی می رسد تا این نفت خام ورودی تبدیل به فرآورده قابل استفاده شود. در حالیکه این رقم در پالایشگاه های ما ۷ درصد است. به عبارتی پالایشگاه های ما با مقیاس مصرف انرژی در دنیا ۱۳۳ درصد فاصله دارند و با توجه به قیمت فعلی نفت خام، عددی که ما بامصرف انرژی از دست می دهیم جدای از موضوعات دیگر مانند آلودگی زیست محیطی و غیره در حدود ۳ میلیارد دلار در سال به دلیل مصرف انرژی هزینه

سال است اما عمر خطوط لوله در کشور ما بالاتر از ۶۰ سال و یا حتی بیشتر است و این باعث می شود ما مرتب تعمیر خط لوله داشته باشیم. ولی اگر به این سامانه ها مجهز باشیم می توانیم پیش از خرابی و آسیب جدی به خطوط و از دست دادن منابع، اقدامات اولیه را انجام دهیم که هم از خط لوله بیشترین راندمان را داشته باشیم و هم منابع مالی کشور کمتر به هدر رود.

کاظم نژاد به هیدروژن مازاد در پالایشگاه ها پرداخت و گفت: هیدروژن یکی دیگر از موضوعات مورد توجه ماست. در ستاره خلیج فارس روزانه بین ۴۵۰ تا ۴۸۰ تن خروجی هیدروژن مصرف نشده داریم که برای آن می توانیم واحدهای پتروشیمیایی ایجاد کنیم و یا با واحدهای پالایشی که مصرف کننده هیدروژن هستند می توانیم این تبادل را انجام دهیم و این موضوع می تواند همکاری جدیدی را رقم بزند. این موضوعات و آیتم های گفته شده به عنوان نیازمندی های اولویت داری است که شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی دنبال می کند و هر کدام از اینها زیرمجموعه ها و زیر گروه هایی دارند که دنیایی از پروژه است و می تواند به همکاری سازنده ای میان پالایش و پخش و بخش خصوصی بیانجامد. البته در کشور خوشبختانه بسیاری از شرکت ها در حوزه تولید کاتالیست پیشرفت های چشمگیری داشته اند. بسیاری از کاتالیست های فرآورده پالایشگاهی در کشور و در خود پالایشگاه ها تولید می شود و قرار است در آینده تجمیعی از تولیدکنندگان کاتالیست را داشته باشیم و به سمت تولید دانش فنی و اصطلاحا لایسنس برویم و به عبارتی قرار است از این به بعد در زمینه تولید لایسنس هم پای شرکت های بین المللی دنیا پیش برویم این مدیر پژوهش در حوزه پالایشگاهی برای جلب مشارکت بیشتر بخش خصوصی در این عرصه و برنامه های پیش رو گفت: برنامه های خوبی برای ساخت باراول مطرح شده است زیرا یک مانع بزرگی بود و با ابلاغ آیین نامه و سال دانش بنیان این برنامه برای شرکت های دانش بنیان فراهم است. نامگذاری سال برای دانش بنیان ها قدم خوبی برای کوتاه کردن مسیر تولید و استفاده از دانش روز و استفاده از نیروهای بومی خواهد بود. برای پروژه ها و نیازهایی که اعلام شد مدارک این پروژه ها موجود است و با اعلام آمادگی برای سرمایه گذاری و هر گونه همکاری می توانیم کار را شروع کنیم و اعلام کردیم اینها سرفصل های مورد نیاز و از ضرورت ها بودند و با امکاناتی که داریم می توانیم اطلاعات بیشتر را در صورت اعلام آمادگی به متقاضیان ارائه دهیم. وی ادامه داد: در حال حاضر پالایشگاه ها خودشان در حوزه رفع مشکلات کار می کنند اما ما در پالایش و پخش در حال تمرکزگرای و در قالب تشکیل کار گروه هستیم و این تمرکز را به دلیل اهمیت سال دانش بنیان ها و با این محوریت کار را پیش بردیم و البته همزمان با این تمرکزگرایی می توانیم همکاری پروژه ها را در صورت جلب مشارکت پیش ببریم. ظرف چند ماه این تمرکزگرایی کامل خواهد شد و همه مجموعه های پالایشگاهی و زیر مجموعه های آن در یک قالب متمرکز می شوند اما در این فاصله هم می توانیم در صورت همکاری به رفع موضوعات و نیازمندی هایی که ذکر شد بپردازیم و کار را شروع کنیم.

به دست آوریم و این مستلزم کار بسیار بزرگی است. به عبارتی تجمیع چند تخصص پیشرفته همزمان با دانش روز در پالایشگاه ها و تجهیز پالایشگاههای کشور به هوش مصنوعی می تواند تولید را به حداکثر برساند و این هوش مصنوعی به ما کمک می کند تا مصرف انرژی آب، تجهیزات، نیروی انسانی و ... را به حداقل برسانیم. کاظم نژاد انبارهای شرکت ملی پخش فراورده های نفتی را از دیگر نیازمندیهای این واحد برشمرد و درباره آن گفت: همانطور که می دانید ما انبارهایی در ۳۸ نقطه کشور داریم که همه اینها کار توزیع فرآورده را به نواحی و از نواحی به شهرها و پمپ بنزین ها انجام می دهند. این انبارها باید به تکنولوژی هوشمند مجهز شوند. با این تکنولوژی می توانیم از هدررفت سوخت در زمان انتقال کم کنیم تا بهینه سازی توزیع فرآورده به صورت واقعی اتفاق بیفتد. وی در ادامه توضیح انبارداری سوخت به نشت مخازن در انبارها که یک از موضوعات مهم و اساسی است پرداخت و گفت: نشت سوخت در انبارها و مخازن، قیمت و عدد درشتی را نشان می دهد و علت اصلی آن هم استهلاک انبارها و مخازن است. علت دیگر آن هم این است که ما اساسا تجهیزات نشت یابی نداریم و اگر انبارها را به تجهیزات نشت یابی مجهز کنیم سود بسیار زیادی را به دست می آوریم. اول از همه اینکه منابع آب های زیرزمین ما آلوده نمی شوند. در حال حاضر در منطقه شمال غرب تهران، انبار کن ما، با چنین پدیده ای مواجه است متأسفانه به دلیل نشت فرآورده منابع زیر زمینی آلوده شده اند و متأسفانه شکایت کشاورزان و مردم آن منطقه را داریم که البته با پروژه ای که تعریف شده در حال کنترل این نشت فرآورده هستیم. کاظم نژاد در این زمینه ادامه داد: متأسفانه با پدیده نشت سوخت در انبارها مواجه ایم و زمانی متوجه می شویم که کار از کار گذشته و مشکل خود را نشان می دهد و با شکایت ها متوجه می شویم و در آن زمان تازه به دنبال حل مشکل می رویم ولی اگر در کل پالایشگاه های کشور که انبارهای سوخت هم دارند و یا انبارهای پخش فرآورده به سیستم هوشمند نشت یابی مجهز شوند می تواند بسیار در جلوگیری از صرف هزینه زیاد کمک کند. ما از نشت فرآورده خسارات بسیاری را متحمل می شویم و اگر این کنترل شود عدد بزرگی را به دست آورده ایم به عبارتی هر چه قدر در این حوزه هوشمند سازی انبارها هزینه کنیم در قیاس با نشت فرآورده ای که قبل از هوشمندسازی از دست می دادیم این عدد سرمایه گذاری در هوشمند سازی بسیار اندک است. مدیر پژوهش و فناوری شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی در ادامه موضوع هوشمند سازی به طراحی پیک هوشمند برای کنترل خطوط لوله نفت، گاز و حتی آب اشاره کرد و اظهار داشت: نیاز دیگر ما طراحی یک پیک هوشمند است. ما در کشور حدود ۸۰ هزار کیلومتر خطوط لوله در حوزه نفت و گاز داریم و اگر آب را هم به آن اضافه کنیم این خطوط لوله گذاری عدد بسیار بزرگی را نشان می دهد که نیازمند نگهداری هستند. شما قطعاً از خرابی لوله، نشتی و فرسوده بودن لوله ها بارها شنیده اید؛ این نشت یابی لوله ها تکنولوژی بالایی دارد و نیازمند طراحی یک سامانه هوشمند است. خطوط لوله از سرمایه های کشور هستند و عمر متوسط خطوط لوله در دنیا ۲۰

پارافین‌سازها گرفتار تعارض منافع با روغن‌سازها کارباز یگران فرعی صنعت پارافین به پایان رسیده؟



مریم‌علیزاده
دنیای انرژی

سازها در بورس کالا است. از سویی پارافین‌سازها ادعا می‌کنند که وزارت صمت، چهار پالایشگاه روغن‌سازی را مکلف به عرضه کامل اسلک وکس در بورس کالا کرده و از سوی دیگر اما آمارها گواه بر این است که این عرضه به صورت قطره چکانی بوده و بیشتر جنبه کنترل قیمتی بازار اسلک وکس را دارد. در این رابطه کوهنورد عنوان کرد: باید توجه داشت که مطابق با دستورالعمل وزارت صمت، پالایشگاه‌ها در خصوص تامین خوراک صنایع پایین دستی موظف شده‌اند از ابتدای اردیبهشت ماه سال جاری کل تولیدات خود را به صورت صددرصدی در بورس عرضه کنند که خام فروشی نشود مگر اینکه پس از عرضه در بورس مازاد عرضه خود را می‌توانند صادرات کنند. از ابتدای ابلاغ این دستورالعمل تاکنون اندکی افزایش عرضه را در بورس از سوی پالایشگاه‌ها شاهد بودیم که البته به صورت ۱۰۰ درصد نبوده است.

وی تاکید کرد: ضمانت اجرایی دستورالعمل فوق بر این مبنا است که اگر کمتر از میزان ۷۰ درصد از محصولاتی که خوراک صنایع پایین دستی می‌باشد (از نظر وزنی) را در بورس عرضه کنند مشمول عدم امکان خرید شده و کد بورسی‌شان مسدود می‌شود. این بدان معناست که اگر پالایشگاه‌ها و یا پتروشیمی‌ها حداقل ۷۰ درصد از محصولات خود را در بورس عرضه نکنند امکان دریافت خوراک را نخواهند داشت. از آنجا که شروع این دستورالعمل از تاریخ اول اردیبهشت ماه سال جاری بوده منتظر هستیم تا ببینیم مطابق با قانون با شرکت‌های متخلف برخورد خواهد شد یا خیر. در این خصوص اما حیدری بازرس انجمن پالایشگاه‌های روغن‌ساز نظر دیگری دارد. وی بیان داشت: وقتی قیمت مصوب شورای رقابت بسیار پایین تر از قیمت تمام شده است، فروش گسترده اسلک وکس در بورس به جز زیان، عایدی برای روغن‌سازها ندارد. از سوی دیگر اگر روغن‌سازها تمام اسلک وکس تولیدی خود را بورس کالا

چندی است عرضه قطره چکانی اسلک وکس در بورس کالا توسط چهار شرکت اصلی روغن‌ساز، سبب اعتراض تولیدکنندگان پارافین شده چراکه با این روش عرضه، همواره شاهد شکل‌گیری سقف رقابت و فروش اسلک به چند برابر قیمت مصوب شورای رقابت در بورس کالا هستیم. این درحالیست که شورای رقابت سال گذشته با پیشنهاد از سوی چهار شرکت روغن‌ساز و پارافین‌ساز نرخ را مصوب نمود که اکنون این شرکت‌ها تمایلی به عرضه اسلک وکس با آن نرخ در بورس کالا را نداشته و به وسیله عرضه قطره چکانی اعتراض خود را نسبت به پایین بودن قیمت نشان می‌دهند. به اذعان کارشناسان این چالش همیشگی خوراک میان روغن‌سازها و پارافینی‌ها یک نمونه بارز تعارض منافع بوده به نحوی که شرکت‌های بالادستی ترجیح می‌دهند اسلک خود را در بازارهای صادراتی به قیمت بالاتری به فروش برسانند درحالی‌که در صنایع پایین دستی، تولیدکنندگان بسیاری وجود دارند که با تکمیل زنجیره ارزش اسلک وکس، از سود آن منتفع شوند. در این رابطه گفتگوهایی با مرتضی کوهنورد، رئیس کمیسیون پارافین، روح‌الله نساجیان عضو هیات مدیره کمیسیون روغن‌سازهای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی، مهران حیدری، بازرس و سخنگوی انجمن پالایشگاه‌های روغن‌سازی و علی فراهانی، مدیر صادرات شرکت نفت ایرانول داشتیم که در ادامه نظر شما را به اهم مطالب آن جلب می‌نماییم.

« عرضه قطره چکانی برای فرار از نرخ مصوب

اولین چالش بحث، عرضه قطره چکانی اسلک وکس از سوی روغن

وقتی قیمت مصوب شورای رقابت بسیار پایین تر از قیمت تمام شده است، فروش گسترده اسلک و کس در بورس به جز زیان، عایدی برای روغن سازها ندارد. از سوی دیگر اگر روغن سازها تمام اسلک و کس تولیدی خود را بورس کالا عرضه کنند سبب افت قیمت تا محدوده تعیین شده شورای رقابت می شود که مورد خواست پالایشگاه های روغنی نیست

پیشنهادی چهار پالایشگاه بوده است. حیدری اما در نقطه مقابل عنوان کرد: اما مشکل اصلی بر سر نرخ است که شورای رقابت برای اسلک و کس عرضه شده در بورس کالا تعیین کرده است. حیدری عنوان کرد که شورای رقابت به اشتباه نرخ را تعیین کرد که این نرخ بسیار عظیمی را برای پارافینی ها به همراه دارد. زمانی که قیمت تمام شده اسلک و کس، ۱.۵ برابر لوبکات است، چطور شورای رقابت ضریب ۰.۷ برای تولید اسلک و کس به لوبکات می دهد؟ و این محل منازعه میان روغنی ها و پارافین سازهاست. وی تاکید کرد: چطور می توان وقتی قیمت تمام شده اسلک و کس ۲۲ هزار تومان در هر کیلوگرم است آن را ۱۰ هزار تومان در بورس عرضه کرد؟ در صورت تداوم عرضه زیر قیمت تمام شده، شرکت های روغن سازی ورشکست می شوند.

حیدری در ادامه گفت: در حال حاضر چهار شرکت پالایشگاهی موظف به تامین خوراک شرکت های پارافینی هستند و این چهار شرکت از نظر مقداری هیچ محدودیتی برای تامین اسلک و کس مورد نیاز پارافین سازها ندارند و مقدار تولید اسلک و کس به حدی است که می توانیم تمام نیاز داخل به این محصول را پوشش دهیم. از سوی دیگر نساجیان در رابطه با نرخ خوراک اسلک و کس اما عنوان کرد: باید توجه داشت که فرمول شورای رقابت بر اساس COST PLASS است یعنی بهای تمام شده بعلاوه هزینه های سربار و عمومی و اداری به اضافه سود. یعنی کلیه هزینه ها بر اساس قیمت های خرید آنها و همچنین ۲۰ درصد سود در فرمول شورای رقابت دیده شده است. حال اما شرکت های روغن ساز از این موضوع ناراحت هستند که اسلک و کس که می توانند با استفاده از مواد اولیه سوبسید دار در بازارهای جهانی به قیمت بالاتر بفروشند، می بایست در بورس کالا به قیمت پایین تری عرضه کنند. ولی باید در نظر داشت که خود این شرکت های روغن ساز که ادعا می کنند شرکت های خصوصی هستند نیز لوبکات مصرفی خود را با تخفیف ۴۰ درصدی نسبت به قیمت های جهانی از پالایشگاه های نفت خام دریافت می

عرضه کنند سبب افت قیمت تا محدوده تعیین شده شورای رقابت می شود که مورد خواست پالایشگاه های روغنی نیست.

همچنین در این رابطه علی فراهانی مدیر صادرات ایرانول اظهار داشت: این شرکت با وجود عدم الزام به عرضه محصولاتی که مشمول قیمت گذاری نمی شوند، اما در بورس کالا عرضه می کند، اما محصولی که دست و پای ایرانول برای عرضه بالای آن بسته است اسلک و کس می باشد که متأسفانه به دلیل قیمت گذاری غیرکارشناسی شورای رقابت ما امکان عرضه بیش از این را نداریم. در خصوص روغن پایه اما این موضوع عرضه قطره چکانی محصول در بورس کالا قابل قبول نیست چرا که در ماه های گذشته تمام گریدهای بیس اویل های این شرکت در بورس کالا با قیمت اعلامی از سوی سازمان رقابت عرضه شده که در این خصوص مازاد عرضه نیز داشتیم یعنی که هر تناژی عرضه شده به میزان قابل توجهی در این روزها با مازاد مواجه هستیم.

اما نساجیان در این مورد نظر دیگری داشت. وی عنوان کرد که مدیریت عرضه و کنترل قیمت مواد اولیه در تعارض با قانون مجازات اخلاص گران اقتصادی است. به گفته نساجیان، ماده یک قانون مجازات اخلاص گران نظام اقتصادی، مدیریت عرضه و کنترل قیمت مواد اولیه را جرم دانسته است. اما مدیریت و کنترل عرضه به منظور افزایش قیمت و حذف شرکت های خصوصی توسط این چهار شرکت، نشان دهنده اقدام تعمدی آنها در جهت بالا بردن قیمت اسلک و کس است که صراحتاً هم به آن اقرار می کنند اما مسئولین حکومتی بنای مبارزه با آن را ندارند.

«نرخه که در ابتدا مورد قبول بود اما دیگر نیست»

اما چالش دیگر میان پالایشگاه های روغنی و پارافین سازها، نرخ خوراک اسلک و کس است. کوهنورد در این خصوص بیان داشت: شورای رقابت نرخ خوراک اسلک و کس را تعیین کرده که می بایست بر طبق آن فرمول، عرضه خوراک توسط پالایشگاه ها انجام شود که به جرات می توان گفت تقریباً هیچ زمانی معاملات این محصول در بورس بر این مبنا انجام نشده است. یعنی با گذشت بیش از یک سال نیم از ابلاغ این دستورالعمل، هنوز هیچ آثاری از اجرایی شدن آن دیده نمی شود. به معنای دیگر، شرکت های پالایشی با عرضه قطره چکانی موجب شکل گیری رقابت در قیمت های بسیار بالاتر از قیمت پایه مصوب شورای رقابت می شوند. در اولین جلسات مشترک میان پالایشی ها و پارافین سازها در خصوص تعیین نرخ اسلک و کس، دو پیشنهاد از سوی اتحادیه مطرح شد و دو پیشنهاد از سوی پالایشگاه های روغنی مطرح شد و سرانجام پیشنهاد دوم اتحادیه که معادل پیشنهاد اول پالایشگاه ها (اولویت پالایشگاه های روغنی) بود یعنی اولویت اول پالایشی ها در خصوص تعیین قیمت اسلک و کس بعنوان فرمول نرخ گذاری شورای رقابت انتخاب شد. به گفته کوهنورد: برای رسیدن به فرمول مذکور، شورای رقابت اطلاعات مالی را از مدیران مالی پالایشگاه ها اتخاذ کرد و به اطلاعاتی که اتحادیه ارائه کرده بود، بسنده نشد. در نتیجه فرمول فعلی شورای رقابت در خصوص تعیین نرخ اسلک و کس همان فرمول

کنند به این هدف که زنجیره ارزش محصولات نفتی تکمیل شود ولی این درحالیست که پالایشگاه های نفت خام نیز می توانند لوپکات خود را به قیمت های بالاتر در بازارهای جهانی به فروش برسانند و یا این لوپکات را به قیمت جهانی به روغن سازها دهند که در آن صورت با قطع این رانت عظیم، سودآوری این چهار شرکت روغن ساز به شدت کاهش خواهد یافت و سود به صورت عادلانه در کل زنجیره تامین تقسیم و صنعت خصوصی واقعی رشد خواهد کرد. پس در نتیجه باید برای ایجاد ارزش افزوده بیشتر، این شرکت ها نیز اسلک و کس را به قیمت مصوب شورای رقابت در اختیار صنایع پایین دستی قرار دهند چراکه وزارت نفت سعی بر این دارد که سود سرشار از استخراج نفت تا پایین ترین زنجیره ارزش این محصول در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد. اما پالایشگاه های روغن سازی تلاش می کنند تا بیشترین منفعت از تخفیف ها را برای خود کنند و دیگر سودی بابت تخفیف به زنجیره پایین دست نرسد. مدیر صادرات ایرانول اما در این رابطه گفت: ما بارها آمادگی خود را اعلام کرده ایم که اگر قیمت گذاری بر مبنای قیمت جهانی باشد حتی با دو یا سه درصد تخفیف، می توانیم عرضه اسلک و کس را افزایش دهیم اما افزایش عرضه در حال حاضر و با قیمت های موجود فقط رانت بسیار بالایی را از سمت شرکت های دولتی با سهامداری مردم و بازنشستگان برای شرکت های خصوصی پایین دستی ایجاد خواهد کرد. در حال حاضر اسلک و کس در بورس کالا تقریباً در همان محدوده قیمت های جهانی معامله می شود اما اگر عرضه افزایش یابد قطعاً قیمت پایین آمده و اختلاف بسیار قابل توجهی با نرخ های جهانی خواهد داشت.

«اما چرا اکنون این فرمول محل اعتراض پالایشگاه های روغن سازی است؟»

کوهنورد در پاسخ به این سوال گفت: باید توجه داشت که اگر پالایشگاه های روغنی تمام محصولات اسلک و کس خود را در بورس عرضه کنند به منفعتی که اکنون به دلیل عرضه قطره چکانی می برند، دست نخواهند یافت از این رو باتوجه به اظهار شرکت های روغنی تا زمانی که فرمول شورای رقابت اصلاح نشود، عرضه قطره چکانی اسلک و کس در بورس از سوی این شرکتها ادامه خواهد یافت. در این حالت باتوجه به عرضه بسیار اندک اسلک در بورس، شاهد رقابت قیمتی زیاد از سمت خریداران هستیم که موجب بالا رفتن نرخ این محصول به چند برابر قیمت پایه شورای رقابت است. از سوی دیگر به دلیل عرضه بسیار پایین اسلک، حجم قابل توجه این محصول در پالایشگاه ها باقی می ماند که زمینه صادرات و رقابت منفی در بازارهای بین المللی نیز فراهم می شود. البته وی اظهار داشت که پالایشگاه ها روغنی مدعی هستند که اگر اسلک و کس را به قیمت مصوب شورای رقابت در بورس عرضه کنند، رانت بسیار زیادی به جیب پارافین سازها سرازیر می شود. اما باید در نظر داشت که لوپکات مورد نیاز پالایشگاه های روغنی چند سالی است که با قیمت مصوب شورای رقابت (نرخ فروش نفت خام در سامانه نیما ضرب در ضریب مرغوبیت) تامین می شود. در نتیجه سالیان سال است که پالایشگاه های روغنی لوپکات خود را با رانت فراوان

دریافت می کنند. حال صحبت پارافین سازها این است که بخشی از سود ناشی از تخفیف خوراک لوپکات باید عاید پارافین سازها هم بشود. کوهنورد تأکید کرد: همچنین یادآوری می شود ورود بخش اندکی از سود ناشی از تخفیف خوراک به سمت پارافین سازها جای دوری نخواهد رفت چراکه این شرکت در ادامه تکمیل زنجیره ارزش بوده و با تولید محصولات پایین دستی، ارزش افزوده بیشتری نصیب کشور می کنند. وی البته بیان داشت که در واقع محصول فرعی شرکت های پالایشگاهی روغنی که در حقیقت دور ریز این شرکتها بوده، با تلاش شرکت های پارافین ساز، به محصولات با ارزش افزوده بالا تبدیل شده که در کنار این منفعت، ایجاد اشتغال و ارزی آوری نیز از دیگر نتایج مثبت فعالیت این صنف است.

«فروش اسلک به قیمت مصوب برای روغنی ها زیان آور است»

کوهنورد با اشاره به سه نکته این ادعا را به چالش کشید. وی گفت: نخست اینکه باتوجه به اظهارات پنج سال پیش شرکت های پالایشی در خصوص زیان ده شدن تولید در این شرکت ها گفت: مسئولین این چهار شرکت پالایشی در جلسه ای که سال ۹۵ در اتحادیه برگزار شد اظهار داشتند که تنها با افزایش قیمت اسلک و کس از ۱۷۰۰ تومان به ۲۱۰۰ تومان (افزایش ۲۳ درصدی نرخ) توانسته اند شرکت های روغنی موتوری را از ورشکستگی خارج کنند این درحالیست که اسلک و کس تنها ۱۵ درصد از حجم تولیدات شرکت های روغنی را تشکیل می دهد. مورد دوم در خصوص سهم از فروش اسلک و کس در سود کل شرکت است. در مورد کوهنورد بیان داشت: باتوجه به اطلاعات مالی ثبت شده در سایت کدال، شرکت نفت پارس در سال ۹۹ که می توان گفت قیمت های اسلک و کس عرضه شده در بورس کمی نزدیک تر به قیمت شورای رقابت بوده، کل حجم معامله شده اسلک در بورس کالا برابر با ۶۱۷ تن به قرار هر کیلو ۱۳۱،۱۱۴ ریال می باشد که کل فروش سالانه شرکت از این محصول حدود ۸۰ میلیارد ریال (این تنها مبلغ فروش اسلک و کس در بورس کالا بوده و شامل فروش خارج از بورس و یا صادرات نمی شود) گزارش شده است. این درحالیست که سود شرکت نفت پارس در سال ۹۹ بالغ بر ۹۲۸۴ میلیارد تومان اعلام شده و جالب توجه است که کل فروش اسلک و کس این شرکت در بورس کالا کمتر از یک درصد از سود سالیانه شرکت می باشد. در نتیجه افزایش یا کاهش قیمت اسلک و کس در بورس کالا تأثیر بسیار ناچیزی بر سودآوری شرکت های پالایشی خواهد داشت و این ادعا که «فروش پایین تر از قیمت های رقابتی در بورس کالا سبب زیان ده شدن شرکت های پالایشی می شود» زیر سوال می رود. نکته سوم، باید دقت داشت که شرکت های پالایشی سالیان سال با قیمتی پایین تر از نرخ که از فرمول شورای رقابت بدست می آید، اسلک و کس خود را در بورس کالا عرضه می کردند و احتمالاً در آن سال ها نیز باید زیان شناسایی می کردند اما چطور تا پیش از این صحبتی از متضرر شدن نکرده اند؟! (گفتنی است اگر نرخ های ده سال قبل تا

قیمت نفت کوره است. نفت کوره یکی از پایین ترین رده های قیمتی را در بین کالاهای صنعت نفت دارد، در صورتی که لوبکات ماده ای غنی است که در طی فرآیند پالایش (جداسازی)، سه ماده ارزشمند روغن پایه، اسلک واکس و اکستراکت را به تولید کننده می دهد.

وی افزود: باید در نظر داشت که ۲۵ درصد از حجم لوبکات ارائه شده با سوبسید به پالایشگاه های روغن ساز صرف تولید انواع روانکار می شود و مابقی آن توسط این چهار شرکت صادر شده و حجم اندکی نیز در بورس عرضه می شود. این در حالی است که منظور از قیمت گذاری دستوری صرفا حمایت از مصرف کننده ایرانی بوده است نه ایجاد یک رانت و اختلاف عظیم قیمتی جهت خام فروشی! نسا جیان همچنین گفت: در سال ۱۴۰۰ این چهار شرکت روغنی حدود ۷ هزار میلیارد تومان سود خالص کسب کرده اند پس چطور می شود که با کاهش قیمت اسلک وکس که تنها ۱۰ درصد تولیدات شرکت های روغنی را تشکیل می دهد، این ۷ هزار میلیارد تومان سود به زیان تبدیل شود؟ در نتیجه می توان گفت که مسئولین این شرکت ها برای توجیه روند عرضه قطره چکانی خوراک، با کلمات و مفاهیم اقتصادی بازی می کنند و بعضی جاها سود کمتر را ضرر معنی می کنند. از سوی دیگر باید در نظر گرفت که تصمیم گیران در شورای رقابت همه از متخصصین امر اقتصاد بوده و هیچ گاه فرمولی را تعیین نمی کنند که سبب زیان برای صنعت بزرگی همچون روغن شود. همانطور که اشاره شد، فرمول تعیین شده از سوی شورای رقابت برای فروش اسلک وکس، هزینه بهای تمام شده بعلاوه هزینه سربار و سود است که با این روش غیرممکن است که شرکت های روغن ساز بتوانند ثابت کنند که فروش آن زیان آور خواهند بود. در سمت مقابل اما فراهانی تصریح کرد: اسلک وکس محصول جانبی پالایشگاه های روغنی بود و قیمت فروش آن تاثیر مستقیم بر هزینه تمام شده محصول روغن موتور خواهد داشت. یعنی اگر اسلک وکس را ارزان بفروشیم قیمت تمام شده روغن موتور برای ایرانول افزایش می یابد زیان شناسایی خواهیم کرد. وی تاکید کرد: در حال حاضر نیز به دلیل تعیین قیمت روغن موتور توسط شورای رقابت که عدد پایینی است شرکت های روغن موتوری زیان خواهند کرد اما به دلیل رسالت اجتماعی خود تولید روغن موتور را ادامه می دهیم. اما تعیین قیمت بسیار پایین برای محصولات جانبی روغن سازها توسط شورای رقابت، ضربه بزرگی بر پیکر نیمه جان این شرکت ها است.

«پارافین سازها، اسلک را ارزان بخرند، صادر می کنند»

یکی دیگر دلایل روغنی ها برای عدم تمایل به عرضه اسلک وکس در بورس کالا به نرخ مصوب، بحث صادرات خام این محصول توسط پارافین سازهاست. پالایشگاه های روغنی ادعا می کنند که اگر تمام اسلک وکس تولیدی خود را در بورس عرضه کنند این مازاد عرضه سبب خواهد شد تا پارافین سازها، اقدام به صادرات اسلک وکس خام خواهند کرد. از سوی دیگر اما کوهنورد اظهار داشت: به یاد داریم زمانی پالایشگاه ها محصولی را برای صادرات به قیمت ۸۰۰ دلار درب کارخانه

شورای رقابت به اشتباه نرخی را تعیین کرد که این نرخ رانت بسیار عظیمی را برای پارافینی ها به همراه دارد. زمانی که قیمت تمام شده اسلک وکس، ۱.۵ برابر لوبکات است، چطور شورای رقابت ضریب ۰.۷ برای تولید اسلک وکس به لوبکات می دهد؟ و این محل منازعه میان روغنی ها و پارافین سازهاست

کنون فروش اسلک وکس در بورس را در فرمول کنونی شورای رقابت جایگزین کنید، قیمت فروش اسلک وکس از نرخ های کنونی پایین تر بوده پس چطور آن زمان عرضه در حجم بالای اسلک وکس در بورس باعث زیان شرکت های پالایشی نمی شد؟. قابل ذکر است که شورای رقابت بدین دلیل وارد عرضه قیمتگذاری اسلک وکس شد که پالایشگاه ها از سال ۹۶ شروع به افزایش شدید نرخ ها کردند که پس از درخواست های مکرر اتحادیه سرانجام شورای رقابت در اواسط سال ۹۹ اقدام به تعیین فرمول نرخ گذاری اسلک وکس در بورس کالا کرد که این قیمت استخراج شده از این فرمول در محدوده قیمت فروش اسلک وکس در بورس کالا بود.

از سوی دیگر نسا جیان با رد این ادعا گفت: این اظهار نظر از اساس درست نیست چرا که پالایشگاه های روغن سازی لوبکات خود را به قیمت جهانی دریافت نمی کنند. در این زمینه باید توجه داشت که لوبکات ماده ای نیست که در بازار جهانی مشابه قابل معامله داشته باشد چراکه اساسا این یک محصول میانی بوده و عرفا در جهان خود پالایشگاه های نفت روغن پایه و اسلک وکس را از لوبکات تهیه می کنند. در نتیجه نمی توان عدد دقیقی برای قیمت لوبکات در بازارهای جهانی بدست آورد. اما این محصول با محصول مشابه یعنی LSWR (low sulfur waxy residue) تقریبا هم قیمت بوده که نرخ LSWR برابر با ۷۰ درصد ارزش روغن پایه می باشد. برای امروز که قیمت روغن پایه برابر با ۱۱۰۰ دلار است قیمت لوبکات برابر با ۷۷۰ دلار خواهد بود که با احتساب دلار نیمایی قیمت هر کیلوگرم لوبکات برابر با ۱۹۲۵۰ تومان می شود و این درحالیست که در این روزها پالایشگاه های روغنی لوبکات را به نرخ ۱۶ هزار تومان به ازای کیلوگرم دریافت می کنند که ریشه این تخفیف نیز در رایزنی های پیشین اتحادیه برای خوراک این پالایشگاه ها دارد و با تلاش اتحادیه، پالایشگاه های روغن ساز از سوبسید خوراک برای تامین روغن موتور کشور برخوردار شده اند. از این رو مطابق با فرمول ارائه شده توسط اتحادیه و تایید شده توسط وزارت نفت از سال ۸۵ تاکنون قیمت لوبکات ۱۵ درصد بیشتر از

به فروش رسانده که با دلار نیمایی ۲۲ هزار تومان در آن روز، قیمت هر کیلو از محصول ۱۷۵۰۰ تومان می باشد که فروش داخلی محصول مورد نظر در بورس در آن زمان بیش از ۲۲ هزار تومان قیمت می خورده است. پس می بینیم که ادعای ارزان فروشی از سمت پالایشگاه های روغنی نیز رد می شود. در نتیجه صحبت پارافین سازها این نیست که محصول را ارزان از پالایشگاه ها خریداری کنند، بحث این است که اسلک وکس را بتوانند به قیمت صادراتی تهیه کنند نه بالاتر از آن.

اما حیدری در خصوص صادرات اسلک وکس توسط پارافین سازها اظهار داشت: پالایشگاه های روغنی تحت سه شرط تمام اسلک وکس تولیدی خود را در بورس کالا عرضه خواهند کرد: نخست اینکه صادرات اسلک خام ممنوع شود. شرط دوم برداشت به موقع شرکت هاست چراکه با برداشت دیر هنگام شرکت های پارافین سازها، هزینه انبارداری نیز بر شرکت های روغن ساز تحمیل می شود. و شرط سوم، پرداخت به موقع شرکت ها ست چراکه بعضا هنوز شاهد دعوای حقوقی در خصوص عدم پرداخت وجه اسلک وکس خریداری شده از سوی شرکت های پارافین ساز هستیم.

نساجیان در پاسخ به ادعای روغن سازها در خصوص عدم تحویل به موقع اسلک از انبار این چهار شرکت و همچنین عدم واریز به موقع وجه اسلک خریداری شده از سوی پارافین سازها گفت: باید این ادعا راستی آزمایی شود چراکه همانطور که می دانید، روش بورس کالا، تسویه قبل از تحویل است و اگر در زمان مقرر هم این وجه واریز نشود، معامله فسخ خواهد شد و جریمه ای هم شامل شرکت خریدار می شود. در صورتی که ما مطلعیم اتفاقا در بازار صادراتی این شرکت ها، برخی شرکت های اماراتی، بدهی های سنگینی به این چهار شرکت های روغن ساز دارند که توان وصول این مبالغ سنگین را ندارند.

«و آخر داستان آیا بازیگران فرعی صنعت پارافین در معرض نابودی هستند؟»

در ادامه حیدری با اشاره به تلاش پالایشگاه های روغن ساز در خصوص تکمیل زنجیره ارزش محصول اسلک وکس عنوان کرد: برخی از روغن سازها مانند نفت بهران اغلب اسلک وکس تولیدی خود را به منظور تکمیل زنجیره ارزش، به محصولات پایین دستی مانند پارافین تبدیل می کنند در نتیجه اسلک وکس مازادی برای عرضه در بورس کالا ندارند. برخی دیگر از تولیدکنندگان روغن موتور مانند نفت ایرانول، سپاهان و نفت پارس نیز در حال راه اندازی واحد سوئیتینگ هستند تا در سال آینده اسلک تولیدی خود را به پارافین تبدیل کنند.

نساجیان اما این موضوع را باعث نابودی فعالان بخش خصوصی صنعت پارافین دانست و با اشاره به ایجاد انحصار از سوی واحدهای روغن ساز گفت: این چهار شرکت روغن ساز کارتلی را تشکیل داده اند که به صورت انحصارطلبانه و تمامیت خواه در تلاش برای حذف کلیه بازیگران دو صنعت روغن و پارافین هستند که البته بارها صراحتا به این موضوع اشاره کرده اند. چراکه این شرکت ها در تلاشند تا با کسب سودهای سرشار از تخفیف بابت خرید لوپکات و فروش محصولات در بازارهای صادراتی، زیرساخت های خود را جهت کسب سهم از بازار تولیدات صنایع پایین دستی تقویت کرده و بدین شکل سایر بازیگران این صنعت را از صحنه خارج کنند، گرچه ۴۰ سال است که درج زده اند و نتوانسته اند حتی فرآیندهای قدیمی خود را بروزرسانی کنند. متأسفانه همه این ها به چالش تعارض منافع باز می گردد که بارها از سوی اتحادیه تلاش شده که به جمع بندی مناسبی در این خصوص برسیم اما نتیجه ای حاصل نشده است.



ناهماهنگی بهای لوبکات و روان کارها، دغدغه اصلی تولیدکنندگان بهبود کارایی بازار لوبکات با جراحی قیمتی

امیرحسام خرازی
مدیر بازاریابی و
فروش شرکت
افزون روان

یا سایر تامین کنندگان را در منطقه صورت پذیرد و یا تحولات نفتی روسیه سبب افزایش قیمت انرژی و به تبع آن موجب روندی صعودی در بهای این فراورده شود. متغیر بعدی که تعیین کننده در قیمت نهایی لوبکات در داخل است؛ میانگین نرخ ارز نیمایی است. در حال حاضر این ارز بالای ۲۶ هزار تومان قیمت خورده و چشم انداز منفی به ادامه مذاکرات برجام و همچنین تصمیم دولت مبنی بر کاهش اختلاف قیمت بین ارز آزاد و نیمایی موجب شده است که پیش بینی ها به سمت افزایش نرخ این ارز باشد. اگر این افزایش رخ دهد حتی با وجود روند کاهشی در قیمت HSFO برآیند این دو اثر افزایشی خواهد بود و بازار داخل شاهد رشد قیمت لوبکات خواهد بود.

«ناسازگاری قیمت ها مشکل اصلی بازار»

عدم تناسب بین قیمت HSFO، لوبکات و روغن پایه از دیگر مسائلی است که می تواند در این بازار مشکل ساز باشد و اشتیاق تولید کننده برای عرضه مناسب را از بین ببرد. انجمن پالایشگاه های روغن سازی ایران مصمم هستند تا از طریق وزارت صنایع، وزارت نفت، سازمان حمایت و انجمن صنفی پالایشگاه ها نحوه فرمولگذاری قیمت لوبکات را تغییر بدهند. زیرا در محاسبه قیمت نهایی لوبکات تنها بهای HSFO به عنوان فرارده نفتی در نظر گرفته می شود. در صورتیکه نرخ معاملاتی در خلیج فارس با در نظر گرفتن دیسکانت بین ۴۰ تا ۵۰ دلاری از نرخ پلتس HSFO انجام می پذیرد. از طرفی نرخ لوبکات به عنوان ماده اصلی در تولید روغن پایه باید هم نواهی با قیمت فروش روغن پایه در بورس کالا نیز داشته باشد. در حال حاضر بهای لوبکات همانطور که اشاره شد از حاصل ضرب نرخ دلاری HSFO و میانگین قیمت ارز نیمایی با درصدی تعدیل مثبت و منفی محاسبه می شود. از طرفی قیمت روغن پایه متأثر از نرخ دلاری روغن پایه صادراتی بر مبنای شاخص ICIS در قیمت ارز نیماست. حال بهای جهانی روغن پایه و HSFO در بسیاری از اوقات از یک روند پیروی نمی کنند. برای مثال اگر عرضه سوخت افزایش پیدا کند قیمت HSFO کاهش پیدا می کند اما ممکن است همزمان به دلیل کاهش عرضه روغن پایه در

لوبکات (Lube Cut)، فرآورده ای نفتی و ماده اولیه اصلی تولید روغن پایه و به نوعی تشکیل دهنده ساختار قیمت تمام شده روغن موتور می باشد که بهای آن بر اساس نرخ نفت کوره (HSFO) در پلتس خلیج فارس و میانگین نرخ ارز نیما محاسبه می گردد. قیمت جهانی این

فرآورده در ماه های اخیر باتوجه به افزایش قیمت نفت خام به دلیل جنگ اوکراین با نوسان های افزایشی مواجه شد. همچنین در داخل نیز تولیدکنندگان معتقدند بهای لوبکات با قیمت روغن پایه که ماده اولیه در تولید روغن موتور بوده تناسب نداشته و همین موضوع سبب ایجاد ناهماهنگی در عرضه این محصولات و گاهی ضرر برای پالایشگاه ها می شود. فعالان این حوزه معتقدند اگر شیوه فرمول گذاری قیمتی لوبکات و روغن پایه را تغییر دهند تا بهای این دو محصول متأثر از بهای یکدیگر باشند، تاثیر مثبتی بر عرضه این فرآورده ها و مدیریت خواهد داشت.

قیمت لوبکات در حاضر وابسته به نرخ جهانی نفت خام و نرخ معاملات شاخص شده در گزارش پلتس خلیج فارس است که به دلیل تحولات اخیر در روسیه و کاهش عرضه در کانالی افزایشی قرار گرفته، همچنین انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پالایش نفت میانگین قیمتی دو هفته یا ماهانه نرخ HSFO را در محاسبه ارزش لوبکات مدنظر قرار می دهد. HSFO از سال ۲۰۲۰ که استفاده از آن برای سوخت در صنعت حمل و نقل دریایی ممنوعیت پیدا کرد به دلیل کاهش تقاضا روندی کاهشی در قیمت را پیش گرفت. سپس از اوایل سال گذشته میلادی به وضعیت عادی برگشت و در نرخ های ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار شروع به نوسان کرد. البته با شروع فصل سرما و افزایش تقاضا برای سوخت و اتفاقات فعلی موجب شد تا بهای آن مجدداً به محدوده قیمتی ۷۰۰ - ۸۰۰ دلار به ازای هر تن برسد. باتوجه به شروع فصل گرما و کاهش تقاضا برای سوخت انتظار شیبی نزولی در بهای HSFO را داریم. البته ممکن است کاهش عرضه از سمت ایران و

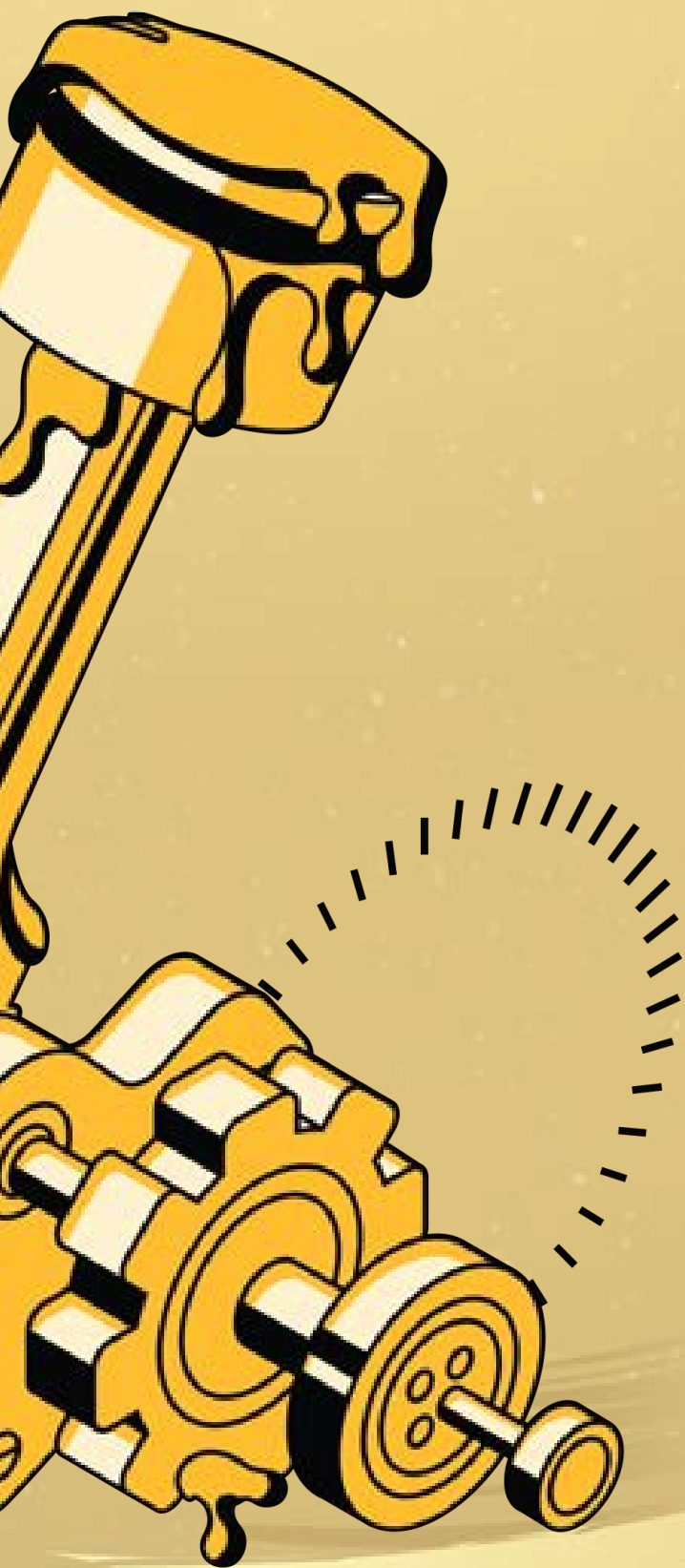
خوراک پالایشگاه روغن ساریست و به تبع آن قیمت تمام شده روغن پایه را تعیین می‌کند تغییر چهاربرابری داشته است. از طرفی قیمت مواد اولیه و افزودنی‌های تولید روغن موتور و روان کارها مثل روغن پایه‌های گروه ۲ و ۳ و سایر افزودنی‌ها بخاطر کمبود عرضه جهانی در شرایط پسا کرونایی، افزایش نرخ دلار در کشور، رشد تورم جهانی،

منطقه این فرآورده نفتی با افزایش نرخ مواجه شود در نتیجه نرخ ریالی عرضه روغن پایه در بورس کالا نیز افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه شرکت‌های دولتی با حاشیه سود بسیار بالایی روغن پایه را می‌فروشند. البته برعکس این موضوع هم اتفاق می‌افتد. در حال حاضر قیمت لوب کات حدوداً ۱۷ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم می‌باشد که رقم بسیار بالایی است و نرخ به دلیل افزایش نرخ دلار و همین‌طور قیمت بالای HSFO حاصل شده است. از طرفی بهای روغن پایه حدوداً ۲۵ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم است. یعنی حدوداً ۳۰ الی ۴۰ درصد افزایش نرخ نسبت به لوبکات وجود دارد و در این شرایط عرضه روغن پایه با این قیمت برای پالایشگاه‌های روغن‌ساز مطلوب نیست. در واقع ارزش‌گذاری مناسب زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت روغن پایه با فاصله منطقی‌ای از نرخ لوبکات و هم طراز با نرخ دلاری باشد. حال آنکه اگر اصلاح فرمول قیمت‌گذاری را در این حوزه داشته باشیم مطمئناً موجب افزایش عرضه از سمت تولیدکنندگان می‌شود.

«اثر قیمت لوبکات در بازار روغن پایه»

در حال حاضر چهار پالایشگاه روغن ساز کشور مجوز بیست و پنج درصد افزایش قیمت گرفته‌اند. اما همچنان عرضه در بازار روغن موتور اندازه نیاز بازار نبوده است، زیرا ۲۵ درصد افزایش قیمتی نیز برای پالایشگاه‌ها به منظور تولید روغن موتور به صرفه نیست. خب اگر بخواهیم مقایسه هم بکنیم بهای لوبکات از قیمت حدودی چهارهزار تومان به ازای هر کیلوگرم در سالیان قبل به حدود هفده هزار تومان رسیده است که این به معنای افزایش چهار الی پنج برابری بهای تمام شده روغن پایه است. اما قیمت روغن موتور در طی این مدت هنوز این میزان افزایش را جذب نکرده و مجوزهای افزایش قیمت سازمان حمایت تکافوی افزایش هزینه‌ها را نمی‌دهد. این موضوع بدین معنی است که لوبکات که فرآورده تولید داخل می‌باشد و

به جای تصویب افزایش قیمت روغن موتور از سمت سازمان حمایت، اصلاح فرمول قیمتی لوبکات و روغن پایه را در دستور کار قرار داد. اگر فرمول قیمت این دو کالا اصلاح بشود، روغن موتور به عنوان محصولی استراتژیک که ساخت داخل است می‌تواند با سوبسید دولتی بر روی لوبکات، با قیمت رقابتی و معقول عرضه شود تا مصرف‌کننده نیز بخاطر افزایش قیمت دچار مشکل نگردد



با قیمت رقابتی و معقول عرضه شود تا مصرف کننده نیز بخاطر افزایش قیمت دچار مشکل نگردد. در حال حاضر سیاست های دولت در ماه های پیش رو در ارتباط با تعیین قیمت بسیار تاثیر گذار هستند و اصلاح فرمول قیمت لوبکات می تواند به ما کمک کند تا این افزایش قیمت هایی که ناشی از افزایش نرخ HSFO و نوسانات ارز نیما هست را تا حدی مدیریت کنیم و رونقی به بخش خصوصی بدهیم. زیرا وقتی قیمت تمام شده روغن پایه برای بخش خصوصی ارزان تر شود قطعاً موجب رشد در تولید این بخش و رقابت بهتر می گردد.

افزایش قیمت سوخت و به تبع آن افزایش هزینه های حمل و نقل، افزایشی بوده است و در نتیجه تولید کننده داخل نیز این مواد اولیه داخلی و وارداتی را با قیمت بالاتری تهیه می کند.

« بهبود فرمول گذاری قیمتی چاره کار است

در رابطه با پیش بینی قیمت لوبکات و روغن پایه با تمام این اوصاف باید در تابستان شاهد کاهش عرضه روغن موتور و یا چالش های قیمتی باشیم. زیرا بازار تشنه این افزایش قیمت است و بهای روغن پایه عرضه شده در بورس کالا با لوبکاتی که به پالایشگاه عرضه می شود هم خوانی ندارد. به نظر میرسد مسئولین باید تصمیمی در رابطه با فرمول یا اعمال سوبسید قیمت لوبکات، فرمول قیمت روغن پایه و یا افزایش قیمت روغن موتور بگیرند. چرا که این سه مورد باید متناسب بایکدیگر باشند. همچنین می توان به جای تصویب افزایش قیمت روغن موتور از سمت سازمان حمایت، اصلاح فرمول قیمتی لوبکات و روغن پایه را در دستور کار قرار داد. اگر فرمول قیمت این دو کالا اصلاح بشود، روغن موتور به عنوان محصولی استراتژیک که ساخت داخل است می تواند با سوبسید دولتی بر روی لوبکات،



جنگ اوکراین، زمینه جنگ جهانی اقتصادی و هشدارهایی برای ایران

گفت گو با رضا پاک دامن
کارشناس حقوق انرژی و معاملات بین المللی
مؤلف کتابهای حقوق نفت ایران و مدیریت ریسکهای قرارداد



نیست. اگر باور کنیم که اقتصاد در شرایط رکودی شدیدی و بحرانی قرار داشته، که یک عامل اصلی آن درون گرا و انزوای اقتصادی ایران است، برای تحرک بخشیدن به بخش‌های مختلف، نیازمند توسعه روابط تجاری بین المللی هستیم. اینکه از ۲۰۰ کشور جهان، شرکای تجاری اصلی ایران به چهار کشور محدود گردیده، علامت خطر جدی بوده، و نباید به این تعداد و چند کشور همسایه با توان اقتصادی و فنی بسیار پایین مانند ارمنستان، افغانستان و پاکستان دل بست. از جنبه دیگر، کشوری مانند امارات یک کشور واسطه برای واردات و صادرات ایران بوده و این شرایط هزینه‌های تجارت خارجی ایران را بسیار زیاد کرده است. در صورت ارتباط مستقیم با بازارهای هدف، قطعاً منافع اقتصادی ایران افزایش قابل توجهی خواهد یافت. همچنین جهش در واردات در دوره ای اتفاق افتاده که در پیچه‌های کوچک برای دسترسی ایران به درآمدهای نفتی باز شده و این احتمال داده می‌شود با رفع رسمی تحریمها، بجای تقویت بنیان‌های زیرساخت‌ها و واحدهای تولیدی دارای توجیه اقتصادی و ارزش افزوده، سیل واردات کالاهای مصرفی به کشور روانه گردد. با اصلاح "بینش‌ها و روشها"، و ایجاد زمینه‌های لازم، می‌توان جایگاه شایسته ایران در تجارت جهانی را بدست آورده و ضرورت دارد با ترسیم کارشناسی اهداف و برنامه توسعه، مدیریت بسیار دقیق برای هدایت منابع مالی در خدمت برنامه‌های توسعه صورت گیرد.

«آینده این تشنج سیاسی به کجا ختم خواهد شد آیا جنگ فرسایشی خواهد بود؟»

اقدام پوتین بر اساس تحلیل دقیق از افکار عمومی روسیه بوده بطوری که طبق نظرسنجی‌های مستقل، محبوبیت پوتین هم اکنون به بیش از ۷۱ درصد رسیده و نسبت به قبل از جنگ اوکراین، که بر خلاف فضای تبلیغی غرب، این اقدام پوتین به دلیل ریشه‌های تاریخی و فرهنگی روسها در مورد غرب و اکراین بعنوان سرزمینی

«دیدگاه شما در خصوص جنگ روسیه و اوکراین چیست؟ اهداف کلی روسیه از آغاز این جنگ چه می‌تواند باشد؟»

طی دو دهه گذشته در رقابت جهانی، دو قطب آمریکا و چین فاصله خودشان را با دیگر کشورها تثبیت کردند. هدف روسیه از جنگ اوکراین تامین امنیت در مرزهای غربی و مطرح کردن خود بعنوان قدرت جهانی در کنار آمریکا و چین می‌باشد. اما از این سو، هدف اصلی آمریکا، که از قبل این عملیات را پیش بینی می‌کرد، یک جنگ اقتصادی تمام عیار برای تحلیل توان اقتصادی روسیه مانند دوره جنگ سرد ولی با اهرم اقتصادی خواهد بود. با توجه به اینکه آمریکا جنگ اقتصادی علیه روسیه را آغاز کرده ولی طبعاً روسیه با ابزارهای متنوعی که در اختیار دارد مقابله به مثل خواهد کرد که تبعات آن جهانی خواهد بود و برای بسیاری از کشورها از جمله ایران آثار منفی بجای خواهد گذاشت.

در این رابطه مسئولین کشور باید برنامه دقیقی داشته باشند. بنظر من این تقابل آمریکا و روسیه، شرایط را برای ایجاد "جنگ جهانی اقتصادی" بسیار مستعد کرده است.

«تأثیرات این جنگ در خاورمیانه و ایران چه نتایجی را در بر خواهد داشت؟»

جناح بندیهای سیاسی بین کشورهای منطقه افزایش یافته به طور مثال دولت عربستان از آمریکا فاصله گرفته است. همچنین از نظر امنیت غذایی کشورهای منطقه خاورمیانه دچار کمبود و گرانی زیاد محصولات غذایی خواهند شد. و وضعیت بسیار نامطلوب تجارت خارجی برای ایران نیز ایجاد شده و حلقه شرکای تجاری ایران را محدود نموده است. طبق آمار رسمی در سال گذشته بیشترین مبادلات تجاری ایران به ارزش ۸۹ میلیارد دلار با کشورهای چین، امارات، عراق و ترکیه بوده است. این شرایط به هیچ وجه زیبنده کشور بزرگ ایران با ظرفیت‌های بسیار بالای اقتصادی و منابع طبیعی

از ابتدا هم بایدن تصریح کرده بود که اگر در منطقه ناتو وارد نشوید ما دخالتی نخواهیم داشت. از طرف دیگر هم چین و هند دو کشور بزرگ اقتصادی هم مصرف کننده بزرگ انرژی، نیاز به نفت و گاز روسیه دارند و روابط خود را افزایش دادند و هم اکنون نیز چین و روسیه مشتریان بالفعل انرژی روسیه هستند و با تحریم‌های روسیه هم مخالفت کردند و روابط صمیمانه خود را با این کشور تقویت نمودند. از سویی در بازارهای جهانی فروش غیر رسمی نفت همیشه وجود داشته و از منطقه بزرگ روسیه انتقال نفت و فراهم بودن مشتریان در بازارهای جهانی راحت تر است تا با ایران، چرا که فقط ایران یک تنگه هرمز دارد که به راحتی قابل رصد می باشد.

«سهم خرید چین از نفت ما تا چه میزان می باشد؟»

آمار دقیقی ندارم، قطعاً بعد از توافقات اولیه با آمریکا در فروردین ۱۴۰۰ حجم خرید چین هم افزایش پیدا کرد و اینکه پول های خرید چگونه وارد می شود، و وزیر نفت سال گذشته اذعان به فروش تهاثری نفت داشت و من به این موضوع اعتراض کردم که این روش اصلاً به سود کشور نیست و اقتصاد کشور را وابسته می کند و حق انتخابی به خریداران ایرانی نمی دهد که در بازار جهانی به صورت رقابتی بهترین جنس را با قیمت مناسب خرید کنند. از سویی برای دور زدن تحریم، چین نفت ما را می خرد و زیر قیمت واقعی آن را فروخته و درآمد واسطه گری دارد و در بانک های چینی مبالغ آن نگهداری شده و برای برداشت آن نیز اجازه پرداخت نداده و به صورت تهاثر تسویه می گردد.

«لغو قرارداد توتال و حضور قرارگاه خاتم الانبیا در سیستم نفتی کشور آیا دیدگاه مثبتی است؟ آیا واقعاً نمی توان روی توانمندی چین جریاناتی حساب کرد؟»

من در مقالات خودم یک واژه را خیلی تاکید می کنم با این مضمون که: خود باوری است یک مسئله است و خودفریبی مسئله دیگر! شرکت های بین المللی نفتی با این همه سوابق کاری و توانمندی برای انجام پروژه و مدیریت پروژه باعث خواهد شد که پول و سرمایه گذاری وارد کشور شود، اما یک نهاد عمومی هزینه های خود را از محل بودجه عمومی استفاده خواهد کرد و باید بگذریم از عدم توانمندی های فنی و مدیریت پروژه و اسناد و باید توجه داشت که کارایی شرکت های ایرانی نسبت به شرکت های بین المللی بسیار پایین است. شرکت های ایرانی در اشل های کوچک هستند و توان مالی آنچنانی ندارند اما تنها شرکت های بین المللی نفتی در طی پروژه های پنج الی ده ساله با ریسک سرمایه گذاری میلیارد دلاری می توانند سرمایه گذاری کنند، ولی شرکت های ایرانی با ۱۰۰ میلیون دلار هم دچار هیجان می شوند و با توجه به اینکه این منابع را نیز ندارند مسلماً نخواهند توانست پروژه های عظیم نفتی را به راحتی انجام دهند. این همکاری داخلی مطمئناً سودی برای اقتصاد کشور ما نخواهد داشت و باید منابع از خارج وارد کشور شود.

متعلق به روسیه که تجزیه شده مورد حمایت اکثریت روسها واقع شده است. لذا با توجه به موضع گیری های بین المللی، بنظر می رسد تبعات رویاروی روسیه با آمریکا بلند مدت باشد.

اگرچه برخی از کشورهای غربی، روسیه را تحریم کامل کرده اند ولی برخی کشورهای غربی مانند آلمان، در این رابطه شدت عمل نشان نداده اند و دو قدرت بزرگ اقتصادی چین و هند نیز رسماً در کنار روسیه هستند. طبق ارزیابی آنکتاد، ۱.۷ میلیارد نفر از مردم جهان در ۱۰۷ کشور در معرض شدید خسارات غذایی، انرژی و مالی ناشی از جنگ اکراین قرار گرفته اند. لذا با فرض ایجاد گرانی و حتی قحطی ضرورت دارد کشور ایران، ضمن حل سریع مناقشات بین المللی برای رفع تحریمها بمنظور عادی سازی روابط اقتصادی بین المللی، در زمینه ذخیره سازی کالاهای اساسی اقدام عاجل صورت دهد که این امر مستلزم دسترسی فوری به منابع ارزی ایران در خارج و انجام خرید کالاهای اساسی و سرمایه ای است.

«نقش محوری چین در رویارویی روسیه با غرب چه می تواند باشد؟»

چین نیز از قضیه اوکراین و با برگ روسیه برای تقابل با آمریکا استفاده می کند. چین رسماً از روسیه حمایت کرده و قطعاً پشت پرده توافقات بزرگی با پوتین صورت داده است. ترامپ جنگ تجاری با چین را آغاز کرده بود ولی قضیه اوکراین، فشار آمریکا بر چین را کاهش می دهد و حتی زمینه را برای تصرف تایوان فراهم کرده است. طبق ارزیابی محافل غربی، در حال حاضر دو سوم جمعیت جهان، حامی روسیه بوده یا حداقل بی طرف هستند. به عبارتی با فشارهای آمریکا همراهی نمی کنند.

«تحلیل شما از وضعیت کنونی افزایش قیمت نفت و جنگ روسیه و اوکراین چیست؟»

این جنگ حمله ناگهانی نبود بلکه زمینه هایی را مثل همان جنگ قدرت روسیه و چین و روسیه و آمریکا که می خواستند جایگاه جهانی خود را پیدا کنند بوده است. پس از فروپاشی روسیه جایگاه روسیه بسیار کاهش پیدا کرد و پوتین طی دو دهه اخیر سعی کرد از ابزارهای اختیار اقتصادی به ویژه انرژی استفاده کند و برگ برنده روسیه هم اکنون قدرت صنعت انرژی است. در حال حاضر جنگ اوکراین بهانه ای است که حاشیه امنیتی ایجاد شود تا از گسترش ناتو به مرزهای خود جلوگیری کند. لذا از نظر استراتژیکی می تواند یکی از دستاوردهای بزرگ برای رئیس جمهور روسیه باشد.

«با توجه به اینکه طرح جایگزین مناسبی برای گاز خاورمیانه به اروپا در پیش رو نیست و شرایط به گونه ای کاملاً مسدود شده فکر میکنید دیپلماسی بتواند در مواجهه با جنگ جهانی جوابگو باشد؟»
جنگ جهانی که بعید میدانم خودشان را درگیر جنگ رو در رو کنند



جنگ، نفت و تحریم‌های که فعلابی‌اثرند!

فاطمه لطفی
دنیای انرژی

تنش ژئوپلیتیکی حاصل از جنگ اوکراین بر کل اقتصاد جهان تاثیر گذاشته است. از جمله این تاثیرات، تکانی است که بازارهای انرژی به خود دیده‌اند. صحبت از وابستگی دنیا به کمودیتی‌های روسیه، از گاز، زغال‌سنگ، نفت، سنگ آهن، آلومینیوم، پلاتینیوم و روی تا مس، سرب، مواد شیمیایی و کودها گراف گویی نیست. بسیار شرکت‌های بین‌المللی بزرگ نفت و گاز، معدن و تاسیسات هستند که در روسیه سرمایه‌گذاری کرده بودند. برخی کارشناسان اروپایی بر این باورند که حتی اگر همین حالا هم پیمان صلحی بین دو کشور روسیه و اوکراین برقرار شود، خساراتی که این جنگ و تحریم‌های به دنبال آن بر کشورهای ناتو و هم‌پیمانان آنها تحمیل کرده است، باعث خواهد شد که بازگشت به حالت نرمال قبل از جنگ با پیمان صلح به آسانی امکان‌پذیر نباشد. وضعیت صنایع نفت اوکراین اسفبار است و آینده تولید و صادرات نفت روسیه، نامطمئن. اگر روسیه جایگزینی برای بازارهای انرژی خود بیابد، باز هم تردیدها درباره ثبات تولید وجود خواهد داشت. در بازارهای انرژی به ویژه در اروپا و قبل از حمله روسیه به اوکراین تقاضا در حال سبقت‌گیری از عرضه بود. با بهبود وضعیت اقتصاد جهانی بعد از شیوع کرونا انتظار می‌رفت در سال ۲۰۲۲ عدم تعادل بین عرضه و تقاضا تا ۲ درصد رشد داشته باشد. این دو درصد برابر با تقریباً روزانه ۲ میلیون بشکه نفت است که همین رقم معادل با میزان نفتی است که از زمان بهار عربی تاکنون در منطقه خاورمیانه/شمال آفریقا (منا) از چرخه تولید خارج شده است. تحلیلگران حتی قبل از حمله روسیه به اوکراین مطمئن نبودند که تا قبل از سال ۲۰۳۰ شکاف بین عرضه و تقاضای انرژی پر شود. دلایل بسیاری برای فقدان راه‌حل لازم برای پر کردن این شکاف وجود دارد. یکی از این دلایل زمانی است که لازم است تا ظرفیت‌های تولید افزایش

یابد یا انرژی‌های جایگزینی چون تجدیدپذیرها و انرژی هسته‌ای و گاز طبیعی مخصوصاً آل‌ان‌جی تولید شوند. کارشناسان معتقد هستند در سال ۲۰۲۲ دنیا دست‌کم ۵۰ درصد انرژی مورد نیاز خود را از نفت و گاز تامین می‌کند. بخش حمل و نقل به ویژه بر سوخت‌های فسیلی مایع تکیه دارد. ۹۴ درصد نیاز انرژی بخش حمل و نقل مربوط به همین سوخت‌های مایع است. صنایع سنگین، سکونت‌گاه‌ها، ساختمان‌های تجاری و برق دیگر بخش‌هایی هستند که به سوخت مایع وابستگی زیادی دارند. از منظر ژئوگرافیک، کشورهای در حال توسعه بزرگترین محرکان تقاضای نفت در آینده هستند. افزایش جمعیت این کشورها و نیز بزرگتر شدن بخش حمل‌ونقل به همراه کاهش سرمایه‌گذاری‌ها در انرژی‌های تجدیدپذیر به این معنی است که فعلای جایگزین‌های چندانی برای نفت وجود ندارد. از سال ۲۰۲۱، انتظار می‌رود تقاضای نفت روزانه بیش از یک میلیون بشکه از عرضه آن پیشی گیرد. در سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۱ این تقاضا تا دو میلیون بشکه در روز بیشتر شد. اما از سه ماه دوم سال ۲۰۲۲ تحلیلگران به بازیگری اوپک پلاس برای پر کردن این شکاف امیدوار هستند.

«نفت خام»

روسیه سومین تولیدکننده بزرگ نفت دنیا، دومین صادرکننده بزرگ نفت دنیا و دومین تولیدکننده و بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی دنیاست. این کشور تقریباً نزدیک به یک ششم عرضه جهانی نفت و گاز را بر عهده دارد. به ویژه نقش روسیه در تامین نیازهای اروپا مشهود است. بیش از ۲۰ درصد نفت و بیش از ۳۰ درصد گاز اروپا از طریق روسیه تامین می‌شود. آلمان، اتریش، لهستان، فنلاند، اسلواکی و مجارستان ۵۰ تا ۱۰۰ درصد تقاضای نفت و گاز خود را از روسیه وارد می‌کنند. هرچند تحریم‌های غرب علیه روسیه بر میزان صادرات نفت خام این کشور اندکی تاثیر گذاشته است اما به مدد افزایش قیمت جهانی نفت،

انتظار می‌رود تحریم نفت روسیه از سوی اتحادیه اروپا که قرار است در پایان سال به‌طور کامل اجرایی شود، درآمدهای روسیه را کاهش دهد. روسیه و عربستان هر دو عضو اوپک پلاس هستند. و عربستان چندان تمایلی به همراهی با ایالات متحده برای کاهش قیمت نفت ندارد. در نتیجه فعلاً چشم‌انداز قیمت نفت به نفع روسیه است

وابسته هستند. دیزل و بنزین یکی از محصولات نفتی هستند که اروپایی‌ها حدود ۸ درصد نیاز خود را در این زمینه از روسیه تأمین می‌کنند. سوخت و پسماندهای نفتی اغلب در دنیا به عنوان خوراک برای پالایشگاه‌های گالف کاست یا به عنوان سوخت بانکر در کشتی‌رانی تجاری در آسیا مصرف می‌شود. تحلیلگران می‌گویند انتظار ندارند که با افزایش بحران صادرات گاز روسیه، پالایشگران مجبور شوند حتماً این سوخت‌ها را جایگزین گاز کنند. برخی پالایشگاه‌ها، به ویژه در آلمان و مرکز و شرق اروپا، به نفت روسیه وابسته هستند. ظرفیت‌های پالایشی پیش از جنگ هم از میزان تقاضا عقب افتاده بود. افزایش قیمت نفت و نیز تورم احتمالاً باعث خواهد شد تقاضای سوخت در این منطقه کاهش یابد. اگر عرضه نفت از سوی روسیه کاهش یابد اثرات آن بیشتر خواهد شد چون بسیاری از پالایشگاه‌ها به سرعت قادر نخواهند بود نفت روسیه را با نفت دیگر مناطق جایگزین کنند. تحلیلگران انتظار دارند پیش‌بینی ۸۳ میلیون بشکه در روز تقاضای نفتی که قبل از حمله روسیه به اوکراین اعلام کرده بودند تا ۷۹ میلیون بشکه در روز کاهش یابد. با این حال در چند سال آیند تقاضا برای نفت افزایش خواهد یافت. و اگر عرضه نفت و محصولات نفتی از سوی روسیه با مشکل مواجه شود، احتمالاً پالایشگران در تأمین خوراک چالش بزرگی خواهند داشت. پیش از این هم قیمت دیزل در بسیاری از نقاط جهان رو به افزایش بوده است و حمله به اوکراین این روند رو به افزایش قیمت را تشدید کرده است. کشورها خود را آماده اختلال در زمینه عرضه نفت و محصولات نفتی می‌کنند. اتحادیه اروپا اعلام کرده است برنامه‌هایی برای کاهش وابستگی به نفت و گاز روسیه دارد. آلمان در حال ساخت پالایشگاه‌هایی است که بتواند تا پایان سال ۲۰۲۲ واردات نفت از روسیه را به کمترین میزان برساند. بریتانیا و ایالات متحده تحریم‌هایی اعمال کرده‌اند و بازارهای بین‌المللی در پذیرش محموله‌های پالایشی روسیه تردد هستند. تا اوایل ماه مارس، ۷۰ درصد از صادرات دریایی نفت روسیه وضعیت مشخصی نداشت و به دنبال خریدار بود. در بخش اوکراین نیز، این کشور به طور سنتی محل فراوری بیشتر نفت

میزان درآمدهای نفتی روسیه نیز افزایش یافته است. کمیسیون اروپا در تلاش بود تا طرح توقف واردات نفت خام روسیه در ۶ ماه آینده و قطع ورود محصولات نفتی فراوری شده روسیه به اتحادیه اروپا را تا پایان سال ۲۰۲۲ پس از حصول اجماع در میان ۲۷ کشور عضو این اتحادیه به اجرا بگذارد. بدین ترتیب، با لحاظ تخفیف‌هایی در مورد مجارستان و اسلوواکی، وابستگی سایر اعضای اتحادیه اروپا به نفت روسیه تا پایان سال جاری میلادی به صفر خواهد رسید. مطابق اعلام بانک مرکزی روسیه، این کشور طی سال ۲۰۲۱ در مجموع ۱۱۰.۲ میلیارد دلار از محل صادرات نفت خام درآمد داشته است. این در شرایطی است که مقصد نزدیک به ۵۲ درصد نفت خام صادراتی روسیه، کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده‌اند. همچنین مقصد اصلی حدود ۵۱ درصد از صادرات ۶۸.۷ میلیارد دلاری فراورده‌های نفتی روسیه در سال ۲۰۲۱ نیز کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده‌اند که هلند، فرانسه و آلمان در صدر قرار داشته‌اند. بدین ترتیب، اگر طرح کمیسیون اروپا برای به صفر رساندن وابستگی کشورهای عضو اتحادیه به نفت و فراورده‌های نفتی روسیه اجرا شود، بر پایه درآمد ارزی روسیه در سال ۲۰۲۱، ۹۲.۳ میلیارد دلار از آن خواهد کاست. این رقم معادل ۱۹ درصد مجموع صادرات نفتی و غیرنفتی روسیه در سال ۲۰۲۱ است. این رقمی است که اتحادیه اروپا برای هزینه‌کرد آن و تأمین نفت و فراورده‌های مورد نیاز خود به سراغ سایر تأمین کنندگان اصلی نفت این اتحادیه یعنی نروژ، عراق، نیجریه، عربستان سعودی، قزاقستان، لیبی، ایالات متحده، بریتانیا، آذربایجان و الجزایر خواهد رفت. این درحالی است که چندی پیش خبرگزاری رویترز گزارش داد آموس هاکشتاین، مشاور ارشد دولت آمریکا در زمینه امنیت انرژی جهانی در نشست استماع کمیته انرژی مجلس سنای ایالات متحده آمریکا گفت: برآوردها حکایت از آن دارد که درآمد روسیه از محل فروش سوخت‌های فسیلی خود نسبت به پیش از تنش‌های روسیه و اوکراین افزایش یافته است و افزایش قیمت‌های جهانی انرژی تلاش‌های غرب برای محدود کردن فروش این کشور را خنثی می‌کند. هاکشتاین گفت: افزایش تقاضای جهانی نفت از سوی مصرف‌کنندگانی که از شرایط بحرانی ویروس کرونا رهایی می‌یابند بسیار بیشتر و فراتر از سطح انتظار کارشناسان و تحلیلگران است. آژانس بین‌المللی انرژی در ماه مه اعلام کرده بود که درآمدهای نفتی روسیه از ابتدای امسال ۵۰ درصد افزایش یافته و به ماهانه ۲۰ میلیارد دلار رسیده و اتحادیه اروپا بیشترین سهم را از صادرات نفت این کشور داشته است. انتظار می‌رود تحریم نفت روسیه از سوی اتحادیه اروپا که قرار است در پایان سال به‌طور کامل اجرایی شود، درآمدهای روسیه را کاهش دهد. روسیه و عربستان هر دو عضو اوپک پلاس هستند. و عربستان چندان تمایلی به همراهی با ایالات متحده برای کاهش قیمت نفت ندارد. در نتیجه فعلاً چشم‌انداز قیمت نفت به نفع روسیه است.

«محصولات نفتی و پالایشی»

روسیه بزرگترین صادر کننده محصولات نفتی در دنیاست. اروپایی‌ها چه در بخش نفت و چه در بخش محصولات نفتی به واردات به روسیه

پر کردن ذخایر خود برای فصل سرما با مشکل مواجه هستند. بازارهای گاز اروپا هم نه تنها در کوتاه مدت بلکه در بلند مدت هم وضعیت گاوی دارد. تقاضای جهانی گاز به دلیل نقشی که این سوخت به عنوان سوخت پاک‌تر و ارزان‌تر در مقایسه با دیگر منابع هیدروکربنی انرژی دارد، به ویژه در بخش برق رو به گسترش است. شیوع کرونا تقاضا برای گاز طبیعی در اروپا را افزایش داد و در نتیجه ذخایر گاز اروپا به کمترین میزان خود در ۱۰ سال گذشته رسیدند. تقاضا برای ال‌ان‌جی هم در آسیا افزایش یافت و در سال ۲۰۲۲ انتظار می‌رود تقاضای ال‌ان‌جی این منطقه تا ۱۰ درصد رشد کند. در نتیجه کسری عرضه بیشتر و رقابت برای ال‌ان‌جی برای پر کردن این کسری هم بیشتر خواهد شد. از این رو حتی قبل از حمله روسیه به اوکراین انتظار می‌رفت که بازار گاز طبیعی با مشکل مواجه باشد.

با کاهش یکباره عرضه گاز از سوی روسیه، اروپا تحت فشار قرار گرفت تا جایگزینی بیابد اما واردات ال‌ان‌جی بخشی از راه‌حل‌های طولانی‌مدت اروپایی‌هاست. با این حال ظرفیت ترمینال‌ها و تاسیسات گازی‌سازی مجدد اروپایی‌ها محدود است. در بهترین حالت اروپایی‌ها می‌توانند تا سال ۲۰۲۳ ظرفیت‌های خود را در این بخش‌ها افزایش دهند. از سویی با فرض واردات ال‌ان‌جی به اندازه کافی، کشورهای اروپایی مشکل جابجایی این گاز در سراسر اروپا و رساندن آن به مقصد و احتمالاً دیگر کشورها را دارند.

«اثرات جنگ بر مصرف‌کنندگان در کشورهای واردکننده محصولات نفتی»
شرکت مشاوره اکسچنر می‌گوید تاثیری که جنگ بر مصرف‌کنندگان، صنایع نفت و گاز و صنایع مصرف‌کننده انرژی خواهد داشت به چند فاکتور بستگی دارد: طول مدت جنگ، شدت شوک‌های عرضه از سوی روسیه و میزان کاهش واردات نفت و گاز در اروپا، شدت و تمرکز تحریم‌ها علیه روسیه، قیمت انرژی، شدت نابودی زیرساخت‌های نفت و گاز در اوکراین و جاهای دیگر، سیاست‌های دولت‌ها در حمایت از صنایع و مصرف‌کنندگان در طول دوران کمبود و واکنش صنایع انرژی برای جایگزینی نفت و گاز روسیه و ایجاد ظرفیت‌هایی برای منابع سوخت جایگزین شرکت مشاوره اکسچنر سه سناریوی مختلف برای بررسی اثرات جنگ اوکراین بر بخش نفت و گاز در نظر گرفته است. در سناریوی اول کاهش عرضه انرژی در اروپا قابل مدیریت است با این

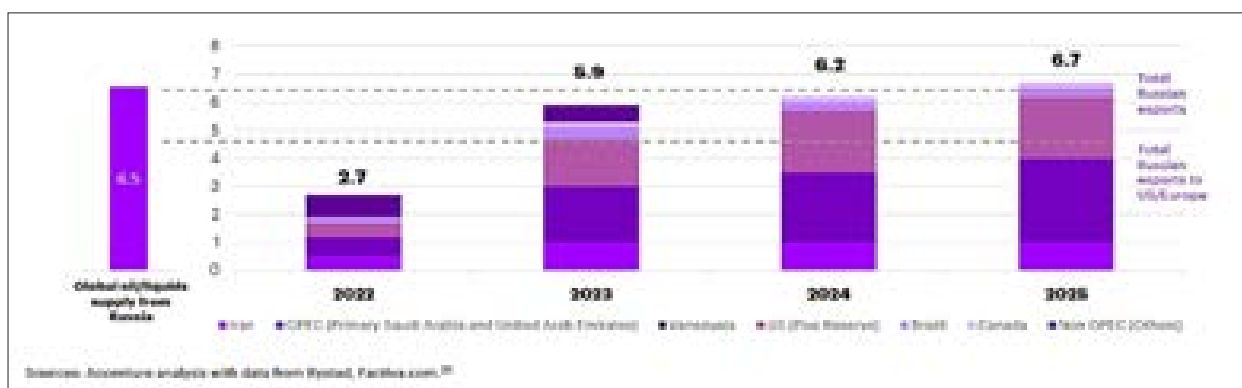
اتحاد جماهیر شوروی بود. با این حال میزان پالایش نفت این کشور از سال ۲۰۱۰ به طور قابل توجهی کاهش یافته و در سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ به کمترین میزان خود هم رسیده است. متأسفانه همانند دیگر صنایع، بخش فراوری نفت اوکراین هم بیشتر در منطقه اودسا و ماریوپل قرار داد که از اصلی‌ترین جبهه‌های نبرد در اوکراین هستند، بنابراین تولید فراورده‌های نفتی این مناطق کاملاً متوقف شده است. به باور کارشناسان، خسارتی که به این صنایع وارد شده است بیش از اندازه زیاد است.

«پتروشیمی»

حمله روسیه به اوکراین آسیب‌پذیری بازارهای انرژی و بازارهای وابسته به آن را به خوبی نشان داد. کاهش وابستگی به نفت و گاز روسیه می‌تواند گامی کلیدی برای افزایش امنیت انرژی اروپا باشد. تحلیلگران اثر کوتاه مدت بحران اوکراین بر پتروشیمی را از دو جنبه بررسی می‌کنند: قیمت انرژی و تحریم‌ها. اثر قیمت تحریم‌ها به باور این کارشناسان بر فرم نهایی آنها بستگی دارد. روسیه کمتر از ۱۶ درصد کل بازار پتروشیمی اروپا را در اختیار دارد، اما بر زنجیره پلی‌اتیلن تاثیری بیشتری دارد. از این رو روسیه یک عامل تاثیرگذار مهم در این بازار است اما عاملی حیاتی نیست که نبودش این بازارها را به شدت تحت تاثیر قرار دهد.

«گاز طبیعی و ال‌ان‌جی»

جنگ در اوکراین به ویژه بر بازار گاز اروپا تاثیر منفی گذاشته است. خطوط لوله گاز روسیه حدود ۳۸ درصد گاز مورد نیاز اتحادیه اروپا را تامین می‌کند. تحریم‌هایی که اروپا بر روسیه اعمال کرده تنها به مشکل تامین گاز در زمستان گذشته منجر شد، بلکه از همین حالا این کشورها نسبت به سختی‌هایی که برای تامین گاز در زمستان آینده باید متحمل شوند هشدار می‌دهند. قیمت این سوخت فسیلی افزایش یافت. برخی صنایع مجبور شدند تعطیل کنند. تورم افزایش یافت. و کارشناسان بر این باورند که بحران انرژی در اروپا به بدتر شدن رکود اقتصاد جهان کمک کرد. بازیگران بازار ال‌ان‌جی برای تامین ذخایر زمستانی خود باهم وارد رقابت تنگاتنگی شده‌اند. بر اساس گزارشی که پلاتس منتشر کرده بود افزایش قیمت ال‌ان‌جی به افزایش هزینه‌های ذخیره‌سازی ال‌ان‌جی منجر شده است. پلاتس می‌گوید که مصرف‌کنندگان نهایی برای



سویی این کشور می‌تواند روزانه ۰.۲ میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک خود را هم آزاد کند، کشورهای عضو اوپک می‌توانند تا اکتبر ۲۰۲۲ ماهانه ۰.۴ میلیون بشکه بر تولید نفت خود اضافه کنند و تا سال ۲۰۲۵ این میزان را به روزانه ۳ میلیون بشکه نفت برسانند. انتظار نمی‌رود ونزولا بتواند در این میزان افزایش تولید نفت دخالت کند چون در حال حاضر این کشور با بیشترین میزان ظرفیت خود در حال تولید نفت است، ایران می‌تواند تا سال ۲۰۲۳ روزانه یک میلیون بشکه نفت بیشتر تولید کند و جایگزین خوبی برای عرضه نفت روسیه باشد اما این مشارکت در تولید نفت در این کشور منوط به حل پرونده هسته‌ای ایران است و دیگر کشورهای عضو اوپک هم می‌توانند تا سال ۲۰۲۵ حدود نیم میلیون بشکه در روز نفت بیشتری تولید کنند.

اما به هر حال روسیه در کوتاه مدت جایگزین‌هایی برای خریداران نفت خود می‌یابد. از جمله این جایگزین‌ها می‌توان از چین و هند نام برد. خرید نفت روسیه توسط شرکت‌های هندی با تخفیف‌های بسیار زیاد، به شدت در حال افزایش است. از سویی بودجه کل کشور روسیه بر اساس نفت برنت به قیمت ۴۲ دلار در هر بشکه تنظیم شده است ولی این روزها نفت به قیمت بالاتر از ۱۰۰ دلار هم معامله می‌شود. و در نتیجه تخفیف‌های نفتی روسیه جبران می‌شوند.

اخیرا هندی‌ها با کمک روس‌ها در حال بررسی ساخت نفتکش‌های مناسب برای حمل نفت در مسیرهای قطب شمال هستند که عمق روابط اقتصادی و استراتژیک این دو کشور را نشان می‌دهد. مجله ورلد اوایل در گزارشی از اثر تحریم‌ها بر صنایع نفت و گاز روسیه می‌پرسد که بسیاری از شرکت‌های کشورهای که تحریم‌هایی را علیه روسیه برقرار کرده‌اند به عنوان پیمان کاران دست دوم شرکت‌های نفتی روسیه چون روس نفت و لوک‌اویل مشغول به کار بودند. آیا خروج این پیمانکاران دست دوم از روسیه تاثیری در ظرفیت تولید نفت این کشور خواهد داشت؟ این مجله در ادامه پاسخ می‌دهد که احتمالا در کوتاه مدت تاثیری مشاهده نخواهد شد. ورلد اوایل می‌نویسد که این تحریم‌ها تقریبا از سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ بر صنایع نفت و گاز روسیه تحمیل شده‌اند و تاکنون که تاثیر چندانی بر این صنایع نداشتند. اگر روسیه به طور دائم بدون همکاری این شرکت‌ها به تولید نفت ادامه بدهد، اثرات این تحریم‌ها شدیدتر خواهد بود. اما به گمان ورلد اوایل، دنیا امروز دیگر دنیای اواخر دهه ۱۹۷۰ نیست که تحریم‌های شدید علیه روسیه بعد از حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان اعمال شد. داشتن دانش فنی و تکنولوژی در بسیاری از کشورها حالا دیگر تبدیل به یک واقعیت شده است. از سویی وزن کشورهای ناتو و دیگر متحدین آن حالا از زمان دهه ۱۹۷۰ کمتر شده است. بنابراین امروز این تحریم‌ها حتی پیمانکاران دست دوم کشورهای چین و هند را نیز از همکاری با روسیه منصرف نمی‌کند چه برسد به کاهش تولید نفت این کشور. علاوه بر این نکته‌ای که ورلد اوایل اشاره می‌کند این است که برخی کشورهای بلوک ناتو و یا هم‌پیمانان آنها می‌توانند دانش فنی را به شرکت‌های چینی منتقل کنند و به این ترتیب به صورت غیرمستقیم این دانش فنی به روسیه منتقل شود.

حال بخش مواد شیمیایی، مواد پایه‌ای و بخش تولید با مشکل مواجه می‌شوند. قیمت کمودیتی به بیش از ۱۵۰ دلار در هر بشکه برای نفت و ۵۰ دلار در هر میلیون واحد حرارتی بریتانیایی برای گاز می‌رسد. در سناریوی دوم، جنگ گسترده‌تر می‌شود و جریان گاز روسیه به اروپا تا ۵۰ درصد کاهش می‌یابد و بخش بزرگی از واردات نفت اروپایی‌ها هم از روسیه تا پایان سال ۲۰۲۲ قطع می‌شود. در این صورت، قیمت نفت می‌تواند به ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار در هر بشکه و قیمت گاز به ۱۰۰ دلار در هر میلیون واحد حرارتی بریتانیایی برسد. تمامی صنایع اروپا تحت تاثیر قرار می‌گیرند و حتی خطر قطع موقت عملیات‌ها هم در آنها وجود دارد. سناریوی سوم بر پایه تحریم کامل عرضه انرژی روسیه است. در این سناریو، قیمت نفت به بالاتر از ۲۰۰ دلار در هر بشکه و قیمت گاز به بیش از ۱۰۰ دلار در هر میلیون واحد حرارتی بریتانیایی می‌رسد. جیره‌بندی نفت و گاز در اروپا انجام می‌گیرد و صنایع این منطقه به شدت تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

ادامه جنگ در اوکراین به افزایش تورم در کشورهای اروپایی و نیز تمام دنیا ختم می‌شود و میزان تولید ناخالص داخلی کشورها به شدت کاهش می‌یابد. افزایش قیمت انرژی از سویی به افزایش هزینه مواد ورودی به صنایع منجر می‌شود. به عنوان مثال در صنایع شیمیایی هزینه تولید به شدت وابسته به قیمت‌های نفت است. حتی در بخش‌های تک هم هزینه مواد ورودی به شدت انرژی‌بر است. از سویی افزایش قیمت انرژی باعث کاهش تقاضا برای محصولات صنعتی به ویژه در بخش‌های حمل و نقل، سیمان و ساخت و ساز، فولاد، مواد شیمیایی و پتروشیمی و تولیدات صنعتی دیگر می‌شود. افزایش قیمت انرژی بر درآمد خانوارها هم تاثیر دارد. به طوری که بر اساس داده‌های اکسنچر، افزایش ۲۰ درصدی هزینه برق خانواده‌ها در کشورهای گروه هفت ۹۰ میلیارد دلار از درآمدهای مردم در این کشورها را کاهش می‌دهد. افزایش ۳۰ یا ۵۰ درصدی هزینه برق، به طور کلی بین ۱۳۰ تا ۲۲۰ میلیارد دلار هزینه افزایش یافته بر مصرف‌کنندگان وارد می‌کند.

در ابتدای حمله روسیه به اوکراین، ایالات متحده و کانادا واردات نفت روسیه را ممنوع کردند و بریتانیا اعلام کرد که خرید نفت از این کشور را متوقف می‌کند. غول نفت و گاز توتال انرژی، که بخش بزرگی از نواتک، اصلی‌ترین صادر کننده آل‌ان‌جی روسیه، را در مالکیت خود داشت، خرید نفت از این کشور را متوقف کرد. اما دیگر کشورهای اروپایی از این رویه چندان استقبال نکردند چون به انرژی روسیه وابستگی زیادی دارند. با این حال آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید که بسیاری از شرکت‌های نفتی و نیز بانک‌ها و شرکت‌های کشتیرانی از انجام معاملات با روسیه عقب‌نشینی کرده‌اند.

«جایگزین‌های نفت روسیه برای اروپا»

کارشناسان برای رهایی اروپا از چالش‌های افزایش هزینه‌های انرژی و محصولات نفت و گاز و یافتن جایگزین‌هایی برای نفت روسیه، راه‌های چندی را پیشنهاد داده‌اند: افزایش ۱.۵ تا ۲ میلیون بشکه عرضه نفت ایالات متحده تا سال ۲۰۲۳ و نیم میلیون بشکه نفت تا سال ۲۰۲۵ از

نادی صبوری
دنیای انرژی

آندری کورتونوف، دانشمند علوم سیاسی و مدیرکل شورای امور بین الملل روسیه، جنگ میان روسیه و اوکراین را درگیری بین جوامع و ارتش‌ها می‌داند. وی در مطلبی که در اکونومیست منتشر شده است می‌نویسد: رویارویی نظامی بین اوکراین و روسیه، درگیری‌ای قومی نیست، اوکراینی‌ها و روس‌های قومی در هر دو طرف خط مقدم می‌جنگند و بر خلاف بسیاری از اظهارات مسکو، ناسیونالیسم رادیکال انگیزه اصلی مقاومت اوکراین نیست. اختلاف بر سر مذهب هم نیست. روسیه و اوکراین هر دو اساساً کشورهای سکولار هستند و رنسانس مذهبی اخیر، در این دو کشور عمیق نیست. از نظر من دعوای اصلی بر سر قلمرو نیز نیست (اگرچه اختلاف نظر در این مورد مانع بزرگی برای دستیابی به یک راه حل صلح آمیز بوده است). این کشمکش مربوط به برخورد

بین شیوه‌های بسیار متفاوت سازماندهی زندگی اجتماعی و سیاسی در داخل دو کشور است که زمانی با هم بخش بزرگی از خاک شوروی را تشکیل می‌دادند. دیگر ریشه این کشمکش به تقابل فکری و معنوی بین دو طرز فکر برمی‌گردد: دو دیدگاه در مورد نظام بین‌المللی مدرن و به طور وسیع در مورد کل جهان. دو برداشت متضاد از اینکه چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست است، چه چیزی عادلانه است و چه چیزی نیست، چه چیزی مشروع است و چه چیزی نامشروع است و رهبری ملی باید شامل چه چیزی باشد. استدلال اینکه اوکراین از قبل به عنوان مدلی از لیبرال دموکراسی به سبک غربی ظاهر شده است، آسان نیست. اما این کشور به طور مداوم در این مسیر حرکت می‌کند، آرام، ناسازگار و با عقب نشینی‌های قابل درک و تعلل اجتناب‌ناپذیر. روسیه، به نوبه خود، یک دولت اقتدارگرای کلاسیک آسیایی یا اروپایی نیست، اما حداقل در ۲۰ سال گذشته از مدل لیبرال دموکراتیک دور شده است. جامعه اوکراین به طور کلی از پایین به بالا سازماندهی شده است، در

سه سناریو برای اتمام جنگ در اوکراین توسط آندری کورتونوف



وضعیت روسیه برای بسیاری در غرب خود یک کار ناتمام است. پیروزی اوکراین ممکن است به یک روسیه رام شده و اهلی منجر شود و روسیه آرام به غرب این امکان را می‌دهد که راحت‌تر با چین کنار بیاید، چینی که تنها مانع بزرگ در برابر هژمونی لیبرال و «پایان تاریخ» مورد انتظار است

اوکراین ممکن است به یک روسیه رام شده و اهلی منجر شود و روسیه آرام به غرب این امکان را می‌دهد که راحت‌تر با چین کنار بیاید، چینی که تنها مانع بزرگ در برابر هژمونی لیبرال و «پایان تاریخ» مورد انتظار است. اگر درگیری منجر به حل و فصل ناقص اما قابل قبول متقابل شود، نتیجه نهایی برخورد بین مدل‌های روسی و اوکراینی به تعویق خواهد افتاد. رقابت شدید بین دو مدل سازماندهی اجتماعی ادامه خواهد داشت، اما امیدوارم در حالتی کمتر وحشیانه این اتفاق بیفتد. مصالحه‌ای نه چندان عالی بین غرب و روسیه ممکن است سازش مهم‌تر و اساسی‌تری بین غرب و چین را به دنبال داشته باشد. اگر توافق با پوتین امکان پذیر باشد، در ادامه توافق با شی جین پینگ منطقی خواهد بود. با این حال، نزدیک شدن چین و غرب، نیازمند زمان، انرژی و انعطاف سیاسی بیشتر غرب است. این امر منجر به اصلاح نظم جهانی، با تغییرات عمده در سیستم سازمان ملل، هنجارهای قدیمی حقوق عمومی بین‌المللی و بازسنجی در صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و سایر نهادها خواهد شد. اگر توافقی در مورد اوکراین وجود نداشته باشد و درگیری از طریق چرخه‌های آتش‌بس متزلزل و به دنبال آن دوره‌های جدید تشدید ادامه یابد، انتظار فروپاشی در نهادهای جهانی و منطقه‌ای را خواهیم داشت. نهادهای بین‌المللی ناکارآمد ممکن است در بحبوحه مسابقه تسلیحاتی، گسترش سلاح‌های هسته‌ای و افزایش درگیری‌های منطقه‌ای سقوط کنند. چنین تغییری تنها منجر به هرج و مرج بیشتر در سال‌های آینده خواهد شد.

ارزیابی احتمال هر یک از سه سناریو بسیار دشوار است - متغیرهای مستقل بیش از حد می‌توانند بر نتیجه‌ی درگیری تأثیر بگذارند. من سناریوی اصلاحات را که در آن توافقی برای پایان جنگ انجام شود بهترین گزینه از بین همه می‌دانم. بقیه یا خیلی سریع تغییرات را ایجاد می‌کنند، یا تغییرات بسیار مهم و مورد نیاز را مسدود می‌کنند. در هر دو مورد، خطرات سیاسی چند برابر خواهد شد. اگر درگیری باعث یک انتقال تدریجی، منظم و بدون خشونت شود که در آن نظم جهانی پایدارتر شود، به این معنی است که بشریت اجازه نداده فداکاری‌های اوکراین به هدر برود.

حالی که جامعه روسیه یک فرآیند از بالا به پایین را در هسته خود دارد. برای مثال، از زمان استقلال در سال ۱۹۹۱، اوکراین شش رئیس‌جمهور را انتخاب کرده است. هر کدام پس از رقابت‌های شدید (و گاه بسیار دراماتیک) قدرت را به دست آورده‌اند. در همان دوره روسیه تنها توسط سه رئیس‌جمهور دولت اداره می‌شد، هر رهبر جدید با دقت انتخاب می‌شد و توسط سلف خود مورد حمایت قرار می‌گرفت. مورخان، انسان‌شناسان فرهنگی و جامعه‌شناسان دلایل این واگرایی قابل توجه در جوامع روسیه و اوکراین را مورد بحث قرار داده‌اند. با این حال، مهم‌ترین چیز این است که این ناسازگاری اساسی دو مدل سازمان اجتماعی، نه تنها منجر به یک رویارویی نظامی برادرکشی وحشتناک در مرکز اروپا شده است، بلکه نحوه عملکرد هر یک از طرفین در مناقشه را نیز دیکته می‌کند. از پرسنل گرفته تا تبلیغات و از استراتژی گرفته تا دولت‌داری، دو مدل رقیب پس از شوروی در حال آزمایش هستند. این نتیجه عواقبی خواهد داشت که بسیار فراتر از اروپا خواهد بود.

در کیف آنها می‌توانند استدلال کنند که شرایط برخورد منصفانه نیست. روسیه بزرگتر، ثروتمندتر و از نظر نظامی قدرتمندتر از اوکراین است. از سوی دیگر، اوکراین از همدردی بین‌المللی و کمک‌های دفاعی، اقتصادی، بشردوستانه و اطلاعاتی تقریباً نامحدود غرب برخوردار است. روسیه تنها می‌تواند به خود تکیه کند و در معرض فشار فزاینده تحریم‌های دردناک قرار دارد. بسیاری از کارشناسان روسی عادت دارند بگویند که ارتش عظیم غربی و حمایت‌های دیگر، تنها دلیلی است که اوکراین هنوز فروپاشی یا تسلیم نشده است. اما این روایت، منابع انگیزه اوکراین را توضیح نمی‌دهد. افغانستان را در نظر بگیرید، جایی که تمام حمایت‌های نظامی درازمدت آمریکا و شرکای آن نتوانست از تهاجم غیرقابل توقف طالبان در سال گذشته جلوگیری کند. اگرچه نمی‌توان این دو درگیری را مستقیماً با هم مقایسه کرد، اما واقعیت روشن به نظر می‌رسد: در حالی که افغان‌ها در سال ۲۰۲۱ دیگر انگیزه جنگیدن برای کشور و ارزش‌های خود را نداشتند، اوکراینی‌ها در سال ۲۰۲۲ به وضوح این انگیزه را دارند.

«تقابل مسکو-کیف و درک جهانی از مدرنیته»

خطرات درگیری در روسیه و اوکراین به شدت می‌تواند بالاتر باشد. این در مورد آینده سیستم بین‌المللی و در مورد آینده نظم جهانی است. مهم‌تر از همه، این در مورد درک ما از خود مدرنیته و در نتیجه، در مورد مدل‌های ترجیحی ما از توسعه اجتماعی و سیاسی است. سه سناریو برای چگونگی پایان جنگ وجود دارد و هر کدام پیامدهای ژئوپلیتیکی عظیمی خواهند داشت. اگر قرار باشد کرملین قاطعانه در این بن‌بست حماسی شکست بخورد، احتمالاً شاهد ظهور دوباره لحظه تک‌قطبی خواهیم بود. چارلز کراتامر در مقاله مشهوری، شرایط پس از فروپاشی شوروی را «لحظه تک‌قطبی» نامید، علی‌رغم مخالفت پکن با این جریان. اگرچه اوکراین ممکن است برای آقای پوتین یک کار ناتمام باشد، اما وضعیت روسیه برای بسیاری در غرب خود یک کار ناتمام است. پیروزی

تاریخچه وظرفیت میدان پارس جنوبی

نحوه تعامل ایران با جهان و اعمال سیاستهای تحمیلی و تحریمی به جمهوری اسلامی ایران باز میگردد. تأثیر سیاست بین‌الملل بر هژمونی منطقه‌ای ایران بدین نحو بوده است که روابط ایران و آمریکا پس از سال ۱۹۷۹ همواره با تنش و جنجال همراه بوده است و تحریم بارزترین شاخص جنگ سرد ایران و غرب است. تشدید تحریمهای بین‌المللی در سالهای اخیر تبعات منفی بسیاری را برای کشورمان به همراه آورده است. تحریمها سیستم بانکی را بعنوان شریان اصلی معاملات بین‌المللی نشانه گرفته و در تجارت بین‌الملل اعم از صادرات و واردات وقفه ایجاد کرده است. ضمن اینکه طرحهای توسعه و پروژههای برخی صنایع از جمله نفت، گاز و پتروشیمی را از طریق فشار بر دارندگان دانش فنی و ماشین‌آلات و تجهیزات با مشکل روبرو کرده و ورود کالاها و قطعات با محدودیت مواجه شده است. علاوه بر این عرضه خدمات اساسی به ایران همچون حمل و نقل و بیمه نیز در سطح بین‌المللی دچار اختلال شده است. به تبع این اختلالات، مشکلاتی در اجرای پروژههای پتروشیمی حادث شده است. اهمیت مطالعه میدانی مشترک انرژی ایران و کشورهای همسایه، بدلیل تأثیر مستقیم رتالیسم حاکم بر فضای سیاست بین‌الملل در برخورد با ج.ا.ا. قابل ارزیابی است.

«وضعیت ویژه ایران در خلیج فارس»

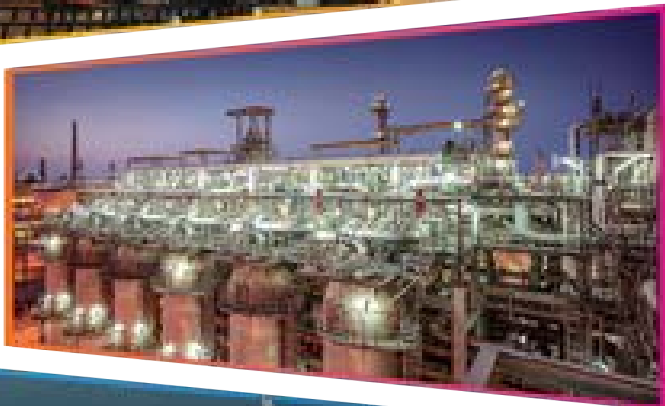
کشورهای خلیج فارس بین شصت تا هفتاد درصد ذخایر نفت و گاز جهان را در اختیار دارند. بیش از نود درصد درآمد این کشورها از صادرات نفت به دست می‌آید. بنابراین اقتصاد آنها به شدت به

«ایران و ژئوپولیتیک انرژی و فراوانی ذخایر انرژی»

غلامرضا قریشی راد
شیده شادلو

اهمیت ایران بدلیل دارا بودن دومین منابع عظیم انرژی (نفت و گاز) و همچنین موقعیت ژئوپولیتیک مناسب؛ یعنی واقع شدن در میان دو کانون مهم انرژی دنیا (خلیج فارس و دریای خزر) در جایگاه ویژه‌ای از نظر تأمین انرژی و امنیت آن قرار گرفته است. انرژی و امنیت آن با توجه به اهمیتی که برای مصرف‌کنندگان دارد، میتواند به یکی از محمل‌های پیوند ایران با قدرتهای مؤثر در نظام جهانی تبدیل شود. برقراری پیوندهای انرژی با کشورهای مهم و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی، افزون بر منافع اقتصادی، منافع امنیتی قابل توجهی را برای کشور در پی خواهد داشت؛ زیرا این کشورها را در تأمین یک کالای استراتژیک و امنیت آن، به میزان قابل توجهی به ایران وابسته میکند. موقعیت ژئوپولیتیک ایران از لحاظ میدانی مشترک با کشورهای همسایه حائز اهمیت ویژه‌ای تلقی میشود. علاوه بر نظریات ژئوپولیتیک انرژی، این اهمیت به موضوع سیاست بین‌الملل،

آغاز بهره‌برداری از سکوی آلفا در سال ۱۹۹۱ و تولید قطر از میدان شمالی به میزان ۲۵ میلیون متر مکعب در روز برای تأمین گاز مورد نیاز بازار داخلی این کشور آغاز شد. تعداد ۱۶ حلقه چاه در این بخش حفر گردید. که متوسط بهره‌وری هر چاه ۱.۳ میلیون متر مکعب در روز است



درآمدهای نفتی وابسته است و از هرگونه افزایش و یا کاهش قیمت تأثیر می پذیرند. از جمله مواردی که این کشورها میتوانند با یکدیگر همکاری کنند بهره‌برداری از میدان مشترک نفت و گاز در فلات قاره خلیج فارس است. در سالهای بعد از انقلاب و بویژه بدنبال افزایش بهای نفت، حجم عملیات اکتشافی کشورهای حاشیه خلیج فارس توسط شرکتهای چندملیتی در آبهای نزدیک به خط میانی و مرزی این کشورها با ایران به نحو چشمگیری افزایش یافته است. درحالیکه عملیات اکتشافی ایران به دلایل مختلف در مقایسه با کشورهای جنوب خلیج فارس در سطح پایینتری بوده است. این امر موجب شده کشورهای مذکور تولید بیشتری از این میادین نسبت به ایران داشته باشند. ازطرف دیگر این مسئله سبب مهاجرت نفت از طرف ایران به سوی کشورهای مذکور شده است. باید اشاره کرد که تولید نفت در فلات قاره پیچیده و مشکل است و نیاز به کارشناسان خارجی و تکنولوژی پیشرفته دارد. علاوه برآن هزینه آن دو تا سه برابر تولید نفت خام از خشکی است.

« ذخایر گاز ایران »

مساحت ایران یک هفتم اروپاست ولی ایران دهها برابر اروپا نفت و گاز دارد. همینطور منابع ایران ۳۸ برابر ذخایر معدنی اروپاست. ایران به تنهایی از کل قاره اروپا ثروتمندتر است. ایران با داشتن منابع سرشار گاز طبیعی دومین کشور در جهان بعد از روسیه است. وجود چنین ذخایری امکان مناسبی برای توسعه اقتصادی کشور فراهم می کند. میزان اشتغال را بالا می برد و موجب گسترش صنایع پتروشیمی در کشور می شود. علاوه بر آن صادرات گاز و فرآوردههای پتروشیمی می تواند یک منبع کسب درآمد ارزی برای ایران باشد. بنابراین گاز مهمترین اهرم توسعه صنعتی ایران است. گاز در گذشته نقش قابل توجهی در روابط خارجی ایران نداشته است. در آغاز دهه ۱۹۷۰ با بهره‌برداری از خط لوله سراسری گاز، صادرات گاز ایران به شوروی آغاز شد. ازسوی دیگر با کشف ذخایر عظیم گاز در پارس جنوبی، بر اهمیت ایران افزوده شد. این میدان در واقع حوزه مشترک انرژی بین ایران و قطر است و در قطر بعنوان گنبد شمالی شناخته میشود.

« تاریخچه و ظرفیت میدان پارس جنوبی »

درحال حاضر چندین میدان نفتی در خلیج فارس وجود دارد که ایران و کشورهای این منطقه بطور مشترک از آنها بهره برداری می کنند. یکی از مهمترین این میادین مخازن گازی پارس جنوبی است که در نزدیکی میدان گازی شمالی قطر واقع شده است و با آن کاملاً مرتبط است. این میدان در سال ۱۹۷۱ در قطر شناسایی و به

نام گنبد شمالی نامیده شد. میدان موجود در آبهای سرزمین ایران در سال ۱۹۹۰ کشف و پارس جنوبی نامیده شد. میدان پارس جنوبی در عمق ۳۰۰ متری زمین واقع شده است. عمق دریا در منطقه پارس جنوبی ۶۰ تا ۷۵ متر است. آزمایشات و نظرات کارشناسی دال بر این است که حدود ۶۵ درصد از گاز درجای این میدان با تکنولوژی موجود قابل استحصال است. بیش از ۳۰ درصد از میدان شمالی قطر نیز در آبهای ایران قرار گرفته است. میدان گازی پارس جنوبی با ۱۳ تریلیون متر مکعب گاز و ۱۷ میلیارد بشکه میعانات گازی بزرگترین میدان گازی در جهان است. همچنین قطر مطالعه بر روی میدان شمالی را از سال ۱۹۸۷ آغاز کرد و از سال ۱۹۹۲ شروع به بهره‌برداری تجاری از آن نمود. درحالیکه ایران در سال ۱۹۹۴ شروع به حفاری در بخشی از میدان که در آبهای آن واقع شده، کرده است. ایران در نظر دارد ۱/۵ میلیارد دلار در این میدان سرمایه‌گذاری کند و روزانه یک میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی و ۵۰۰ هزار بشکه گاز مایع تولید نماید. تقریباً کل ذخایر گاز قطر در میدان مشترک گنبد شمالی (پارس جنوبی) قرار گرفته است. براساس برآورد آژانس بین‌المللی انرژی، حجم گاز درجای میدان مشترک حدود ۵۱ میلیارد متر مکعب است که ذخایر قابل استحصال سمت ایران برابر ۱۴/۲ و سهم قطر ۲۵/۵ میلیارد متر مکعب می‌باشد.

«تحریم‌های امریکا علیه ایران»

اجرای پروژه‌های نفت و گاز بخصوص پروژه‌های مربوط به فازهای پارس جنوبی در چارچوب مدت زمان، هزینه و کیفیت بالا از الزامات قراردادی می‌باشد. تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، قوانین کنگره آمریکا و اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۱۱ باعث اخلاص در روند اجرایی پروژه‌ها شده است. اولین تحریم جدی در حوزه تحریم نفت و گاز ایران، تصویب قانون داماتو توسط ایالات متحده بود. براساس این قانون، حداقلی برای سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز ایران را تعیین کرد. درابتدا کسی در ایران به این امر بهانداد اما این محدودیت نشاندهنده یک حداقلی بود که برای توسعه سیستم نفت و گاز در یک کشور مورد نیاز است. موردی که در اینجا مورد توجه بود، عدم امکان دسترسی ایران به تکنولوژی‌های نفت فشار بود. این امر بر تولید صیانتی این میدان تأثیر منفی دربرداشت.

«تأثیر منفی تحریم‌ها بر تولید صیانتی در پارس جنوبی»

تولید صیانتی یعنی استخراج بهینه و معقول و به اندازه، با تکنولوژی مناسب بنحوی که خسارتی به ذخایر وارد نشود و منابع طبیعی متحمل خسارت نگردند و فروش محصول با قیمت مناسب روز می‌باشد. لطمه به تولید صیانتی به ضرر ایران یعنی افت استخراج به

«پارس جنوبی، کلید توسعه آینده»

براساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تا سال ۱۴۰۴ جمعیت ایران به حدود صد میلیون نفر خواهد رسید که به معنای افزایش نزدیک به سی میلیون نفر (حدود هفت میلیون خانوار) به جمعیت کشور است. تأمین اشتغال فوق حداقل نیاز به ایجاد هفت میلیون شغل جدید دارد که باید از طریق بهره‌برداری از ظرفیتهای موجود کشور صورت پذیرد. مخزن گازی پارس جنوبی مزیتی برای افزایش ظرفیتهای صنعتی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توان ملی دارد.

«آخرین تحولات دیپلماسی انرژی ایران و قطر»

آخرین رویدادها در رابطه با این میدان به شرکت آقای ریسی در ششمین اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز موسوم به اوپک گازی - که با ابتکار ج.ا.ا. تشکیل شده بود- در اسفند ۱۴۰۰ بازمیگردد. بخشی از اهداف این سفر که فعال‌سازی دیپلماسی همسایگی توصیف شده بود، زمینه‌سازی برای فعالیت بیشتر و همکاری گسترده‌تر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده گاز را به همراه داشت. بدیهی است خط مشی استفاده از تمام ظرفیتهای و فرصتهای

حدود ۷.۶ میلیارد متر مکعب در سال بود که با آغاز بهره برداری از پروژه آلفا در سپتامبر ۱۹۹۱ همراه بوده است. قطر در سال ۱۹۹۷ با صادرات ۲.۸۴ میلیارد متر مکعب گاز مایع طبیعی به جمع صادر کننده این محصول پیوست. آغاز بهره برداری از سکوی آلفا در سال ۱۹۹۱ و تولید قطر از میدان شمالی به میزان ۲۵ میلیون متر مکعب در روز برای تأمین گاز مورد نیاز بازار داخلی این کشور آغاز شد. تعداد ۱۶ حلقه چاه در این بخش حفر گردید. که متوسط بهره‌وری هر چاه ۱.۳ میلیون متر مکعب در روز است.

«وضعیت موجود و تشدید تحریمها»

علیرغم وجود چنین منبع عظیمی در کشور ما موجب ناخشنودی است که بدلائل گوناگون از جمله مسایل ژئوپولیتیک منطقه‌ای و استراتژی‌های بین‌المللی، تاکنون موضوع بهره برداری از میدان پارس جنوبی «این منبع فسیلی مشترک بین دو کشور» همواره محل مناقشه بوده است. مشترک بودن میدان عظیم پارس جنوبی در خلیج فارس بین کشور ایران و قطر در سالهای گذشته زمینه‌ساز رقابت جدی در بهره‌برداری هر کشور از این منابع بوده است. قطر پس از تأمین نیازهای محدود داخلی خود، با کمک شرکتهای غربی بواسطه اجرای پروژه‌های متعدد، تولید گاز طبیعی منابع به صادرکننده اصلی این محصول در دنیا تبدیل شد. براساس آمار و اطلاعات منتشر شده بین‌المللی درخصوص میزان فعالیت قطر در پارس جنوبی، اراده طرف ایرانی برای حصول به منافع ملی بمتابه حق مسلم در میادین مشترک انرژی با سد تحریمها مواجه شده است و ظرفیت مکانیسمهای موجود نهادینه شده درعرصه حقوق بین‌الملل نیز بنحومناسبی تاکنون پاسخگوی تحقق شایسته منافع طرف ایرانی نبوده‌اند. مشکل این است که علاوه بر وجود تحریمهای ایالات متحده آمریکا، قواعد حقوقی بین‌المللی حاکم بر این موضوع هم که بتواند از طرف ایرانی پشتیبانی کند، عموماً جنبه الزام‌آور ندارند. لذا ارتقاء توانایی‌های تکنولوژی بهره‌برداری و نیز اتخاذ یک دیپلماسی سنجیده و صبورانه برای تعاملات سیاسی و اقتصادی براساس یک دیدگاه واقع‌گرایانه و جهانشمول، متضمن کامیابی ایران در این زمینه خواهد بود. همچنین ارتقاء سطح دستیابی به منافع ملی و تأمین امنیت انرژی توسط کشور ما با روشهای گوناگون قابل تحقق است. فعالسازی اتاقهای فکر و اندیشکده‌های گوناگون و زمینه‌سازی تعامل متفکران حوزه دیپلماسی، سیاست و اقتصاد و حقوق بین‌الملل و انتشار آرا و نظرات ایشان از جمله روشهای مطلوب محسوب میشود که تدوین و نشر این مطلب هم در راستای این هدف صورت گرفته است.

لطمه به تولید صیانتی به ضرر ایران یعنی افت استخراج به نفع قطر، کاهش درآمد ایران نسبت به قطر از این میدان مشترک انرژی بعنوان بزرگترین میدان انرژی در جهان، بخشی از تأثیرات این تحریمها می‌باشد. تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز در یک رویکرد عقلانی و منطقی مورد تأکید است. خواه میدان موردنظر مستقل باشد خواه مشترک

نفع قطر، کاهش درآمد ایران نسبت به قطر از این میدان مشترک انرژی بعنوان بزرگترین میدان انرژی در جهان، بخشی از تأثیرات این تحریمها می‌باشد. تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز در یک رویکرد عقلانی و منطقی مورد تأکید است. خواه میدان موردنظر مستقل باشد خواه مشترک. اما در حوزه مخازن مشترک، این موضوع از حساسیت بیشتری برخوردار است. برداشت مستقل هر یک از کشورها با هدف تولید بیشتر در بازه کوتاه و در فضای رقابتی و غیر صیانتی صرفاً تبعات منفی برای مخزن و لذا برای هر دو کشور به‌همراه خواهد داشت. لذا برای اینکه بتوان یک مخزن مشترک را به نحو کارآمد و مؤثری توسعه داد بایستی یک طرح کلان برای آن طراحی کرد. رعایت ضوابط تولید صیانتی از مخازن گازی کشور نظیر پارس جنوبی که حجم قابل ملاحظه‌ای میعانان گازی دارند، بایستی در اولویت باشد.

«تحریمها و افزایش برداشت و فروش گاز بنفع قطر»

کشور قطر ۱۳.۵ درصد از کل ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد و پس از روسیه و ایران که به ترتیب سهمی معادل ۲۳.۹ و ۱۵.۸ درصد دارند، در رتبه سوم جهان قرار دارد. قطر بزرگترین صادرکننده گاز مایع طبیعی جهان است. در طی دو دهه گذشته با افزایش طرحهای قطر برای بهره‌برداری از منابع گازی میدان شمالی، تولید گاز این کشور نیز روند صعودی گرفت. تولید گاز قطر در سال ۱۹۹۱

گزارش "دنیای انرژی" از مشکل بنیادین پالایشگاه های کوچک،

تامین خوراک شرط دوام مینی ریفاینری ها



گذاری آن ها نیز بر اساس ظرفیت خوراک شان متغیر است. مینی ریفاینری ها به لحاظ مصرف خوراک نیز به دو دسته تقسیم می شوند. دسته اول با عنوان بالادستی، نفت خام و میعانات گازی را گرفته و موادی مانند بنزین، گازوئیل و مازوت تولید می کنند و دسته دوم با عنوان میان دستی، خروجی محصولات دسته اول را گرفته و از آن بیش از ۱۵۰ محصول جدید از قبیل قیر، انواع روغن های صنعتی، حلال ها، هیدروکربن سبک و سنگین و... تولید می کنند.

لزوم احداث پالایشگاه های کوچک از سالیان سال در کشورهایی همچون روسیه، امریکا و چین مطرح شده است و با توجه به وجود میادین نفتی کوچک و پراکنده در دنیا این پالایشگاه های کوچک

برخی از مینی ریفاینری های با ظرفیت پایین تر، به دلیل نرسیدن به موقع خوراک، کاملاً تعطیل شده اند، برخی با شرایط سربه سر و تعدادی نیز زیان ده هستند و تنها از اندوخته و دارایی هزینه می کنند.

مریم میخانک بابایی

پاسخ صریح به پرسشی که اساساً مینی ریفاینری ها و یا همان پالایشگاه های کوچک چیستند و چه کاربردی دارند این است که به مجموعه و مجتمع های کوچکی اطلاق می شود که با ظرفیت بسیار پایین خوراک از ۲۰۰ بشکه تا ۲۰ هزار بشکه در روز کار می کنند و به نسبت نوع محصولی که تولید می کنند، سرمایه

مرسوم نیستند با توجه به گفته معاون وزیر نفت در امور پالایش که این مجموعه ها را غیراقتصادی می داند باید گفت که عمر این واحدها در ایران قدمت چندین و چند ساله دارند و به لحاظ میزان خوراک مصرفی آن ها از ۲۰۰ بشکه تا ۲۰ هزار بشکه در روز می توان تا حدودی تعداد بیشمار این مینی ریفاینری ها را در ایران حدس زد. حال پرسش این است که آیا واحدهایی که احداث شده اند و هر یک هدفی از راه اندازی آن داشته اند، را باید به لحاظ غیر اقتصادی بودن رها کرد و نادیده گرفت یا می توان هر یک از آن ها را یک بنگاه اقتصادی بالقوه ای در نظر گرفت که در آینده قطب بزرگ اقتصادی شوند و تبدیل به یک پالایشگاه بزرگی شوند. بر اساس گفته های غیر رسمی، در ایران بیش از ۳۰۰ مینی ریفاینری بر مبنای ظرفیت تولید وجود دارد و البته گفته می شوند بخش قابل توجهی از آن ها غیر فعال و یا بعضا تعطیل هستند.

ناصر تنگستانی مدیر مالی و اداری انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پالایش نفت در گفتگو با ماهنامه "دنیای انرژی" می گوید: در حال حاضر ۷۰ مینی ریفاینری در کشور موجود است و تنها ۱۵ واحد آن در کشور فعالند و میزان مصرف این تعداد پایین تر از ۲۰ هزار بشکه خوراک در روز است. در کنار این پالایشگاه های کوچک ۱۰ پالایشگاه اصلی کشور در کشور فعالند که با مصرف بیش از ۲ میلیون خوراک، تامین کننده سوخت و فراورده نفتی کشور را بر عهده دارند و اگر این پالایشگاه کوچک مورد حمایت و توجه بیشتر قرار گیرند می توانند در کنار پالایشگاه های بزرگ

توانستند از آن منابع هیدروکربنی فرآورده هایی با ارزش افزوده بالا تولید کنند که ایجاد چنین مجموعه های کوچک سرمایه گذاری بسیار زیادی را هم در پی نداشته و ندارد در حالیکه احداث پالایشگاه های بزرگ هزینه بسیار زیادی دارد بویژه که این روزها اهمیت احداث پتروپالایشگاه ها برای ارزش افزوده بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اما نیاز به سوخت هیدروکربوری از جمله بنزین، گازوئیل و بیشتر تولید انواع روغن های صنعتی، قیر، حلال ها و ... باعث شده است احداث پالایشگاه های کوچک هم مورد توجه قرار گیرد. مزیت نسبی این مینی ریفاینری ها به کارگیری هزینه و سرمایه های کوچکی است که در مدت زمان کمتر به تولید محصول می رسند و گاهی اوقات اهمیت صادرات محصول نیز توجه به احداث چنین مجموعه های را در دنیا بیش از گذشته دو چندان کرده است.

«احداث مینی ریفاینری ها در ایران»

ایجاد پالایشگاه های مقیاس کوچک از جمله برنامه هایی بود که در دولت گذشته از سوی وزارت نفت دنبال می شد، به نظر می رسد با تغییر دولت، این موضوع از برنامه کاری وزارت نفت خارج شده است. چون که جلیل سالاری معاون وزیر نفت در امور پالایش، ایجاد این پالایشگاه ها را غیراقتصادی توصیف کرده است یکی از برنامه هایی که در دولت گذشته پیگیری می شد ایجاد پالایشگاه های مقیاس کوچک در نقاط مرزی بود که زنگنه، وزیر نفت سابق، هدف خود را از ایجاد این پالایشگاه ها انتقال نفت به نقاط مرزی و صادرات به کشورهای همسایه، به جای راه اندازی خط لوله اعلام کرده بود. در آخرین اقدام هم در اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ در جلسه هیأت امنای صندوق توسعه ملی مجوز تسهیلات صندوق توسعه برای احداث پالایشگاه های مقیاس کوچک داده شده بود با روی کار آمدن دولت سیزدهم و مخالفت وزارت نفت با توسعه مینی ریفاینری ها و توقف در اعطای مجوز تا حدودی مانعی بر رشد این واحدها محسوب شد و به گفته سالاری این مینی ریفاینری ها مانند گذشته رونقی ندارند. وی در گفتگویی رونق مینی ریفاینری ها را تنها به دهه ۶۰ عنوان می کند و این روزها دلیل بی رونقی آن را اقتصادی نبودن آن ها می داند. سالاری، شرایط قابل قبول توسعه این پالایشگاه های کوچک را تنها در صورت فرایند تفکیک و تبدیل آن به مواد دیگر موجه و اقتصادی عنوان می کند و ضمن اشاره به انجام این پروژه در دیگر کشورها می گوید: در دنیا وقتی می خواهند نفت خام های فوق سنگین را به قیر تبدیل کنند از این پالایشگاه ها استفاده می کنند. ولی در مجموع ایجاد پالایشگاه هایی در مقیاس کوچک به منظور تولید محصول نهایی اقتصادی نیست و در دنیا هم خیلی

در حال حاضر ۷۰ مینی ریفاینری در کشور موجود است و تنها ۱۵ واحد آن در کشور فعالند و میزان مصرف این تعداد پایین تر از ۲۰ هزار بشکه خوراک در روز است. در کنار این پالایشگاه های کوچک ۱۰ پالایشگاه اصلی کشور در کشور فعالند که با مصرف بیش از ۲ میلیون خوراک، تامین کننده سوخت و فراورده نفتی کشور را بر عهده دارند

به تکمیل زنجیره تولید و ایجاد ارزش افزوده بیشتر کمک کنند و یا همانطور که گفته شد توانایی بالقوه تبدیل شدن به پالایشگاهی بزرگ را دارند. به طوری که هم اکنون در کشور در میان این پالایشگاه های کوچک واحدهایی هستند که در گذشته با کمترین میزان ظرفیت یعنی ۵ تا ۱۰ هزار بشکه، کار خود را آغاز کرده اند و با گذشت تنها چند سال این میزان را به ۳۵ هزار بشکه و شاید بیشتر هم افزایش داده و در زمره صادرکنندگان فرآورده نفتی به حساب آمده اند. بنابراین رشد پالایشگاه های کوچک طی این سال ها برای تولید محصولاتی با ارزش تر توانست علاوه بر توسعه بخش خصوصی زمینه ای برای رقابت و رشد دیگر مینی پالایشی ها را فراهم آورد. لذا حذف ماهیت آن ها برای کشوری که منابع بیشمار هیدروکربنی دارند نیازمند تامل بیشتری است. از سویی دیگر، به اعتقاد تحلیلگران حوزه نفت و گاز، بازگشت سرمایه پالایشگاه های کوچک نسبت به پالایشگاه های نفت بالاتر بوده و دارای انعطاف پذیری بیشتر برای تولید انواع محصولات از گازوئیل گرفته تا فرآورده هایی که نیازمند فرآیندهای پیچیده تری دارند، هستند. این پالایشگاه های کوچک از دهه ۶۰ به بعد در ایران جهت پاسخ به تقاضای محلی به ویژه در مکان های دور دست و یا خاص بودن نوع خوراک (به طور مثال حلال ها، روغن های صنعتی، نفت کوره و ...) احداث شدند.

اگر بخواهیم بررسی کنیم که به واقع آیا همه این مینی پالایشگاه های خصوصی در کشور توانسته اند با دریافت خوراک یارانه ای از سوی دولت و یا دریافت سوخت از دیگر واحدها، ارزش افزوده و محصولاتی برای نیاز داخل و یا حتی نیاز صادراتی با برند ایرانی تولید کنند یا خیر؟ پاسخ به آن مجال دیگری را می طلبد و نیازمند ارائه اسناد و مدارک معتبر و حسابرسی شده است؛ اما در اینجا برای تکمیل بحث تنها به همین نکته بسنده می کنیم و می گوییم بر اساس برخی شنیده های غیر رسمی و گمانه زنی ها، تعدادی از مینی ریفاینری های موجود خوراک و سوخت دریافتی را در خارج از مرزها به فروش می رسانند زیرا فروش چندین برابر آن به نسبت تولید، صرفه اقتصادی بالایی برای آن ها دارد که برای حل این موضوع می توان به واقعی کردن نرخ خوراک و بررسی مجدد در طرح هدفمندی یارانه ها تا حدودی از قاچاق آن کم کرد، یا از سوی دیگر با نظارت بر تولید، مانعی برانجام این فرایند قاچاق شد. اما در عوض همین خوراک قابل استفاده را واحدهایی با هدف تولید و تبدیل آن به محصول نهایی، دریافت می کنند. این واحدها حتی با انجام صادرات برای اقتصاد ارزآوری می کنند. لذا صرفاً برای موضوع قاچاق نمی توان ماهیت این واحدها را به کلی از

برخی از پالایشگاه هایی که مجوز نفت خام دارند این نفت باید از مبدأ از طریق خط لوله به آن ها منتقل شود که این موضوع اصلاً برای دولت و خود ریفاینری ها صرفه اقتصادی ندارد که خط لوله احداث کنند، باید این خوراک با تانکر انتقال داده شود و چون امکانات زیر بنایی برای حمل بار هم محدود است لذا این بار با تاخیر به دستشان می رسد

بین برد بلکه باید نسبت به تامین خوراک، شرایطی را برای رشد و توسعه آن ها فراهم آورد و از بازوی نظارتی مانعی بر انجام هر گونه سواستفاده و قاچاق شد. مجموع بحث اصلی این گزارش، تامین خوراک به موقع واحدهای مینی ریفاینری در کشور است. خوراکی که اگر قابل دسترس تر باشد زمینه تولید بیشتر و رقابتی سازنده را در بازارهای داخلی و خارجی ایجاد می کند اما این روزها عدم دریافت به موقع آن باعث شده است که واحدها به صورت مقطعی تعطیل باشند و کسب و کار خود را معطل دریافت خوراک بگذارند.

«کمبود خوراک مشکل اصلی مینی ریفاینری های ایران»

تنگستانی عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارفرمایی پالایش نفت در گفتگو با ماهنامه "دنیای انرژی" ادامه می دهد: بزرگترین و تنهاترین مشکلی که پالایشگاه های کوچک برای رفع آن به انجمن صنفی پالایش نفت ارجاع می دهند، موضوع کمبود خوراک آن هاست. آن ها از انجمن خواسته اند تا نسبت به رفع این موضوع از مراجع ذیصلاح دولت و مجلس مساعدت شوند. بنابراین تنگستانی، شالوده اصلی تشکیل انجمن صنفی کارفرمایی پالایش نفت، پیگیری امور صنفی ۱۰ پالایشگاه اصلی کشور بوده است اما از چند سال قبل به دلیل تقاضای بیشمار پالایشگاه های کوچک از انجمن صنفی برای مساعدت در تامین خوراک آن ها از سوی دولت، انجمن را نیز برآن داشته است تا پیگیر موضوع تامین خوراک و رفع مشکلات آن ها باشد. تنگستانی درباره طرح مشکل خوراک مینی ریفاینری ها و ورود آن ها به انجمنی که قانوناً فقط متعلق به ۱۰ پالایشگاه اصلی و بزرگ بوده است، می گوید: سال

از طریق خط لوله به آن‌ها منتقل شود که این موضوع اصلاً برای دولت و خود ریفاینری‌ها صرفه اقتصادی ندارد که خط لوله احداث کنند، باید این خوراک با تانکر انتقال داده شود و چون امکانات زیر بنایی برای حمل بار هم محدود است لذا این بار با تاخیر به دستشان می‌رسد. در مورد میعانات نیز که نباید این سوخت برای مسافت طولانی با تانکر منتقل شود چون خطرناک است. عمدتاً از طریق بین مجتمع و یا با فاصله نزدیک تر این انتقال صورت می‌گیرد و این گونه است که زمان بر می‌شود. البته معمولاً این واحدها "آف" و "آن" کار می‌کنند و این موضوع هزینه نگهداری آن‌ها را افزایش داده است. برخی از این ریفاینری‌ها مجبورند خوراک مورد نیاز خود را تا مدتی ذخیره کنند اما بنا به گفته برخی از آن‌ها، گنجایش مخازن هم ظرفیت محدودی دارد و یا به دلیل ایمنی مجبورند از مخازن کوچک تری برای ذخیره خوراک استفاده کنند که این ذخیره کفاف نیاز مستمر آن‌ها را نمی‌دهد و مجبورند مدتی تا رسیدن خوراک، مجموعه را غیرفعال نگه دارند و این اصلاً صرفه اقتصادی ندارد.

احمد معروفخانی عضو اتحادیه صارکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران و مدیرعامل شرکت پتروپالایش تکران پارس، تامین خوراک را حلقه مفقوده صنعت نفت عنوان می‌کند و می‌گوید: ظرفیت تخصیص یافته میعانات به واحدهای بخش خصوصی ۱۰۰ هزار بشکه در روز است اما ظرفیت تحویل آن متأسفانه ۲۰ هزار بشکه است که یکی از دلایل آن هزینه حمل و تحویل بار است که ما حتی این هزینه را به عنوان هبه تقبل کردیم تا ظرفیت بیشتری دریافت کنیم که همین موضوع درگیر تصمیمات جزیره ای در وزارت نفت معطل مانده است و ما باید منتظر تصمیم‌گیری سه معاونت در وزارت نفت بمانیم تا خوراکی دریافت کنیم که تبدیل به ارزش افزوده شود. مشکل ما نبود یک برنامه مدون و مسئولیت‌پذیر در تخصیص خوراک به واحدهاست. درحالی‌که تامین خوراک به پایین دست اقدامی برای منافع ملی است. اگر تسریع در تامین خوراک به واحدها اتفاق بیفتد این آثار ماندگاری در فرایند کل اقتصاد از خود بر جای می‌گذارد. اگر ظرفیت تحویل خوراک به واحدهای پایین دست صنعت نفت بالا برود و خوراک به موقع برسد در آن صورت طرح‌های توسعه ای اتفاق می‌افتد. با یک بررسی میدانی در واحدهای پالایشی و پتروشیمی می‌توانید ببینید که طرح‌های توسعه ای به دلیل کمبود خوراک معطل مانده اند و این ریسک کمبود خوراک برای اجرا نکردن طرح‌ها وجود دارد. علی‌کرمی کارشناس حوزه انرژی تحلیل متفاوتی در این زمینه دارد و می‌گوید: دولت به لحاظ قانونی موظف به تامین خوراک

۱۴۰۰ به دلیل درخواست مینی ریفاینری‌ها برای عضویت در انجمن جهت پیگیری مشکلاتشان بویژه تامین خوراک، هیات مدیره انجمن، دستورالعملی را مطرح کرد تا بتوانیم این مینی ریفاینری‌ها را تحت عنوان عضو وابسته بپذیریم و کمکشان کنیم تا به خواسته‌شان برسند. در پیرو آن درخواست انجمن همچنان پیگیر این موضوع هست تا مشکلات این واحدها برطرف شود.

تنگستانی می‌گوید: ریفاینری‌ها به دلیل کمبود خوراک و نرسیدن خوراک مستمر نمی‌توانند از سرمایه‌گذاری که انجام داده‌اند بهره‌برداری کنند و ناچاراً مشکلاتشان را به انجمن مطرح کردند. در این راستا سال گذشته با پیگیری که انجمن به عمل آورده است، قانونی در جهت الزام به تامین خوراک در بودجه ۱۴۰۱ برای این مینی ریفاینری‌ها منظور گردید و به تصویب مجلس هم رسید. بر اساس بند ش تبصره یک قانون ۱۴۰۱ مجلس دولت را موظف کرده است تا خوراک پالایشگاه‌های کوچکی که خود مجوز آن را صادر کرده است به موقع تامین کند تا این واحدها بتوانند علاوه بر اشتغال پایدار، برای کل اقتصاد نیز منفعتی را در پی داشته باشند. با توجه به پیگیری و تصویب قانون بودجه ای که الزامی برای دولت به تامین خوراک پالایشی‌ها بوده، این انتظار وجود دارد که این قانون در بودجه سال‌های آینده هم تکرار شود و فقط به بودجه ۱۴۰۱ اکتفا نشود. اما نکته اساسی اجرا نشدن همین قانون بودجه ای است که به تصویب رسیده است. به عبارتی با همه تلاش‌های قانونی و الزامات مطرح شده برای تامین خوراک، همچنان این واحدهای پالایشی با کسری خوراک و نیمه فعال بودن مواجه هستند.

محمد مهدی دوستی مدیرعامل پالایش نفت آفتاب، از مجموعه‌های پالایشی کشور با ظرفیت بیش از ۲۰ هزار بشکه است. دوستی در گفتگو با ماهنامه "دنیای انرژی" در مورد چگونگی خرید و دریافت خوراک برای واحد پالایشی خود می‌گوید: در حال حاضر که با شما صحبت می‌کنم (اواخر اردیبهشت ماه ۱۴۰۱) واحد پالایشی ما به دلیل محدودیت خوراک دو هفته تعطیل بوده است و زمانی که خوراک کم باشد به تبع آن تولید و صادرات نیز کم می‌شود. بخش اعظم فعالیت تولیدی ما از کاندنسیت (میعانات گازی) است که بعضاً مجبوریم تا زمان رسیدن این خوراک، تولید را متوقف کنیم. معمولاً خوراک را برای ۲۰ روز جمع‌آوری و ذخیره می‌کنیم تا تولید مستمر داشته باشیم. اگر خوراک به موقع به ریفاینری‌ها و پالایشگاه‌های کوچک برسد شرایط مطلوبی در انتظار این واحدهاست.

یکی از دلایل کمبود خوراک مشکل انتقال این خوراک به واحدهای پالایشی مطرح شده است. تنگستانی در این زمینه می‌گوید: برخی از پالایشگاه‌هایی که مجوز نفت خام دارند این نفت باید از مبدا



واحدهای پالایشی و مینی پالایشی است اما شنیده ها بر این مبنا صحه می گذارد که دولت از فروش خوراک بویژه نفت و میعانات و فراورده به بازارهای بین المللی راغب تر است چون به منابع ارزی و مالی سریعتر دسترسی پیدا می کند و این دلیلی برای تاخیر در تحویل به موقع خوراک به واحدهاست. برخی از مینی ریفراینری ها با ظرفیت پایین تر، به دلیل نرسیدن به موقع خوراک کاملاً تعطیل شده اند و برخی با شرایط سربه سر و برخی نیز با زیان همچنان به کار خود ادامه می دهند و از اندوخته و دارایی هزینه می کنند.

دوستی مدیرعامل یک مجموعه بزرگ پالایشی به حمایت از بخش خصوصی به عنوان بازوی قدرتمند اقتصاد از یک سو و موضوع هدفمندی درست یارانه ها اشاره می کند و در مورد این دو موضوع اساسی می گوید: توسعه اقتصادی کشور با مزیت رقابتی تنها می تواند از مسیر بخش خصوصی میسر شود. این موضوع در قانون اساسی هم آمده و در گفتار سیاستمداران و اقتصاددانان ما نیز دنبال می شود. حوزه نفت و گاز یکی از مزیت

های اقتصادی برای کشور است که می تواند هزاران بیزینس پلن برای مشارکت بخش خصوصی اجرا و به موفقیت هم برساند. چون زیرساخت آن در کشور فراهم است؛ اما می بینیم به دلیل مشارکت اندک بخش خصوصی در اقتصاد ما این فرصت ها یک به یک از بین می رود. یکی دیگر از مشکلات موجود اختصاص یارانه انرژی است. یارانه هایی که به مصرف می رسد و از بین می روند. به عبارت واضح تر دلیلی ندارد ما برای قیمت گازوئیل، بنزین و دیگر سوخت ها ۹۹ درصد یارانه بدهیم که مثلاً در خودروهای ما سوخته و تمام شود اما برای رشد بخش خصوصی و واحدهای اقتصادی حاضر نباشیم یارانه تولید بدهیم تا این واحدها بزرگ شوند. یارانه هایی که می توانند به صورت سیاست حمایتی و محدودیتی طراحی و اجرا شوند. البته ایشان همچنین اشاره به لزوم حمایت دولت از قشر آسیب پذیر جامعه تاکید می کند و نحوه توزیع یارانه را مناسب نمی بیند.

در خصوص این ایده سیاست حمایتی و محدودیتی به عنوان طرحی موفق در چین یاد می کند و می گوید حدود ۱۲ سال

خریداری کرده و آن را به ارزش افزوده بالاتر تبدیل کنند. در دوره تحریم ها ایران توانست نفت خود را به همین "تی پات" ریفاینری ها بفروشد. تی پات به معنای قوری چای است؛ به این مفهوم که به اندازه درست کردن چای می توان خوراک را در پالایشگاهی کوچک تبدیل به ارزش افزوده کرد.

این مدیرعامل واحد پالایشی ایرانی تاکید می کند: دولت می تواند با تخصیص سهمیه خوراک و سیاست حمایتی و محدودیتی همچون کشور چین از مینی ریفاینری های ایرانی به گونه ای حمایت کند تا این واحدها بتوانند قطب توسعه و تکمیل کننده زنجیره تولید باشند و همه اینها مزیت اقتصادی و به نوعی توسعه بخش خصوصی در کشور است. قابل دسترس بودن منابع نفتی و خوراک از نعمات خدادادی کشور است و با وجود این منابع انتظار رشد و توسعه واحدهای پالایشی کوچک و بزرگ وجود دارد. کشوری مانند چین که فاقد منابع نفتی ارزشمند در مقایسه با ایران است اما با تدبیر و مدیریت کارآمد به جای حذف و یا ایجاد محدودیت و یا بسته شدن راه های توسعه توانسته است واحدهایی را ایجاد و از آن حمایت کند که منابع هیدروکربنی قابل دسترسی هم مانند ما ندارند.

اینکه مدیران دولتی، پالایشگاه های کوچک ما را محل بی رونقی می دانند این رونق می تواند در نتیجه سیاست گذاری و مدیریت مناسب به دست بیاید. اگر مشوق های تخصیص خوراک به جای محدودیت برای واحدها به کار برده شود و نظارت شود تا این واحدها به خوبی مراحل تولید و ایجاد ارزش افزوده را پشت سرگذارند قطعاً می تواند به رونق این واحدها بیانجامد و خط سیر توسعه حتی به سمت پالایشگاه و پتروپالایشگاهی برود. مثال واضح اینکه وقتی در بین مینی ریفاینری های ایران تعدادی توانسته اند با وجود همین محدودیت خوراک افزایش ظرفیت داده و به قطب صادرات تبدیل شوند و هم تراز پالایشگاه های اصلی محصولات خود را صادر کنند پس می توان با حمایت از واحدهای کوچک از سرمایه آن ها مسیر توسعه این بخش را فراهم کرد. اینکه از ابتدا بیاییم هزینه های چندین میلیارد دلاری را صرف احداث پالایشگاه های دولتی کنیم بیاییم با برنامه ریزی هدفمند از واحدهای بالقوه حمایت کنیم تا این واحدها را برای اهدافی بالاتر هدایت کنیم. زیرا این واحدهای خصوصی با سرمایه گذاری غیردولتی درصدد بزرگ شدن هستند مشروط بر اینکه دولت از آن ها حمایت کند. حمایت قانونی که لازمه آن تامین به موقع خوراک و رفع موانع تولید با هدف رشد و توسعه اقتصادی کشور باشد.

حوزه نفت و گاز یکی از مزیت های اقتصادی برای کشور است که می تواند هزاران بیزینس پلن برای مشارکت بخش خصوصی اجرا و به موفقیت هم برساند. چون زیرساخت آن در کشور فراهم است

پیش دولت چین توانست با سیاستی کارآمد از مینی ریفاینری خود اقتصادی بزرگ بسازد. در ابتدا به مینی ریفاینری ها سهمیه خوراک اختصاص داد تا این واحدها رشد کنند. سپس به برخی از آن ها مثلاً به واحدهای شیرین سازی گفت اگر این امکانات را ارتقا ندهند سهمیه آن ها کم می شود و واحد را مجبور می کرد تا این بخش را به خاطر سهمیه خوراک مناسب راه اندازی کند. بعد از مدتی اعلام کرد که اگر افزایش ظرفیت در این مجتمع ارتقا نیابد از سهمیه یارانه ای و حمایت های دولتی محروم می شوند. در واقع دولت چین با تشویق و ارائه خوراکی مناسب، انگیزه ای جهت ارتقا واحدهای تولیدی خود ایجاد کرد تا رفته رفته این سیاست "حمایتی و محدودیتی" باعث شد واحدهای مینی ریفاینری چینی بزرگ شوند. در واقع حمایت دولت چین و این شیوه سیاستگذاری آن ها را مجبور کرد پول بیشتری به دست آورده و آن منابع را صرف توسعه پالایشگاه خود کنند. به مرور تعداد این مینی ریفاینری ها زیاد شد و به دهها مجتمع رسید و موفق شدند به میزان یک میلیون بشکه نفت خام به ظرفیت پالایشی چین بیافزایند و بالاتر از ایالات متحده آمریکا قرار گیرند و در اصطلاح عامیانه این "تی پات ها" بودند که تغییر دهنده بازی در صنعت نفت چین هستند.

دوستی ادامه می دهد: مینی ریفاینری های چینی در بحث دور زدن تحریم ها نیز توانستند به راحتی نفت ایران را در احجام کمتر

خواسته فعالان اقتصادی برای حضور در بازارهای جهانی چیست؟

تجارت در کما!

فرشته فریدرس

دولتمردان و متولیان تجاری در سال‌های گذشته بارها اعلام کردند که بخش مهمی از نقشه تجاری را با محوریت کشورهای همسایه ترسیم کرده‌اند، اما آمارها حکایت از آن دارد که ایران جزو لیست اصلی تجاری کشورهای همسایه قرار ندارد. «محدودیت در صادرات نفتی و غیرنفتی، عدم دسترسی به سیستم بانکی و مالی بین‌المللی، مشکل در نقل و انتقال ارز و ...» از جمله عواملی است که در سایه تحریم‌ها باعث شده، مسیرهای زیادی برای تعامل اقتصادی بین ایران با جهان باقی نماند. حال این پرسش قابل طرح است که تجارت ایران به کدام سو می‌رود؟ تحلیلگران معتقدند، از سرگیری روابط چنانچه به‌صورت هوشمندانه پیش برود، می‌تواند فرصت خوبی برای ایران باشد. اما برای پاسخ به این پرسش که بعد از توافق اصولا روابط ما با جهان به چه سمتی می‌رود، باید چند نکته را مورد توجه قرار داد. اما به گفته فعالان اقتصادی، مهم‌ترین راس در مذاکرات و هسته اصلی برای نتیجه‌بخش بودن برجام، مساله گشایش سیستم مالی با دنیاست؛ توافقی که در مذاکرات قبلی حاصل نشد و لازم است به‌طور کلی حل شود؛ چرا که مساله انتقال پول از مجاری رسمی بانکی بین کشورها یکی از ارکان اصلی پیش‌برد پروژه‌هایی است که تعریف می‌شود. «رفع موانع بانکی، تسهیل تجارت، سرمایه‌گذاری در صادرات گاز کشور به اروپا، جلوگیری از فرار سرمایه در پساتحریم، کاهش تورم، ثبات نرخ ارز و مدیریت آن و ...» از دیگر مواردی است که دولت باید گام‌های لازم را در این زمینه بردارد.

«چراپی رکود تجارت با همسایگان»

منطقه خاورمیانه آستان مسائل مختلف سیاسی در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و دوجانبه بین‌کشورها است، از این رو، مولفه روابط سیاسی تاثیر زیادی بر روی روابط اقتصادی و مبادلات تجاری بین کشورهای منطقه با یکدیگر داشته است. نوساناتی که در روابط سیاسی کشورهای

منطقه از جمله ایران و بعضی از این کشورها اتفاق می‌افتد، خواه ناخواه بر روند مبادلات اقتصادی و تجاری تاثیر می‌گذارد؛ به‌عنوان نمونه روابط ایران و عربستان در حوزه اقتصادی متأثر از روابط سیاسی دو کشور در سال‌های گذشته دچار رکود بسیار شدید شده است؛ همچنین در برخی مواقع که روابط سیاسی با بعضی از کشورهای دیگر منطقه همچون «امارات، بحرین یا کویت» دچار تنش‌هایی شده، که متأسفانه بر روابط اقتصادی و تجاری دوجانبه نیز تاثیر گذاشته و فعالان اقتصادی و تجاری دو طرف نتوانسته‌اند از فرصت‌های اقتصادی و تجاری که به‌صورت دوجانبه بین ایران و این کشورها وجود دارد، در جهت رشد این مناسبات استفاده لازم را به‌عمل آورند. از سوی دیگر، ناامنی‌ها و تنش‌های داخلی سیاسی که در برخی از کشورهای همسایه یا منطقه مانند سوریه و یمن یا لبنان و افغانستان رخ می‌دهد، نمونه‌های دیگری از تاثیرگذاری مسائل سیاسی هر چند داخلی، بر روابط تجاری بین کشورهای منطقه محسوب می‌شود. همچنین از دیگر مسائل و مشکلات پیش روی مبادلات اقتصادی و تجاری بین ایران و کشورهای منطقه، «ضعف لجستیکی و سطح پایین خدمات بازرگانی» در میان بسیاری از کشورهای منطقه و از جمله همسایگان ایران است؛ بنابراین این مشکل، به‌رغم فاصله جغرافیایی کوتاه با کشورهای همسایه، مانع بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود برای توسعه روابط تجاری شده است. بنابراین از این منظر، مهم‌ترین راهکار بهبود ارتباط، تفکیک روابط اقتصادی و تجاری از روابط سیاسی بین کشورها است.

«نقطه ضعف تجارت تمان کجاست؟»

دیگر موانع برقراری مبادلات تجاری با همسایگان چیست؟ حسین سلاح ورزی نائب رئیس اتاق ایران در این باره به ما می‌گوید: ضعف ایران در تعریف روابط تجاری با قدرت‌های اقتصادی بزرگ سبب شده تا همسایگان نیز در چارچوب استراتژی اقتصادی خود، وزن و اهمیت چندانی برای گسترش همکاری‌های تجاری با ایران قائل نباشند و این موضوع را می‌توان به‌وضوح در اسناد برنامه توسعه اقتصادی کشورهای بزرگ و مهم منطقه، مشاهده کرد. او معتقد است که سیاست اولویت‌دادن به تجارت منطقه‌ای در برابر تجارت جهانی و حتی تلاش برای جایگزینی پیوندهای اقتصاد جهانی با پیوندهای تجاری منطقه‌ای، با روح تولید و تجارت عصر ما ناسازگار است و طبیعتاً حمایت و همراهی بازیگران اقتصادی بزرگ منطقه را نیز با خود نخواهد داشت. به گفته این فعال اقتصادی، همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای وقتی می‌توانند برای کشور ارزش‌آفرین و راهگشا باشند که در چارچوب یک نقشه بزرگ‌تر برای نقش‌آفرینی در زنجیره ارزش تولید و تجارت جهانی طراحی و اجرا شوند. در این میان، اما با توجه به مشکلاتی که در سال‌های گذشته به دلیل تحریم‌ها و برخی سیاستگذاری‌ها در روند تجارت کشور پیش آمده است، راهی جز توسعه صادرات غیرنفتی نداریم و باید تمرکز

گذاری های جدیدی در صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و ... اتفاق می افتد. این در حالی است که در شرایط تحریم، صاحبان سرمایه در ایران به دلیل تنگناهای موجود به دنبال خروج سرمایه هایشان از کشور هستند. به گفته او، شرایط به گونه ای است که سالانه چند هزار نیروی متخصص، توانمند و به عبارتی دیگر زن های برتر از ایران مهاجرت می کنند؛ این شوخی نیست. حسینی در بخش دیگری از صحبت های خود به روابط تجاری ایران با دیگر کشورها هم گریزی زد و گفت: عمده روابط تجاری ما هم اکنون با همسایگان و کشور چین است و با سایر کشورهای دنیا، یا مبادله تجاری و اقتصادی نداریم یا به صورت حداقلی است. او افزود: قبل از تحریم عمده شرکای اروپایی ما کشورهای چون «آلمان، ایتالیا، سوئیس و...» و همچنین «کره جنوبی و ژاپن» بودند، اما تحریم باعث شد این بازارها را هم از دست بدهیم. حال چنانچه مساله تحریم حل شود، مبادلات ایران با این کشورها در زمینه تکنولوژی، خدمات فنی مهندسی، دوباره برقرار خواهد شد. به عبارتی دیگر این کشورها از یکطرف کالاهای مورد نیاز ما را تامین خواهند کردند، در طرف دیگر ما میتوانیم به این کشورها صادرات داشته باشیم، اما در شرایط فعلی بخشی از تجارتان با چین و هند شکل گرفته و بیشتر نگاه به همسایگان است. البته تلاش دولتمردان بر این است که تجارتان را با روسیه و آسیای میانه گسترش دهند.

حسینی افزود: با توجه به اینکه روسیه در تحریم است و کشورهای آسیای میانه امکان استفاده سرزمینی از روسیه برای رساندن کالاهایشان به بازارهای جهانی را ندارند، گرایش جدی به سمت ایران دارند. به گفته او، کشورهای مثل «قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان ترکمنستان و حتی آذربایجان» به دنبال بهبود روابط اقتصادی با ایران برای تامین نیازهای خود هستند؛ به طوریکه تمایل دارند از ترانزیت ایران برای تامین کالاهایشان بهره ببرند. او با بیان اینکه جنگ روسیه اوکراین فرصت هایی را برای ایران فراهم کرده، ابراز امیدواری کرد که از این فرصت ها بهره برداری شود و البته با نگاه به اینکه این کشورها به دنبال روابط پایدار و مستمر با ایران باشند و تنها به دنبال تامین اهداف کوتاه خود از طریق ایران نباشند.

«پیش شرط ورود به تعاملات جهانی»

حال اگر ایران بخواهد به تعاملات بین المللی بازگردد، چه کاری باید انجام دهد؟ درگام نخست باید کشور آماده تطبیق با استانداردهای بهروز بین المللی بوده و برخی قوانین و مقررات داخلی متناسب با آن اصلاح شود. تصویب FATF در این میان یکی از مهم ترین استانداردهاست. از این رو، برای ایران ضروری است تا چنانچه تحریم ها برداشته شود، برای پذیرش استانداردهای بین المللی و اصلاح و به روزرسانی مقررات بانکی و مالی خود اقدام کند تا بتواند با ایجاد شفافیت جلب اعتماد کند و موارد ابهام را برای شرکای تجاری خود به حداقل برساند. مساله دیگری

سیاست اولویت دادن به تجارت منطقه ای در برابر تجارت جهانی و حتی تلاش برای جایگزینی پیوندهای اقتصاد جهانی با پیوندهای تجاری منطقه ای، با روح تولید و تجارت عصر ما ناسازگار است و طبیعتاً حمایت و همراهی بازیگران اقتصادی بزرگ منطقه را نیز با خود نخواهد داشت

خود را بر توسعه مناسبات با کشورهای همسایه و منطقه بگذاریم. از طرفی، باید این موضوع را نیز باید نظر داشت که آنچه به کاهش ارزش پول ملی ایران منجر شده وابستگی صرف به درآمدهای نفتی است. در صورتیکه ایران بتواند میزان صادرات غیرنفتی اش را افزایش دهد، ارزش پول ملی خود را نیز حفظ خواهد کرد. اما سیاستگذاران کشور در سال های گذشته، همواره ساده ترین راه حل مشکل درآمدی کشور را که فروش نفت و مواد خام است؛ دنبال کرده و به دیگر امور توجه زیادی نداشته اند. این در حالی است که باید از دیگر ظرفیت ها و قابلیت های کشور بهره گرفت. ایران در سال های اخیر، کمترین تعامل اقتصادی منطقه ای را داشته و از مزایای آن محروم مانده است.

«تجارت با برجام و بدون برجام»

در همین راستا، سید حمید حسینی، رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی، در گفت و گو با ما به تحلیل تجارت خارجی کشور با برجام و بدون برجام پرداخت. او در ابتدای صحبت هایش با بیان اینکه ما یکدوره برجام را تجربه کردیم که روی بازارهای نفتی، فرآورده های نفتی، گاز، پتروشیمی اثرگذار بود، گفت: این درحالی است که کشور به شدت به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت وابسته است، حال مادامی که این منابع ارزی در دسترس قرار بگیرد یا منابع ارزی ایران آزاد شود، ایران می تواند برای تامین نیازهای خود بدون سخت گیری برای واردات مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات اقدام کند. به گفته حسینی، گردش مالی کشور در شرایط بدون تحریم ۲۵۰ میلیارد دلار بوده، اما در شرایط کنونی به ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیارد دلار آن هم با فروش نفت کاهش یافته است. تحریم ها باعث شده که صادرات و واردات کشور تقریباً نصف شود، این در حالی است که اگر برجام احیا شود، تجارت خارجی کشور دوباره رونق می گیرد. بنابه توضیحات او، یکی از مزیت های اولیه برجام این است که صنعت گردشگری، توریسم درمانی و ... فعال خواهد شد. در مرحله بعد سرمایه

که در صورت حصول توافق می‌تواند برای ما مفید باشد، افزایش درآمد حاصل از فروش بیشتر نفت است. در صورتیکه میزان صادرات نفت ایران به حالت پیش از تحریم‌ها بازگردد، کشورهایی مثل «چین، هند، کره جنوبی، ترکیه و...» منتفع خواهند شد؛ چرا که با بازگشت دوباره ایران به بازار جهانی فروش نفت، رقابت افزایش می‌یابد و کشورهای واردکننده می‌توانند با شرایط بهتری به نفت خام دست یابند. البته کشورهای تولیدکننده نفت مسلماً از این موضوع خوشحال نخواهند شد. موضوع مهم دیگر، به گفته فعالان اقتصادی، سرمایه‌گذاری در صادرات گاز کشور به اروپاست؛ موضوع بسیار مهمی که متأسفانه دولت از آن غافل شده، در حالیکه ایران دارنده دومین ذخایر گازی دنیاست و می‌تواند از منافع ناشی از صادرات گاز درآمد زیادی داشته باشد و این مهم کمک موثری به رشد اقتصادی کشور و بهبود شرایط اقتصادی است. مسأله ای دیگری که مورد توافق بسیاری از فعالان اقتصادی است، اینکه رفع موانع بانکی یکی از مهم‌ترین دستاوردهایی است که عبور از تحریم‌ها می‌تواند برای کشور به همراه داشته باشد. موضوعی که سال‌هاست چالش اصلی بخش خصوصی برای تجارت تبدیل شده و آسیب‌های جدی به صادرات و واردات کشور وارد کرده است. انتظاری که بخش خصوصی در این راستا از دولت دارد این است که با پیوستن به «اف‌ای‌تی‌اف» مبادلات بانکی بین‌المللی را با بانک‌های ایرانی تسهیل کند. بنابراین در زمانیکه تحریم رفع می‌شود، دولت نیز باید در راستای تسهیل مقررات داخلی و صادرات و به ویژه موضوع دستورالعمل‌ها اقداماتی جدی را انجام دهد. «تدوین برنامه مدون توسعه صادرات» مبتنی بر واقعیت و مزیت‌های صادراتی و به دور از خیال‌پردازی از دیگر خواسته‌های بدنه بخش خصوصی است. در راستای برنامه توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورهای دیگر،

«ایجاد مراکز تجاری، اعزام رایزنان اقتصادی حرفه‌ای و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی سفارتخانه‌ها، پیگیری ایجاد تعرفه‌های ترجیحی بین ایران و سایر کشورها» از دیگر ظرفیت‌هاست که باید مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. اما آنچه در این میان واضح است در صورت رفع تحریم‌ها، افزایش صادرات برای کشور رقم خواهد خورد؛ اما نکته مهم این است که صادرات از طریق تولیدات موجود تقویت شود و یا اینکه تولید صادرات محور افزایش یابد؟ افزایش تولید صادرات محور می‌تواند به این شکل باشد که تولید کنندگان با تکیه بر درآمدهای صادراتی میل به افزایش سطح کیفی محصولات خود پیدا کنند و به عبارتی تولیدات خود را در راستای صادرات و کسب بازارهای بین‌المللی شکل دهند؛ این موضوع علاوه بر افزایش توان رقابتی شرکت‌ها و رضایتمندی مشتریان داخلی می‌تواند درآمدهای ارزی کشور را به صورت جدی با رشد همراه سازد.

از این رو، دولت می‌تواند با در نظر گرفتن سیاست‌های تشویقی، تولید کنندگان را به سمت تولید صادرات محور سوق دهد و این سیاست‌های تشویقی نیز می‌تواند با تکیه بر سیاست‌های کاهش دهنده هزینه صادرات محقق شود. تشویق‌هایی از قبیل تسهیلات بانکی برای صادرکنندگان، کاهش عوارض گمرکی صادرات، جایزه‌های صادراتی و... بدون شک باید در سیاست‌های توسعه‌ای کشور پس از رفع تحریم‌ها شکلی جدی‌تر به خود بگیرند.

«تجارت دوازده میلیارد دلاری با همسایگان»

در این بخش از گزارش، روند تجارت با همسایگان در سه ماه اول سال ۱۴۰۱ را با هم مرور می‌کنیم. براساس آمارهای گمرک، در فصل بهار امسال تجارت غیر نفتی کشور با پانزده کشور همسایه به دوازده



درصدی در وزن و رشد ۲۰ درصدی در ارزش همراه بوده است. پنج مقصد کالاهای صادراتی ایران به همسایگان به ترتیب «عراق» با خرید یک میلیارد و ۸۲۴ میلیون دلار و کاهش ۲۲ درصدی، «ترکیه» با یک میلیارد و ۷۳۷ میلیون دلار و رشد ۱۹۲ درصدی، «امارات» با یک میلیارد و ۶۴۵ میلیون دلار و رشد ۲۹ درصدی، «افغانستان» با ۳۶۷ میلیون دلار و کاهش ۳۵ درصدی و «عمان» با ۳۳۱ میلیون دلار و رشد ۱۶۸ درصدی بودند. سایر مقاصد صادراتی بعد از «عمان» نیز به ترتیب، کشورهای «پاکستان» با خرید ۲۷۹ میلیون دلار با رشد ۱۳ درصدی، «آذربایجان» با ۱۶۱ میلیون دلار و رشد ۸۷ درصدی، «روسیه» با ۱۱۵ میلیون دلار و کاهش ۱۵ درصدی، «ترکمنستان» با ۹۵ میلیون دلار و رشد ۳۸ درصدی، «ارمنستان» با ۷۴ میلیون دلار و رشد ۲۱ درصدی، «کویت» با ۴۵ میلیون دلار و رشد ۳۷ درصدی، «قزاقستان» با ۳۴ میلیون دلار و کاهش ۱۲ درصدی، «قطر» با ۲۸ میلیون دلار و کاهش ۱۷ درصدی، «بحرین» با دو میلیون دلار و رشد ۲۲ درصدی و «عربستان» با سه هزار و ۷۳۱ دلار و کاهش ۶۹ درصدی، قرار دارند.

از سوی دیگر آمارها حکایت از این دارد که در فصل بهار امسال هشت میلیون و ۱۵۴ هزار تن کالا به ارزش ۱۲ میلیارد و ۴۶۴ میلیون دلار کل کالاهای وارده به کشور بوده که بیش از چهار میلیون و ۴۳۳ هزار تن کالا به ارزش پنج میلیارد و ۶۲۷ میلیون و ۲۳۴ هزار و ۷۷۸ دلار آن از ۱۵ کشور همسایه بوده که ۵۴ درصد وزن و ۴۵ درصد کل واردات کشور را به خود اختصاص داده است. واردات فصل بهار کشور از همسایگان، با رشد بیش از یک درصدی در وزن و ۱۵ درصدی در ارزش همراه بوده است. پنج شریک اول تامین کالاهای مورد نیاز کشور از بین همسایگان، «امارات» با فروش سه میلیارد و ۴۲۶ میلیون دلار و رشد ۶ درصدی، «ترکیه» با یک میلیارد و ۲۷۳ میلیون دلار و رشد ۲۲ درصدی، «روسیه» با ۳۹۴ میلیون دلار و رشد ۲۲ درصدی، «پاکستان» با ۱۹۶ میلیون دلار و رشد ۲۰۸ درصدی و «عمان» با ۱۹۴ میلیون دلار و رشد ۹۲ درصدی، به ترتیب در رتبه اول تا پنجم فروش کالا به ایران در بین همسایگان در سه ماهه نخست امسال بودند.

همچنین مطابق آمارهای گمرک، «قزاقستان» با فروش ۶۶ میلیون دلار و رشد ۲۷۷ درصدی، «عراق» با ۴۱ میلیون دلار و کاهش ۴۱ درصدی، «قطر» با ۱۳ میلیون دلار و رشد ۲۶۱ درصدی، «آذربایجان» با ۸۳ میلیون دلار و رشد ۷۶ درصدی، «ترکمنستان» با ۸۱ میلیون دلار و کاهش ۱۳ درصدی، «افغانستان» با چهار میلیون دلار و رشد ۸۱ درصدی، «ارمنستان» با دو میلیون دلار و کاهش ۳۸ درصدی، «کویت» با ۱۰۷ میلیون دلار و کاهش ۱۷ درصدی و «بحرین» با ۴۳۳ هزار دلار و رشد ۲ درصدی در رتبه های ۶ تا ۱۵ تامین کالاهای مورد نیاز کشور در فصل بهار در بین همسایگان ایران قرار دارند.

دولت نیز باید در راستای تسهیل مقررات داخلی و صادرات و به ویژه موضوع دستورالعمل ها اقداماتی جدی را انجام دهد. «تدوین برنامه مدون توسعه صادرات» مبتنی بر واقعیت و مزیت های صادراتی و به دور از خیال پردازی از دیگر خواسته های بدنه بخش خصوصی است. در راستای برنامه توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورهای دیگر

میلیارد و سیصد و شصت و چهار میلیون دلار رسید که نسبت به بهار سال قبل با رشد هجده درصدی همراه بوده است. مطابق آمارها تا پایان خردادماه، بیش از ۲۰ میلیون و ۹۷۳ هزار و ۸۴۰ تن کالا، به ارزش ۱۲ میلیارد و ۳۶۳ میلیون و ۸۶۲ هزار و ۸۱ دلار با کشورهای همسایه تبادل شد که نسبت به بهار سال ۱۴۰۰ با رشد ۱۸ درصدی همراه بوده است. ارزیابی ها نشان می دهد، تجارت غیر نفتی فصل بهار با همسایگان، ۵۹ درصد وزن و ۴۹ درصد ارزش کل کالاهای تجاری ایران (واردات و صادرات) را به خود اختصاص داده است. بنابر آمارهای منتشر شده، از کل صادرات ۲۷ میلیون و ۶۶۴ هزار تنی ایران در فصل بهار، به ارزش ۱۳ میلیارد و ۶۹ میلیون دلار، ۱۶ میلیون و ۵۰ هزار تن کالا به ارزش ۶ میلیارد و ۷۳۶ میلیون و ۶۲۷ هزار و ۳۰۳ دلار به کشورهای همسایه صادر شده که ۶۰ درصد وزن و ۵۱ درصد ارزش کل صادرات ایران سهم همسایگان بوده، که نسبت به مدت مشابه با کاهش ۱۰





ما می‌دانیم کجا باید برویم، حالا فقط باید به آنجا برسیم

چرا نمی‌توانیم دست از نفت بکشیم؟

جاستین ورنلند | هفته‌نامه تایم ترجمه: فاطمه لطفی

سرمایه متمرکز بودند: بر راه‌هایی که شرکت‌ها می‌توانند درآمدهای سرمایه‌گذاران را به آنها برسانند.

سال‌ها بود که فعالین محیط زیست و سیاستمداران صنایع را به خاطر تلاششان در جهت انکار علوم تغییرات اقلیم و تاخیر در شناسایی آن سرزنش می‌کردند. اما آنچه که واقعا این صنعت را- مانند هر صنعت بزرگ دیگری- به این سمت سوق دارد مسائل مالی بود. در سال‌هایی که شیوع بیماری کووید ۱۹ جولان می‌داد، در شاخص اس‌اند‌پی ۵۰۰، بخش انرژی بدترین عملکرد را داشت، واقعیتی که به آرامی اما با اطمینان رهبران این بخش را به تردید در نحوه مدل تجاری خود واداشت. حالا با بازیابی دوباره صنعت نفت و گاز، نیروی محرک پیچیده‌ای به وجود آمده تا این صنعت را به سمت واقعیت‌های تغییرات اقلیم سوق دهد. پول حرف اول را می‌زند و همین حالا هم پول زیادی وجود دارد که می‌توان از این صنعت استخراج کرد آن هم با فروش نفت و گاز. بخش انرژی در روند کاملاً عکس دو سال گذشته، بهترین عملکرد خود را نشان داده و تنها صنعت در شاخص اس‌اند‌پی ۵۰۰ است که امسال ارزش آن بالا رفته است.

این سودآوری بازیافته همان هشداری است که بسیاری نگرانی خود را درباره علوم تغییرات اقلیم اعلام کرده‌اند. در سال ۲۰۲۱ گزارشی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) منتشر شد که مسیر جهانی برای رسیدن به اهداف توافق پاریس را ترسیم می‌کرد، توافقی

در پایا سه ماهه اول سال ۲۰۲۱، وقتی مدیران اجرایی سه غول نفت و گاز آمریکایی حساب‌و‌کتاب شرکتشان را ارائه کردند، سرمایه‌گذاران آنها را غرق در سوالاتی کردند، درباره اینکه برای تغییرات اقلیم چه خواهند کرد. پیشتر بازارها هم سوخت‌های فسیلی را به عنوان انرژی‌های قدیمی کثیف شناخته بود و بعد از اینکه قیمت‌ها در سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع بیماری کرونا به شدت کاهش یافت، سرمایه‌گذاران می‌خواستند بدانند که این غول‌های نفتی چه می‌خواهند انجام دهند. آنها از این شرکت‌ها می‌پرسیدند که آیا جذب و ذخیره‌سازی کربن می‌تواند موتور محرک رشد درآمدها باشد و چشم‌انداز سیاست‌های اقلیمی در نگاه این شرکت‌ها چگونه است. دارن وودز، مدیر اجرایی اکسون موبیل، پاسخ داد: «ما متعهد شده‌ایم محصولات تولید کنیم که به مصرف‌کنندگان کمک کند میزان انتشارات خود را کاهش دهند. در سراسر دنیا ما به اقتصادها کمک می‌کنیم تا کربن‌زدایی شوند».

امسال اما این صحبت‌ها چیزی متفاوت هستند. نفت و گاز حالا و بعد از حمله روسیه به اوکراین تبدیل به کمودیتی‌هایی گران‌بها شده‌اند و در سه ماهه اول سال ۲۰۲۲، همین سرمایه‌گذاران از مدیران اجرایی غول‌های نفت و گاز خواسته‌اند تا درآمدها را افزایش دهند. وقتی سرمایه‌گذاران باز هم مدیران اجرایی را سوال‌باران می‌کردند، دیگر مسائل مربوط به تغییرات اقلیم کمتر در میان این سوالات به چشم می‌خورد. در عوض، سرمایه‌گذاران بر سود سهام و بازگشت

شدن زمین دهه‌ها تلاش این شرکت‌ها برای مخفی سازی اسناد، آشکار شد. دانشمندان ساکتند و گروه‌های پول‌سیاه در سایه برای شکل‌دهی به گفت‌و شنید عمومی فعال. مسئله اصلی پول بود. ال گور، معاون اسبق رئیس جمهور، که برای فعالیت‌های اقلیمی خود جایزه نوبل دریافت کرد، گفته بود «تصورش سخت است که سرنوشت بشر به خاطر پول به خطر می‌افتد».

تلاش‌ها به نتیجه رسید. کابینه‌های رئیس‌جمهوران متعهد شدند تا سیاست‌ها اقلیمی را به تصویب برسانند، به خصوص در زمان بیل کلینتون و باراک اوباما این تعهدات بیشتر شد، و آنها در حالی به تلاش‌های خود ادامه می‌دادند که لابی‌های این صنعت به دنبال دلسرد کردن حامیان بودند. در کابینه‌های جمهوری خواهان، صنعت سوخت‌های فسیلی محبوبیت داشتند و مدیران اجرایی سابق این صنعت پست‌های کلیدی را صاحب می‌شدند و در دولت تصمیمات سیاسی می‌گرفتند. حتی جو بایدن، که در رقابت‌های انتخاباتی خود قول داده بود در فعالیت‌های اقلیمی پیش‌روترین رئیس‌جمهور باشد، طوری سیاست‌های خود را تنظیم کرد که به سوی تشویق تولید انرژی پاک قدم بردارد نه تنبیه آنهایی که سوخت‌های فسیلی تولید می‌کنند.

فعالین محیط زیست اغلب انکار علوم تغییرات اقلیم و تاخیر در اقدامات را به عنوان جنایت اخلاقی ترسیم می‌کنند. کریستین آرنا، معاون اسبق در ادلمان، که کار در این شرکت را در اعتراض به همکاری شرکت با گروه‌های تجارت نفت و گاز در «طلای سیاه» ترک کرد می‌گوید: «از نقطه نظر انسانی، این بدترین گناهی است که من می‌توانم تصورش را بکنم». عجیب نیست که رهبران این صنایع از این دیدگاه به آن نگاه نمی‌کنند. من در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۹، با مدیر اجرایی غول نفت و گاز شل، بن وان بُردن، از کمپین‌هایی پرسیدم که شرکت او را متهم می‌کنند که سال‌ها از اثرات تغییرات اقلیم آگاهی داشتند اما کاری در این خصوص انجام ندادند. وان بردن تصدیق کرد که «بله ما می‌دانستیم» و اضافه کرد «همه می‌دانستند». او مدعی شد که شرکت شل از همان موقع علوم تغییرات اقلیم را قبول داشته اما جامعه کاری در این جهت انجام نداده است. به بیان دیگر، نباید شل را مقصر دانست؛ در یک اقتصاد بازار آزاد، نقش یک شرکت کسب درآمد است و با این زمینه، شرکت همان کاری را کرده است که از آن انتظار می‌رود.

در واقع، وقتی قیمت نفت کاهش یافت و در نیمه‌های دهه ۲۰۱۰ درآمدها افت کرد- آن هم به مدد گسترش فرکینگ و حفاری افقی- به ناگهان این صنعت در برابر تغییرات آسیب‌پذیر شد. معترضین در مقابل مقر شرکت به حالت اجساد مردگان روی زمین دراز می‌کشیدند. فعالین اقلیمی گزارش‌هایی از دهه‌ها انکار اقلیمی این شرکت‌ها تهیه می‌کردند تا بتوانند اعتراضی اخلاقی به آن بیابند. در همان زمان دانشجویان کالج‌ها از دانشگاه‌های خود می‌خواستند که سوخت‌های فسیلی را کنار گذارند، اندکی هم پیروزی به دست

که به دنبال این است که افزایش دمای جهانی را نسبت به سطح پیش‌صنعتی در کمتر از ۲ درجه سانتی‌گراد نگه دارد. برای رسیدن به این هدف رهبران بخش‌های عمومی و خصوصی باید تریلیون‌ها دلار در انرژی‌های پاک تزریق کنند، در عین حال سرمایه‌گذاری بر سوخت‌های فسیلی را نیز کاهش دهند. تولید نفت باید تا سال ۲۰۵۰ تا ۷۵ درصد کاهش یابد؛ برای رسیدن به چنین هدفی، دنیا باید پیش از این سرمایه‌گذاری در سوخت‌های فسیلی جدید، یعنی سایت‌های تولید سوخت را کاهش می‌داد. فاتح بیرویل، مدیر آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید «این دانشمندان هستند که به ما می‌گویند اگر می‌خواهیم دنیایی داشته باشیم که هنوز هم قابل سکونت باشد، انتشارات مان باید تا سال ۲۰۵۰ به صفر خالص برسد. اگر این اقدامات اجرایی شوند، تقاضا برای نفت هم کاهش خواهد یافت».

این ضرورت دوگانه- تغییر سودآوری سالم در هسته تولید و ضرورت کربن‌زدایی اقتصاد جهانی- فعالین محیط زیست در سراسر دنیا را برآن داشته تا سؤالاتی مشابه مطرح کنند: چطور خواهیم توانست به سلطنت نفت و گاز پایان دهیم؟ به بیان دیگر: در یک سیستم بازار آزاد که سودآوری حرف اول را می‌زند، چطور می‌توان محصولی را کنار گذاشت که سودآور است؟

دهه‌ها پیش قبل از اینکه تغییرات اقلیم بر سر زبان‌ها بیفتد، شرکت‌های نفتی علمی را مطالعه می‌کردند که می‌گفت احتراق سوخت‌های فسیلی می‌تواند زمین را گرم کند و به این نتیجه رسیدند که تا دهه ۱۹۷۰ موشکافی در تغییرات اقلیم می‌تواند هسته مرکزی تجارت آنها را تهدید کند. آنها برای اینکه از سود خود حفاظت کنند این شواهد و مدارک را پنهان کردند و شرکت‌ها روابط عمومی‌هایی ایجاد کردند تا بذر شک و تردید را در قانون‌گذاری‌ها و ایجاد موانع برای آنها، بکارند. تایم در گزارش «طلای سیاه» مستندات جدیدی دارد از تاریخ انکارهای اکسون موبیل درباره تغییرات اقلیم، با گرم

دهه‌ها پیش قبل از اینکه تغییرات اقلیم بر سر زبان‌ها بیفتد، شرکت‌های نفتی علمی را مطالعه می‌کردند که می‌گفت احتراق سوخت‌های فسیلی می‌تواند زمین را گرم کند و به این نتیجه رسیدند که تا دهه ۱۹۷۰ موشکافی در تغییرات اقلیم می‌تواند هسته مرکزی تجارت آنها را تهدید کند. آنها برای اینکه از سود خود حفاظت کنند این شواهد و مدارک را پنهان کردند

می‌آورند و تلاش می‌کردند تا توجه مردم را به سمت مخالفت با صنایع نفت و گاز جلب کنند.

این تلاش‌ها مانع از آن شد که این شرکت‌ها حامیان جدید بیابند و واقعا در برابر قانون‌گذاری‌های جدید آسیب‌پذیر شدند. البته به غیر از تغییر لحن سرمایه‌گذاران چیزی در تمایل این صنعت در راهی که می‌رود تغییر نکرد. تا ۲۰۲۰، بر اساس گزارش مجمع سرمایه‌گذاری پایدار و مسئولیت‌پذیر، چیزی حدود ۱۷ تریلیون دلار سرمایه به سمت سرمایه‌گذاری‌های موسوم به ESG- محیط زیستی، اجتماعی و حکمرانی- سرازیر شده و مدیران این شرکت‌ها فشاری روی خود احساس کردند تا روایتی مثبت‌تر از رویکرد شرکت‌هایشان درباره اقلیم ارائه کنند. برین توماس، مدیر اجرایی پرودنشال پرایویت کپیتال، در کنفرانس صنعتی در ماه مارس گفته بود «در دنیای پول، همه با زانوان خم شده زندگی می‌کنند. صنعت شکل و شمایل رفتار خود را بر اساس نگرانی‌های سرمایه‌گذاران تغییر می‌دهد، چه درست باشد چه غلط».

علی‌رغم نگرانی‌های اقلیمی، سرمایه‌گذاران نگران تامین مالی نگران کننده صنایع نفت و گاز بودند، این صنعت در کسب پول درچار رکود شده بود و نیاز داشت به خودش بیاورد. تام سانزیلو، مدیر اجرایی موسسه تحلیل‌های اقتصادی و مالی انرژی، آن زمان به من گفته بود که «مدل اساسی تکه تکه شده است. این صنعتی است که در آخرین مراحل حیات خود است».

شرکت‌های سوخت‌های فسیلی در حال انجام تغییراتی هستند؛ رویکرد آنها البته از شرکتی به شرکت دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت دارد، اما به طور کلی رویکردی تکه تکه و ناکافی است. در اکتبر سال ۲۰۲۱، اعضای کمیته نظارت کنگره از متخصصان چند شرکت بزرگ نفت و گاز در دنیا خواست تا برنامه‌های خود را برای شناسایی تغییرات اقلیم ارائه کنند. وودز از اکسون موبیل از سرمایه‌گذاری شرکت در گاز طبیعی به عنوان ابزاری برای کاهش انتشارات نام برد. مدیر اجرایی شورون گفت که این شرکت در تلاش است تا کربن کمتری از عملیات‌های خود منتشر کند.

به طور خلاصه، مقیاس تغییرات در این صنعت با دانش مربوط به تغییرات اقلیم هم‌خوانی ندارد. مایک سامرس، مدیر انجمن آمریکایی نفت، در ژانویه ۲۰۲۲ این رویکردها را به طور خلاصه اشاره کرده است. او درحالی که بیانیه‌ای روشن ارائه می‌داد که این صنعت باید کاری برای تغییرات اقلیم انجام دهد اما به وضوح گفت که نمی‌توان به عمد این صنعت را کوچک کرد. «ما کاهش تولید داخلی را رد می‌کنیم. تلاش ما در جهت اضافه کردن است نه کم کردن».

فعلا به نظر می‌رسد حمله روسیه به اوکراین فرصتی برای صنعت انرژی به وجود آورده است تا به تغییر بیندیشد. به دنبال اولین حمله‌ها، طرفداران انرژی‌های پاک حدس می‌زدند که این زمان بهترین فرصت برای ایجاد تغییر در سیاست‌گذاران است برای کم کردن از استفاده از سوخت‌های فسیلی. به هر حال این صنعت نفت

و گاز بود که هزینه حمله ولادیمیر پوتین به اوکراین را داده و مردم سراسر دنیا را در مقابل پیامدهای اقتصادی قیمت‌های بالای سوخت آسیب‌پذیر گذاشته است. کمیسیون اروپا، بدنه تخصصی اتحادیه اروپا، به سرعت برنامه‌ای برای رهایی از سلطه گاز روسیه ارائه کرد، برنامه‌ای که به طور مشخص بر افزایش تولید انرژی‌های پاک تکیه دارد. اما در دیگر سوی اقیانوس اطلس، تصویر سیاسی ترسیم شده چندان امیدبخش نیست. جمهوری‌خواهان مخالف قوانین اقلیمی هستند و افزایش قیمت سوخت را دستاویزی قرار داده‌اند برای مقصر جلوه دادن ابتکار اقلیمی کابینه بایدن. و دولت برنامه اقلیمی خود را جمع و جورتر کرده، با درخواست از تولید کنندگان نفت و گاز برای افزایش تولید در کوتاه مدت، این برنامه را تغییر داده است.

صنایع نفت و گاز هنوز هم بدون وجود سیاست دولتی که به عنوان پیشران عمل کند می‌تواند از فرصت به وجود آمده برای در پیش گرفتن روندی متفاوت استفاده کند. همانطور که قیمت بالا می‌رود، شرکت‌ها جریان نامحدود پول دریافت می‌کنند که می‌توانند در راه درست ابتکارات سبز از آن بهره ببرند. اما این شرکت‌ها این پول را برای پرداخت سود بیشتر به سهامداران استفاده می‌کند و یا سهام می‌خرند، در نتیجه قیمت‌ها بالاتر هم می‌برند. در سه ماهه اول سال ۲۰۲۲ اکسون موبیل ۵.۵ میلیارد دلار به دست آورد، این شرکت برنامه‌ریزی کرده بود تا این پول را برای خرید مجدد سهام تا سال ۲۰۲۳ خرج کند. شورون بیش از ۶ میلیارد دلار به دست آورده که ۱ میلیارد دلار آن صرف خرید مجدد سهام می‌شود. شل هم ۹.۱ میلیارد دلار دارد که ۸.۵ میلیارد دلار آن صرف بازخرید سهام می‌شود.

این حرکت فعالین محیط زیست، طرفداران این بخش و سیاست‌گذاران را وا داشته تا دوباره در این خصوص بیندیشند. به همان اندازه که مصرف کنندگان پول بیشتری در این صنعت می‌پردازند، انتقادات از کم‌کاری اقلیمی شرکت‌ها دیگر آن طنین گذشته را ندارد. اخیرا نظرسنجی سی‌بی‌اس نیوز نشان داد که عمده آمریکایی‌ها درباره تغییرات اقلیم نگران هستند، اما در فهرست اولویت‌هایشان این نگرانی در رده‌های اول قرار ندارد. قیمت بنزین شاخصه اصلی نگاه‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکاست. و طرفداران محیط زیست توجه خود را جلب کرده‌اند به سود بسیار بالایی که شرکت‌های انرژی کسب کرده‌اند. این شرکت‌ها باید قیمت محصولات خود را کاهش دهند، یا اینکه با طوفان مالیات روبه‌رو شوند که پول را از صندوق آنها بیرون خواهد کشید و به مالیات دهندگان بازپس خواهد داد. روخانا، نماینده دموکرات کالیفرنیا می‌گوید «ما به روایتی تهاجمی نیاز داریم، ما تنها می‌گوییم پوتین مقصر است و آنها می‌گویند بایدن مقصر است. این کافی نیست. ما باید بگوییم که غول‌های نفتی مقصر هستند».

دنیای انرژی

اتحادیه صادرکنندگان فراورده های نفتی، گاز و پتروشیمی ایران



• با ماهنامه دنیای انرژی دید می شوید!

• جدیدترین اخبار، رویدادها و تحلیل های انرژی

• جهت دانلود نسخه الکترونیکی به سایت OPEX.IR مراجعه فرمائید

• جهت سفارش آگهی و اشتراک مجله با روابط عمومی تماس بگیرید

OPEX.IR





گرما، امید و هیدروژن

فاطمه لطفی - ترجمه از اکونومیست

با هیدروژن حاصل از سوخت‌های فسیلی از نظر هزینه قابل رقابت خواهد بود حتی اگر هیدروژن حاصل از سوخت‌های فسیلی بدون سیستم‌های جذب و ذخیره‌سازی کربن تولید شود.

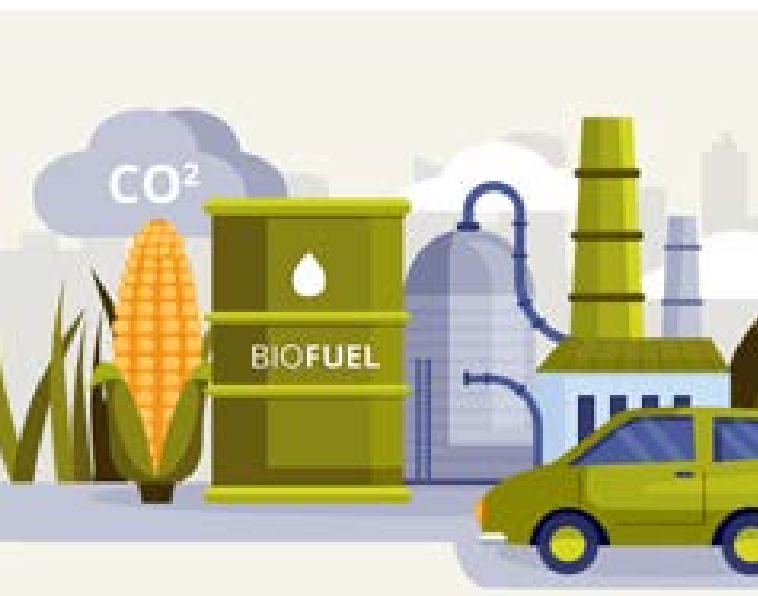
و این روند ادامه دارد. وینود خوسلا، یک فعال اقتصادی که علاقه طولانی‌مدتی هم به کار درباره تغییرات اقلیم دارد، پیش‌بینی می‌کند تجدیدپذیرهای ارزان، به تولید هیدروژن ارزان ختم خواهد شد که خود باعث خواهد شد بازار این سوخت پاک شکوفا شود. او می‌گوید «اگر این روند آغاز شود، تا سال ۲۰۴۰ نیاز ما به برق تا صدها درصد از میزان پیش‌بینی‌های فعلی‌مان بیشتر خواهد شد، و همین امر انرژی خورشیدی را ارزان هم خواهد کرد». البته چنین هیدروژنی به معنی جایگزین نظیر به نظیر گاز طبیعی در تمامی کاربردهای آن نخواهد بود. در توربین‌های بادماهی بالا این روند منطقی است. در بویلرهای شهری امانه. تبدیل یک بویلر گاز سوز به هیدروژن‌سوز از خیلی جهات عالی است و کمتر مخرب خواهد بود. اما استفاده از برق برای تولید کافی هیدروژن برای احتراق در یک بویلر، بسیار کم‌بهره‌تر از استفاده از آن در روشن کردن یک لامپ حرارتی است. پمپ‌های حرارتی برقی همان دستگاه‌های تهویه مطبوع هوا هستند که به‌صورت معکوس کار می‌کنند. انرژی که این دستگاه‌ها استفاده می‌کنند چیزی را به صورت مستقیم گرم نمی‌کند. در عوض، گرما را از جایی به جایی دیگر انتقال می‌دهند و گرمای در حال حرکت می‌تواند از تولید آن بسیار کارآمدتر عمل کند. یک پمپ حرارتی که خانه‌ای را گرم می‌کند از حرارت زمین زیر آن استفاده می‌کند و قادر است ۴۰۰ وات حرارت از ۱۰۰ وات برق مصرفی تولید کند.

بازسازی منازل برای تجهیز آنها به پمپ حرارتی می‌تواند هزینه‌بر و سخت باشد و نیازمند نیروی کاری است که در این مقیاس احتمالاً در دسترس نخواهد بود. اما باز هم معقول‌تر از احتراق هیدروژن به نظر می‌رسد، فرایندی که معمولاً انرژی کمتری نسبت به فرایند تولید هیدروژن نیاز

استفاده از برق برای انجام کارهایی که این روزها با سوخت‌های فسیلی انجام می‌شود به این معنی است که نیازمند تولید بیشتر برق هستیم. اگر تمام خودروهای موجود در جاده‌های آمریکا برقی بودند و مردم آمریکا از همان زمانی که امروزه خودروی بنزینی سوار می‌شوند، خودروی برقی سوار می‌شدند، برق مصرفی این کشور تا ۲۸ درصد بالاتر از مقدار کنونی بود. کلاووس اشمیت، از مرکز مشاوره آرتور دی لیتل، می‌گوید اگر تنها دو سایت از بزرگ‌ترین سایت‌های صنعتی آلمان - مجتمع لودویشافن که باسف، غول مواد شیمی، آن را اداره می‌کند و نیروگاه دیسبورگ که متعلق به غول فولادی تیسن کروپ است - با برق و نه با هیدروکربن‌ها سوخت‌رسانی می‌شدند، مصرف برق کل کشور تا ۱۵ درصد افزایش می‌یافت. این ارقام برای کشورهای در حال توسعه که ظرفیت کافی برای تامین تقاضای برق خود را ندارند ارقامی ترسناک هستند. اما برای کشورهایی چون آمریکا، آلمان و ژاپن که ظرفیت‌های تولید برق آنها قابل دستیابی است و شبکه‌هایی دارند پیشرفته، چندان رعب‌آور نیست. اما به هر حال حتی برای همین کشورها هم چالش بزرگی هستند. هنوز هم بر سر تصمیم‌گیری درباره اینکه برقی‌سازی مستقیم و برقی‌سازی غیرمستقیم با هیدروژن سبز به چه معنی است، اختلافاتی وجود دارد.

هزینه تولید هیدروژن از انرژی‌های تجدیدپذیر بالاست. اما این هزینه‌ها در حال کاهش هستند. هزینه‌های روبه کاهش انرژی‌های تجدیدپذیر با بهبود تکنولوژی تولید هیدروژن - به ویژه در بخش هیدرولیز که مولکول‌های آب را برای تولید اکسیژن و هیدروژن از هم جدا می‌کند - در کنار هم تقویت شده است. الکترولیز هم در بخش‌های ابتکارات جدید و هم از نظر اقتصادی در حال بالغ شدن است. باور بر این است که این تکنولوژی از نظر کاهش هزینه همان راهی را خواهد رفت که منحنی هزینه برای سلول‌های خورشیدی و باتری‌ها طی کرد. اما چمپیون از بلومبرگ ان‌اِی‌اف، که یک شرکت تحقیقاتی است، معتقد است که تا انتهای این دهه هیدروژن سبز

روچروست، یکی از بزرگ‌ترین ژنراتورهای شبکه ۵۰ هرتزی، در یک نیروگاه بزرگ زغال‌سنگی است که شرکت سوئدی واتن‌فال آن را اداره می‌کند. این شرکت امیدوار است تا سال ۲۰۳۰ بتواند با گاز طبیعی کار کند و آماده تولید هیدروژن باشد. سیستم‌های گرمایشی مجزا که به آب گرم نیاز دارند هم با پمپ‌های حرارتی در حال تقویت هستند. همچنین آب گرم به صورت فلاسک بسیار بزرگی که گنجایش ۵۶ هزار تن آب را با دمای چند درجه کمتر از دمای آب جوش دارد، برای ذخیره‌سازی انرژی استفاده خواهد شد. آینده تمامی این مسیرهایی که در این گزارش به آنها اشاره شد بر این متکی است که پیشتر چه اتفاقی افتاده است. تمام آنچه که گفته شد تا حدی آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسد، تصویری فنی از مهندسی خوب. اما این راه‌حل‌ها وابسته هستند به یکپارچه‌سازی تکنولوژی‌های قدیمی و جدید برای کنترل جریان بسیار عظیم برق. و این کاری است که در حال انجام است.



دارد. برای فضاهای مسکونی، ادارات و فرایندهای صنعتی، به حرارت با «گرید کمتری» نیاز دارید، به این معنی که درجه حرارت کمتر از درجه حرارت جوش آب است. در این حالت به نظر می‌رسد پمپ‌های حرارتی موفق عمل می‌کنند.

این البته نامعقول است. در سناریویی که برای محدود سازی گرمایش جهانی به کمتر از ۱.۵ درجه سانتی‌گراد نسبت به سطح دما در دوران پیشاصنعتی که آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر (IRENA)، زیرمجموعه سازمان ملل متحد برای انرژی‌های تجدیدپذیر، آن را ارئه کرده است، تعداد پمپ‌های حرارتی صنعتی در سال ۲۰۳۰ باید از کمتر از یک میلیون پمپ سال ۲۰۱۹ به ۳۵ میلیون و تا سال ۲۰۵۰ به ۸۰ میلیون دستگاه برسد. در ساختمان‌ها این رقم از ۵۳ میلیون دستگاه سال ۲۰۱۹ به ۱۴۲ میلیون دستگاه در ۲۰۳۰ و ۲۹۰ میلیون دستگاه در ۲۰۵۰ برسد. برای دماهای بسیار بالا، بالاتر از ۵۰۰ درجه سانتی‌گراد، احتمالاً این هیدروژن است که میدان‌داری خواهد کرد. یکی از دلایلی که صنایع شیمیایی و فولاد در بند مصرف سوخت‌های فسیلی هستند این است که این صنایع هم از شیمی این سوخت‌ها استفاده می‌کنند- یعنی آنچه که باعث واکنش کربن و هیدروژن می‌شود- و هم از انرژی ذخیره شده در آن. تولید آهن از سنگ آهن و بعد فولاد از آهن نیازمند مواد شیمیایی و نیز حرارت است و صنایع فولاد به این دو دلیل با رشد خود بیشتر به سوخت‌های فسیلی وابسته شدند.

در کارخانه‌ای در تولدو در کلیولند اوهایو، که بزرگ‌ترین تامین کننده صنایع خودروسازی آمریکاست، از گاز طبیعی برای جداسازی اکسیژن از سنگ آهن استفاده می‌شود و به این ترتیب با احیای مستقیم آهن، بریکت درست می‌شود (DRI). هیدروژن چنین عملیاتی را خیلی بهتر می‌تواند انجام دهد. لورنزو گانکالوز، رئیس شرکت، می‌گوید که جایگزینی ۳۰ درصد گاز طبیعی با هیدروژن در صورت داشتن منبع قابل اعتماد هیدروژن آسان است و اما برای بقیه ۷۰ درصد باید اصلاحاتی صورت گیرد و در این صورت سالانه یک میلیون تن از میزان انتشارات کاسته می‌شود. استفاده انحصاری از هیدروژن شاید سخت باشد اما ساخت چنین کارخانجاتی امکان‌پذیر است.

DRI تولیدی در تولدو هنوز هم در کوره‌های زغال‌سنگ سوز مصرف می‌شود. اما از این هیدروژن می‌توان در کوره‌های برقی (EAFS) استفاده کرد که با استفاده از برق آهن را ذوب می‌کند. از سویی برای تبدیل آهن به فولاد به کربن نیاز است اما حرارت تولیدی توسط سوخت‌های فسیلی نیاز نیست. در سناریوی انتشارات صفر خالص که توسط آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) منتشر شده است تا سال ۲۰۵۰ حدود دو سوم از تولید اولیه فولاد در کشورهای صنعتی پیشرو تولید فولاد با استفاده از مسیر DRI-EAF انجام خواهد شد. شرکت هندی فولاد تا سال گذشته گفته بود که از این رویکرد برای تولید فولاد سبز در یک کارخانه بزرگ در هلند بهره خواهد برد. برای اینکه رویکردی چندوجهی و یکپارچه به زیرساخت‌های انرژی داشته باشیم که اقدامات اقلیمی آن را ضروری می‌شمارند و تکنولوژی آن را امکان‌پذیر می‌سازد، به برلین بازمی‌گردیم.



OIL - AVIATION STILL LAGS

Oil demand in 2021 averaged 96.9 million bpd, some 3.7 million bpd below 2019 levels. Much of this weakness was concentrated in aviation-related oil demand, which was more than 2.5 million bpd, or 33%, below 2019 levels. Global oil production increased by 1.4 million bpd in 2021, with the OPEC+ group of producing nations accounting for more than 75% of the increase.

NATURAL GAS - LNG GROWTH SLOWS

Global natural gas demand grew 5.3% in 2021, recovering above pre-pandemic 2019 levels and crossing the 4 trillion cubic metres mark for the first time. Its share in primary energy in 2021 was unchanged from the previous year at 24%. Liquefied natural gas (LNG) supply grew by 5.6%, or 26 billion cubic metres (bcm), to 516 bcm in 2021, its slowest rate of growth since 2015 (other than in 2020).

COAL - THE RETURN OF KING COAL

Coal consumption rose by more than 6% in 2021, slightly above 2019 levels and its highest level since 2014. China and India accounted for more than 70% of the growth in coal demand in 2021.

RENEWABLES - FASTEST GROWTH

Renewable primary energy (including biofuels but excluding hydro) increased 15% in 2021, stronger than the previous year's 9% and any other fuel in 2021. Solar and wind capacity continued to grow rapidly in 2021, increasing by 226 gigawatts (GW), close to the record 236 GW jump in 2020.

Global energy consumption topped pre-pandemic levels in 2021, says BP

REUTERS

Global energy consumption rose by 5.8% in 2021, exceeding pre-pandemic levels as economies revved up activity, while strong growth in renewable energies chipped away at fossil fuel use, according to a benchmark report by BP. Oil demand last year was 3.7 million barrels per day (bpd) below 2019 levels, driven primarily by weakness in the aviation sector, which was 33% below pre-pandemic levels, BP said in its 2021 Statistical Review of World Energy. The rapid economic recovery also led to a 5.7% increase in greenhouse gas emissions from energy use, roughly similar to 2019 levels. "The pronounced dip in carbon emissions in 2020 was only temporary," BP Chief Economist Spencer Dale said in the report. Here are some highlights from the report:

CONSUMPTION - BACK TO 2019

Primary energy demand increased by 5.8% in 2021, exceeding 2019 levels by 1.3%. Fossil fuels accounted for 82% of primary energy use last year, against 83% in 2019 and 85% five years ago.



ers who have self-sanctioned are still bound to buy the oil under contract, some of which could take months to wind down. Meantime, they will likely reduce contracted offtake to minimum volumes and the rest will need to be sold in the spot market. Spot volumes of Urals crude and Russian diesel are only going to increase over time. Second, we've seen huge swings in crude price differentials in the last five weeks as refiners scramble for alternative feedstock. Urals and Dubai crudes are typically priced at much the same levels in their regional markets, reflecting their similar quality. Brent, the global crude oil price marker, has historically commanded a premium of US\$2-3/bbl to both. Any rise in oil price like that of the last few weeks will tend to widen differentials: Dubai is now trading at a discount of US\$10/bbl to Brent while the Urals discount to Brent has blown out to US\$30/bbl. The opening of such a massive differential between Urals and Dubai crudes reflects the huge risk premium the market requires to transact on Russian cargoes. Third, current market conditions look very bullish for refiners. Self-sanctioning triggered the diversion of Russian diesel exports destined for Europe into other regions. Europe suddenly faced a shortage of diesel in the main ARA (Amsterdam/Rotterdam/Antwerp) market, where storage volumes were already low at the end of winter. Diesel prices spiked upwards to pull volume into the European market and pushed up refining margins. That effect has rippled out across the world, and most refiners should benefit. Our global composite refining margin is averaging US\$15/bbl in March, five times above the annual average for 2021 and among the highest monthly values on record. There are regional variations, but Asia and US refining markets have each experienced margin expansion of a similar scale. High natural gas and carbon emissions costs may take the gloss off European margins. And in all regions, volatile and complicated trading conditions could also dampen profits.

Oil and gas companies' leverage to margins var-

ies depending on geographical exposure and individual refining assets. Our corporate downstream modelling suggests that at today's refining margins, the Supermajors could generate more cash flow from refining in Q2 2022 alone than they have had in an average year since 2016. That's on top of the record upstream cash flow we expect. It's rare that both upstream and refining margins are at record margins simultaneously.

Fourth, high prices pose a threat to global oil demand and the longer these prices stay high, the bigger the threat. The first signs will appear at the gasoline pump, and it's clear that motorists everywhere are already feeling the pinch. Diesel demand is less price elastic, with consumption weighted to distribution sectors as well as industry. Fifth, we don't expect a return to the free flow of Russian crude and product exports until Ukraine's independent nation status is resolved. Given the multiple challenges, it will take a few months for the oil market to find a new equilibrium. It's already adapting – Urals crude that's not wanted in Europe will flow to Asia, Middle East crudes and US WTI are increasingly heading to Europe, and Russian diesel exports could find a home in other diesel-deficit markets such as Africa and even Latin America. The reality, though, is that the global crude and product system has suddenly become more complicated, less efficient and higher cost. This will be reflected in prices. A new market is emerging for cargoes of Russian origin. The price reporting agencies are already providing quotations for Russian products, with Russian diesel at discounts of more than US\$20/tonne. Lastly, what's the outlook for oil prices? Brent has been extremely volatile for five weeks trading between US\$99/bbl on 23 February, the day before the invasion, up to a high of US\$139/bbl intra-day in early March. At today's price of US\$108/bbl, we reckon there's arguably a 'Russian premium' of up to US\$20/bbl in Brent. The uncertainty surrounding the war and the potential responses of the various governments is likely to remain for some time.

Five ways the Russia/Ukraine war is changing oil markets



Wood Mackenzi

The Russia/Ukraine conflict has penetrated deep into global crude and product markets. Producers, traders, shippers, refiners and even consumers are all having to adapt to shifting crude and product flows – and pricing. Our Refining analysts Alan Gelder, Mark Williams and Gerit Venter guided me through what's happening and how they think things will play out. First, very little Russian crude and product volumes have been kept from the market. Oil, like gas and coal, is exempted from official sanctions, though the US, Japan and South Korea have imposed import bans. Many countries and companies are aiming to reduce their dependence on Russian crude and products by the end of 2022. Around 1.0 million

b/d out of total Russian crude exports of 4.6 million b/d is now self-sanctioned. These are mostly Urals barrels destined for European refineries. Volumes will increase to 1.2 million b/d when TotalEnergies' sources alternative feedstock for its Leuna refinery in Germany, currently served by a dedicated pipeline from Russia. Separately, some of the 1.0 million b/d of diesel produced in Russian refineries and exported (again, mainly headed for European markets) is also self-sanctioned. Traders are encountering difficulties dealing in Russian volumes, not least credit and logistics – some shipowners won't allow their vessels to dock in Russian ports. Most of the crude and diesel, though, is still getting to the market, according to our waterborne data. Buy-



of LNG, making it the world's 4th largest LNG exporter and accounting for approximately 8% of global LNG supply. In recent years, Russia has increasingly focused on the Arctic as a way to increase oil and gas production and offset declines at existing and older production sites. The Arctic accounts for over 80% of Russia's

natural gas production and an estimated 20% of its crude production. While climate change threatens future investment in the region, it also presents Russia with the opportunity of increasing access to Arctic trade routes, allowing for further flexibility for seaborne deliveries of fossil fuels, particularly to Asia.

natural gas, behind the United States, and has the world's largest gas reserves. Russia is the world's largest gas exporter. In 2021 the country produced 762 bcm of natural gas, and exported approximately 210 bcm via pipeline. Gazprom and Novatek are Russia's main gas producers, but many Russian oil companies, including Rosneft, also operate gas production facilities. Gazprom, which is state-owned, is the largest gas producer, but its share of production has declined over the past decade, as Novatek and Rosneft have expanded their production capacity. However, Gazprom still accounted for 68% of Russian gas production in 2021. Historically, production was concentrated in West Siberia, but investment has shifted in the past decade to Yamal and Eastern Siberia and the Far East, as well as the offshore Arctic. Russia also has a wide-reaching gas export pipeline network, both via transit routes through Belarus and Ukraine, and via pipelines sending gas directly into Europe (including Nord Stream, Blue Stream, and TurkStream pipelines) all. Russia completed work on the Nord Stream II pipeline in 2021, but the German government decided not to approve certification in the wake of the Russian invasion of Ukraine. Russia natural gas accounted for 45% of imports and almost 40% of European Union gas demand in 2021. This share has increased in recent years, as European domestic natural gas production has declined. Germany, Turkey and Italy are the largest importers of Russian natural gas. In late 2019, Russia launched a major eastward gas export pipeline, the roughly 3,000 km-long Power of Siberia pipeline, which has a capacity of 38 bcm, in order to be able to send gas from far east fields directly to China. In 2021, Gazprom exported over 10 bcm of natural gas via the Power of Siberia pipeline, with exports set to gradually ramp-up to 38 bcm in the coming years. Russia is looking to develop the Power of Siberia-2 pipeline, with a capacity of 50 bcm/y, which would supply China from the West Siberian gas fields. No supply agreements and no final investment decision have yet been reached on the pipeline, which would further lessen Russia's reliance on European custom-



ers for gas. Furthermore, Russia has been expanding its liquefied natural gas (LNG) capacity, in order to compete with growing LNG exports from the United States, Australia and Qatar. In 2021, the government released a long-term LNG development plan, targeting 110-190 bcm/year LNG exports by 2025. In 2021, Russia exported 40 bcm

Energy Fact Sheet: Why does Russian oil and gas

IEA

Russia is a major player in global energy markets. It is one of the world's top three crude producers, vying for the top spot with Saudi Arabia and the United States. Russia relies heavily on revenues from oil and natural gas, which in 2021 made up 45% of Russia's federal budget. In 2021, Russian crude and condensate output reached 10.5 million barrels per day (bpd), making up 14% of the world's total supply. Russia has oil and gas production facilities throughout the country, but the bulk of its fields are concentrated in western and eastern Siberia. In 2021 Russia exported an estimated 4.7 million bpd of crude, to countries around the world. China is the largest importer of Russian crude (1.6 million bpd), but Russia exports a significant volume to buyers in Europe (2.4 million bpd). Russia produces several different types of crude oil, but its main export blend is Urals, which is a medium sour crude. It also exports large volumes of ESPO blend crude to Asia, via the East Siberia-Pacific Ocean (ESPO) pipeline. Other grades include Siberian light, Sokol, Sakhalin blend, Arctic oil and Novy Port. While the Russian oil industry has seen a period of consolidation in recent years, several major players remain. Rosneft, which is state-owned, is the largest oil producer in Russia. It is followed by LUKOIL, which is the largest privately owned oil company in the country. Gazprom Neft, Sur-

gutneftegaz, Tatneft and Russneft also have significant production and refining assets. Russia has extensive crude export pipeline capacity, allowing it to ship large volumes of crude directly to Europe as well as Asia. The roughly 5,500 km Druzhba pipeline system, the world's longest pipeline network, transports 750,000 bpd of crude directly to refiners in east and central Europe. At present, Russia supplies roughly 20% of total European refinery crude throughputs. In 2012, Russia launched the 4,740 km 1.6 million bpd ESPO pipeline, which sends crude directly to Asian markets such as China and Japan. The pipeline was part of Russia's general energy pivot to Asia, a strategy focused on shifting export dependence away from Europe, and taking advantage of growing Asian demand for crude. Russia also ships crude by tanker from the Northwest ports of Ust-Luga and Primorsk, as well as the Black Sea port of Novorossiysk, and Kozmino in the Far East. In addition, Russia also exports crude by rail. Russia has an estimated 6.9 million bpd of refining capacity, and produces a substantial amount of oil products, such as gasoline and diesel. Russian companies have spent the last decade investing heavily in primary and secondary refining capacity in order to take advantage of favourable government taxation, as well as growing global diesel demand. As a result, Russia has been able to shift the vast majority of its motor fuel production to meet Euro 5 (10 ppm) standards. Russia's energy strategy has prioritized self-sufficiency in gasoline, so it tends to export minimal volumes. However, Russian refiners produce roughly double the diesel needed to satisfy domestic demand, and typically export half their annual production, much of it to European markets. In addition, Russia is a major exporter of vacuum gasoil and heavy fuel oil. In 2021 Russian refineries processed 5.6 million bpd of crude and exported 2.8 million bpd of oil products. Europe remains a major market for Russian oil products. In 2021 Russia exported 750,000 bpd of diesel to Europe, meeting 10% of demand.

One of the world's top oil producers and exporters Russia is the world's second-largest producer of

Biden Needs More Than Oil From Saudi Arabia

Bloomberg Businessweek

In agreeing to visit Saudi Arabia next month, US President Joe Biden has stepped back from his vow to treat the country as a “pariah.” Critics have blasted him for overlooking Saudi human-rights violations, including the brutal murder and dismemberment of Washington Post columnist Jamal Khashoggi. In exchange, Biden has won only a token increase in oil production that won’t do much to lower gasoline prices at home. Even so, Biden’s trip can serve a valuable purpose. Healthy US-Saudi ties are critical to calming a volatile part of the world and stabilizing energy markets. When he meets with Saudi Arabia’s de facto leader, Crown Prince Mohammed bin Salman, Biden should make clear that improved relations require each nation to respect the other’s core interests. The US-Saudi relationship has always had a strongly transactional element. The US provides security through arms sales and military deployments, and in turn the world’s swing oil producer stabilizes prices. But the importance of the alliance goes beyond oil. The Saudis are indispensable to any effort to blunt Iran’s regional ambitions. Their blessing could well determine whether more Arab nations normalize relations with Israel. Snubbing Saudi leaders will only push them closer to autocrats in Russia and China. Engaging with the Saudis, however, doesn’t mean placating them. If the US is to reaffirm its commitment to Saudi security which

has been complicated by the administration’s attempts to revive the Iran nuclear deal and to shift resources to the Indo-Pacific region then Saudi leaders must pull back from their flirtation with the Russians and the Chinese. The US has a right to expect further increases in oil production, for instance not because they’ll necessarily reduce prices at the pump, but to curb how much Russian President Vladimir Putin profits off continued aggression in Ukraine. The Saudis should also limit the volume and sophistication of the weapons they buy from China. Biden should press MBS as well to follow up on his initial moves to expand ties with Israel. While progress toward full normalization will be gradual, Saudi leaders should be prepared to develop a clear road map to joining the Abraham Accords, as Persian Gulf allies Bahrain and the United Arab Emirates already have. They can start by allowing more Israeli commercial flights to cross Saudi airspace and expanding business and people-to-people ties. Riyadh should also engage in more open military and intelligence cooperation with Israel. Only a truly unified coalition that includes Persian Gulf states, Israel, and the US will have a chance of deterring Iran’s proxy attacks and missile proliferation across the Middle East, which will pose a threat regardless of whether the Iran nuclear deal is revived. Finally, Biden shouldn’t shy away from addressing areas of tension. He should press the Saudis to work more intensively with the United Nations to transform the recently extended cease-fire in Yemen into a lasting peace settlement. Although MBS has expanded some social liberties and the place of women in Saudi society, his government has also imprisoned Saudi activists for promoting similar reforms. They should be released and others allowed to leave the country if they wish. As for Khashoggi’s murder, Biden isn’t likely to elicit any public contrition, but Saudi leaders should at least guarantee that no similar atrocity will take place again. Like Biden’s trip itself, such gestures should properly be seen not as concessions but as investments in a relationship that both nations need to work. If Biden can restore that frayed understanding, his visit will have been worth it.

Agency's assault on small U.S. refineries, which produce roughly 30% of America's gasoline and diesel. Longstanding EPA regulations require them to blend renewable fuel into their product or purchase special credits in a marketplace, but most can't blend in ethanol because it's too corrosive to be moved through pipelines. The EPA has long solved this problem by routinely granting these refiners exemptions if no credits are available, as provided by law. Earlier this month, the EPA announced it is essentially ending exemptions and punishing refiners by retroactively denying exemptions back to 2016, requiring the industry to pay billions. Even the EPA admits consumers will have to cover these costs. Indus-

try leaders fear some refineries won't be able to operate under the new regime and will instead shut down, reducing the supply of gasoline and diesel still further. In pursuit of climate goals, Mr. Biden's policies raised costs for oil and gas and reduced supply. The result is higher gasoline and diesel prices at a time when inflation is already driving up the price of everything else. Mr. Biden got what he wanted, and it's making life harder for ordinary Americans. Because of that, there will be hell for Democrats to pay come November. Mr. Rove helped organize the political-action committee American Crossroads and is author of "The Triumph of William McKinley" (Simon & Schuster, 2015).



Biden Got the Energy Market He Wanted

Wall Street Journal

Trying to limit the political damage of skyrocketing gasoline prices, the Biden administration on Sunday trotted out Energy Secretary Jennifer Granholm. They'd have been better off if she'd gone to Mass. Appearing on CNN's "State of the Union," Ms. Granholm said "we need to have increased production, so that everyday citizens in America will not be feeling this pain that they're feeling right now." The context of the discussion was President Biden's upcoming visit to the Gulf Cooperation Council, where he'll ask the Saudis to increase oil production. Ms. Granholm got the general principle right: The answer to high prices is increased supply. What she got wrong was locating the solution some 7,500 miles away in Middle Eastern oil fields. She didn't have much of a choice. Since taking office, Mr. Biden has labored hard to make American fossil-fuel production more costly so green energy alternatives become more attractive. He succeeded, and the result is record prices. On his first day in office, Mr. Biden canceled the Keystone XL pipeline and halted new leases in Alaska's Arctic National Wildlife Refuge. A week later, he banned new oil and gas leases on federal lands and waters, and in June he shut down exploration on existing leases in ANWR. In October, he increased the regulatory burdens on building pipelines and other infrastructure. This February he limited leasing in Alaska's National Petroleum Reserve. At every turn Team Biden has worked to restrict and reduce domestic oil and gas production. Almost a year after a federal judge enjoined the White House from implementing its pause on leases in federal lands and waters, the administration in April finally offered 144,400 acres for exploration—only 20% of the acreage originally slated for this tranche of leases. The

administration also raised the federal royalty by 50%, increasing the cost on American consumers. It nominated regulatory officials hostile to fossil fuels and issued climate disclosure rules that made lenders skittish about providing capital. Team Biden got what it wanted: Daily U.S. oil production dropped from 12.29 million barrels in 2019 to an estimated 11.85 million in 2022, well after demand had rebounded from the pandemic. Mr. Biden blames Vladimir Putin, but prices rose quite a bit before Russia invaded Ukraine. In January 2021, the average price of regular gasoline was \$2.33 a gallon. By February 2022, it was up to \$3.52. As of May, the average price was \$4.44; so 56% of that price rise predated the invasion. After doing everything in his power to constrict American supply, Mr. Biden is now threatening a windfall-profits tax, even though oil and gas production saw only a 4.7% net profit margin last year. Compare that with Microsoft's 39% net margin, Facebook's 33%, Google's 30% and Apple's 27%. Yet Mr. Biden won't confiscate tech company profits. The president now proposes a three-month holiday from the 18.4-cent-a-gallon federal gasoline tax. But this would raise demand and increase the deficit while doing nothing to boost production. If Mr. Biden were serious about lowering fuel prices, he'd follow the advice of President Clinton's Treasury Secretary Larry Summers, who suggested Sunday "an all-in more energy-supply approach that emphasizes freeing up fossil fuels." That means undoing all of Mr. Biden's earlier decisions that pushed oil and gas prices up. It's important to start now. It took a year and a half of bad actions to get here; it'll take time to increase supply and thereby produce downward pressure on prices. To begin, Mr. Biden should stop the Environmental Protection



BEHRAN OIL CO.

With more Than

59

Years

Experience in Producing a
Variety of Rubber Process

Oils

&

TDAE



خدمات حقوقی مالی
قراردادی شرکتی
وکیل دعاوی بانکی و ...

عضو فرعی اتحادیه
صادرکنندگان فرآورده های
نفت، گاز و پتروشیمی ایران



- ◀ پیگیری سریع و به موقع پرونده ها
- ◀ وکلای مجرب در حوزه های مختلف
- ◀ مشاوره آنلاین و شبانه روزی
- ◀ سابقه بیست ساله و موفق در وکالت



تلفن : ۲۲۰۲۱۲۳۶ - ۲۲۰۲۱۱۷۲

تهران، خیابان آیت اله کاشانی، پلوار فردوس شرق

بین احمدی و زمانی، واحد ۷ و ۸



شرکت فراشیمی روز

FARA SHIMI ROOZ



محصولات

- انواع قیرهای صنعتی
- در آینده ای نزدیک
- روغن پایه
- فورفورال اکس تراکت
- اسلاک واکس
- پارافین مایع صنعتی
- تولید انواع MC
- خدمات لجستیک دریایی

شرکت فراشیمی روز با سابقه ۳ دهه صادرات مستمر قیر در ایران همواره به دنبال روابط طولانی مدت و پایدار با مشتریان خود بوده است هدف ما تامین رضایت مشتریان و پاسخگویی به نیاز آنها می باشد

- تامین و صادرات انواع قیر به صورت عمده
- بهره بردن از تیمی بسیار حرفه ای
- ظرفیت تولید در بندر شهید رجایی و شمال پالایشگاه روزانه ۵۰۰۰ تن
- مخازن ذخیره و نگهداری با ظرفیت ۷۰۰۰۰ تن در بندر عباس

تهران، بلوار نلسون ماندلا (آفریقا)، نرسیده به مدرسه، پلاک ۲۴۴، برج اداری الهیه طبقه ۵، واحد ۵۰۵

info@farashimirooz.com

فکس: ۲۶۲۱۲۹۸۹

تلفن: ۲۶۲۱۲۸۵۹

www.farashimirooz.com